
دانش مهر
قرآن و علم پزشکی، بهداشت

بسم الله الرحمن الرحیم

پرسش ها و پاسخ های قرآنی

نویسنده:

محمد علی رضایی اصفهانی

ناشر چاپی:

انتشارات پژوهش های تفسیر و علوم قرآن

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

پرسش ها و پاسخ های قرآنی (دانش مهر) جلد ۵

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور : دانش مهر(قرآن وعلم - پزشکی- بهداشت)/ محمدعلی رضایی اصفهانی.

مشخصات نشر : قم: پژوهشهای تفسیر وعلوم قرآن، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری : ۲۲۱ ص.: جدول.

فروست : پرسش های قرآنی جوانان؛ ۵.

شابک : ۱۲۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : قرآن -- پرسش ها و پاسخ ها

موضوع : پرسش های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۴۱ -

شناسه افزوده : پرسش های قرآنی جوانان؛ ۵.

رده بندی کنگره : BP۶۵/۲ /پ۴ ۵.ج ۱۳۸۵

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۱۰۷۶

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۵۶۶۴۲

ص: ۱

اشاره

درآمد:

قرآن کریم نوری همواره تابان است که بر اندیشه ی بشر تابید و راه انسان ها را روشن ساخت، این کتاب منبع عظیم معرفتی و سفره ای الهی است (۱) که می تواند نسل های بشر را از زلال معرفت خویش سیراب سازد؛ و مقام دانش و دانشمندان را ارج می نهد و عالمان و جاهلان را مساوی نمی داند، (۲) بلکه با اشارات متعدد به مباحث کیهان شناسی، زیست شناسی، رویان شناسی و روح و روان انسان بلکه با اشاره به مسائل فرا روانشناسی، حسّ کنجکاوی و پرسشگری انسان را تحریک می کند و زمینه رشد علوم را فراهم می سازد. (۳)

پرسش کلید دانش است. (۴) و ذهن پرسشگر ارجمند است، و وظیفه دانشمندان دریافت پاسخ از منابعِ قرآن، حدیث، عقل و علوم تجربی و ارائه آن به تشنگان حقیقت است.

از این رو جمعی از پژوهشگران حوزه و دانشگاه گردهم آمده و با تأسیس «واحد پاسخ به پرسش های تخصصی قرآن و علم»، و ارسال پرسش نامه به دانشگاه های مختلف، به گردآوری پرسش ها و ارائه پاسخ پرداخته اند و حاصل تلاش این عزیزان در این مجموعه گردآوری شده است.

۱- (۱) . عن النبی(صلی الله علیه و آله): القرآن مأدبهٔ اللّه فتعلّموا مأدبته ما استعطتم. (بحار، ج ۹۲، ص ۱۹)

۲- (۲) . هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون. (زمر / ۹)

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده

۴- (۴) . عن علی(علیه السلام): العلم خزائن و مفاتیحها السئوال (غررالحکم، میزان الحکمهٔ، ج ۴، ص ۳۳۰)

بنده که از آغاز با این عزیزان همراهی داشته ام، شاهد تلاش علمیِ همراه با تعهد آنها بوده ام، که در حد توان کوشیده اند پاسخ های مناسب و متین ارائه نمایند. البته برخی پرسش ها نیز از طریق شنوندگان محترم رادیو قرآن دریافت شده و در برنامه پرسش و پاسخ قرآنی آنجا پاسخ داده ایم که به این مجموعه اضافه شده است.

امیدوارم خدای متعال این خدمت علمی و قرآنی را از همه ی ما بپذیرد و در پرتو قرآن و اهل بیت(علیه السلام) پاداش نیک عطا فرماید!

از آنجا که واحد تخصصی پاسخ به پرسش های قرآن و علم، مشمول حمایت ویژه «ستاد پاسخگویی به مسائل مستحدثه دینی دفتر تبلیغات» بوده، بر خود لازم می دانیم از مسئولین محترم ستاد تشکر کنیم.

در ضمن از خوانندگان محترم درخواست داریم که ما را از راهنمایی و پیشنهادات و انتقادات خویش محروم نفرمایند و از جوانان عزیز می خواهیم که اگر پرسش هایی در زمینه قرآن و علم دارند، به آدرس ما ارسال فرمایند. (۱)

با سپاس

محمدعلی رضائی اصفهانی

قم - ۸۵/۳/۱

ص:۱۰

۱- (۱) . آدرس: قم، خیابان معلم، معلم ۹، جنب هتل یثرب، کوچه شهید محمدحسن احمدی، کوی نور، پلاک ۹۱ تلفن، پیام گیر، نمابر: ۰۲۵۱ ۷۷۳۹۰۰۲ ص . پ: ۴۱۶ - ۳۷۱۸۵ - قم Email: quran quransc.com info quransc.com WWW.quransc.com

فصل اول: کلیات قرآن و علم

اشاره

ص:۱۱

پرسش:

مقصود از علم در قرآن چیست و به کدام علوم بیشتر توجه شده است ؟

پاسخ:

مفهوم شناسی علم:

واژه «علم» در لغت به معنـای «دانش» و «دانسـتن» است و در اصـطلاح معانی متعـدّد دارد. (۱) و در اینجـا مقصود علوم تجربی است. یعنی «مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات است.»

در مورد تقسیم بندی علوم نیز طرح های متعدّدی ارایه شده (۲) که ما به تقسیم بندی علوم بر اساس روش ها، بسنده می کنیم:

تقسیم بندی علوم براساس روش:

علوم را می توان به چهار گروه تقسیم کرد:

الف: علوم تجربی (۳): که شامل دو قسم می شود:

اوّل: علوم طبیعی (۴)مانند: فیزیک، شیمی، زیست شناسی و...

۱- (۱) . در مورد تعاریف و تقسیـم بنـدی های علم، نک: احصاء العلوم، فارابی، ص ۱۱۱ - ۱۲۰ و آموزش فلسفه، محمدتقی مصباح یزدی، ج ۱، ص ۶۱ و مبانی حوزه و دانشگاه، ص ۹ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، ص ۱۵۱

۲- (۲) . همان ها

۳- (۳) . Experimental Sciences .

۴- (۴) . Natural Sciences.

دوم: علوم انسانی (۱)مانند: جامعه شناسی، اقتصاد و...

روش کسب این علوم، براساس مشاهده و تجربه حسی است.

ب: علوم عقلی: که آن نیز به دو دسته تقسیم می شود:

اول: علوم منطق و ریاضیات که تا قبل از برتراند راسل، گمان می شد ریاضیات اصل منطق است ولی او اثبات کرد که منطق، اصل ریاضیات است.

دوم: علم راجع به واقع، یعنی فلسفه که شامل فلسفه های مضاف (مانند فلسفه ی اخلاق، فلسفه ی تاریخ و...) و فلسفه های غیرمضاف (مانند متافیزیک یا امور عامه) می شود.

ج: علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و... که در آن ها از نقل استفاده می گردد (البته منظور در اینجا علوم تعبدی شرعی نیست)

د: علوم شهودی: که با علم حضوری، به دست می آید مانند: علوم پیامبران(علیه السلام) و عرفا و شاید این طبقه بندی، تاکنون کاملترین تقسیم بندی علوم باشد.

منابع و روش های علمی قرآن:

قرآن کریم به روش های علمی (یعنی چهار قسم علوم فوق) و منابع مختلف علم اشاره کرده است؛ یعنی: گاهی به شیوه عقلی توجّه دارد و انسان ها را به خردورزی و تفکّر فرامی خواند و تشویق می کند. (۲)

و گاهی توجه انسان را به طبیعت جلب و به کیهان شناسی و طبیعت شناسی و انسان شناسی و... تشویق می کند. (۳)

۱- (۱) . Humanities Sciences.

۲- (۲) . در مورد تعقل نک: بقره / ۷۳ و ۲۴۲، یوسف / ۲، انبیاء / ۱۰، مومنون / ۸، زخرف / ۳ و در مورد تفکر نک: بقره / ۲۱۹، روم/ ۸، آل عمران / ۱۹۱، نحل / ۴۴، حشر / ۲۱ و..

۳- (۳) . نک: آیات سوره رعد، حج / ۵، مومنون / ۱۲ - ۲۱، نحل / ۳ - ۱۷ و...

و گاهی انسان را به عمق تاریخ می برد و داستان های عبرت آموز پیامبران و ملت های پیشین و یا وقایع تاریخی صدر اسلام (همچون جنگ ها و...) را گزارش و بیان می کند. (۱)

و گاهی از وحی و الهامات الهی به انسان ها سخن می گوید؛ (۲) علم الهی را که از نزد خدا به برخی انسان ها می رسد (علم لدنی) گوشزد می کند. (۳)

هر چند هدف قرآن بیان جزئیات تمام علوم بشری نیست (۴) امّا می توان در قرآن اشاراتی به علوم مختلف یافت. به عبارت دیگر قرآن به روش تعقلی، تجربی، نقلی و شهودی توجه کرده و نمونه هایی از آن ها را در قرآن یادآوری نموده و همین توجّه قرآن به روش ها و منابع علوم، به معنای لزوم به کارگیری این منابع است.

کاربردهای علم در قرآن:

واژه «علم» در قرآن کریم به چند معنا به کار رفته است:

الف: علم به معنای خاص یعنی «الهیات»:

قرآن کریم هدف آفرینش جهان را آگاهی انسان از «علم و قدرت الهی» معرفی می کند. (۵) یعنی آگاهی از صفات خدا را به عنوان علم اعلی و هدف خلقت برشمرده است.

و نیز در برخی آیات، از علم «لدنی» یعنی دانشی که خدا به انسان آموزش می دهد سخن گفته شده است. (۶)

ص:۱۵

۱- (۱) . نک: سوره انبیاء، یونس، یوسف و کهف و..

۲- (۲) . شوری / ۵۱، مومنون / ۲۷، طه / ۳۸

۳- (۳) . وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْماً (کهف / ۶۵)

۴- (۴) . در مباحث بعدی در این مورد توضیحات بیشتری خواهد آمد

۵- (۵) . طلاق / ۱۲

۶- (۶) . «وَعَلَّمْنَاهُ مِن لَّدُنَّا عِلْماً». (کهف / ۶۵)

البته این معنای از علم، از مصادیق مهم دانش، بلکه با فضیلت ترین علم است، چرا که ارزش هر علم به معلوماتی است که انسان می آموزد، (۱) و هنگامی که معلومات یک علم، آگاهی از صفات خدای متعال باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد، چرا که بهترین و با ارزش ترین معلومات جهان را می آموزد.

ب: علم به معنای عام:

قرآن کریم می فرماید: «هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ؛ (۲)آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند برابرند.»

به نظر می رسد مقصود از «علم» در این آیه مطلق علم و دانش است که همه ی اقسام علم مفید را شامل می شود. (۳)

و در آیه ی دیگر می فرماید: «یَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنکُمْ وَالَّذِینَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ (۴)خدا کسانی از شما را که ایمان آورده اند و کسانی را که به آنان دانش داده شده، به رتبه هایی بالا می برد.»

در این آیه نیز «ایمان و علم» به عنوان دو معیار جداگانه برای برتری افراد شمرده شده است. از این جداسازی روشن می شود که خود «علم» موجب فضیلت

۱- (۱) . همانطور که از امام علی(علیه السلام) حکایت شده: «قیمهٔ کل امرء ما یعلمه» ارزش هر کس به چیزی است که می داند (مجمع البیضاء، فیض کاشانی، ج ۱، ص ۲۶.)

۲- (۲) . زمر / ۹

۳- (۳) . صاحب تفسیر نمونه آیه را از جهت نابرابری مطلق می داند. (ج ۱۹، ص ۳۹۳) و علامه طباطبائی(ره) نیز علم در آیه را مطلق می داند لیکن با توجه به مورد آیه آن را منطبق بر علم به خدا می کند (ج ۱۷، ص ۲۵۷) و ذیل آیه نیز احادیثی از امام باقر(علیه السلام) حکایت شده که مقصود از دانایان در این آیه اهل بیت(علیه السلام) هستند (صافی، ج ۴، ص ۳۱۶) ولی برخی مفسران اینگونه احادیث را حمل بر بیان مصداق کامل کرده اند وگرنه آیه شامل همه دانایان می شود. (نک: المیزان و اطیب البیان ذیل آیه)

۴- (۴) . مجادله / ۱۱.

افراد است، و این علم مقیّد به الهیّات نشده و مقصود مطلق علم است و شامل همه ی دانشمندان می شود. (۱)

و در آیه دیگر می فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ (۲)از میان بندگان خدا، فقط دانشوران از او هراس دارند.»

در این آیه نیز از دانشورانی یاد شده که نشانه های خدا را می شناسند و عظمت و مقام او را در می یابند از این رو از نافرمانی او بیمناکند، (۳) امّا جالب این است که بخش قبلی آیه فوق و آیه ی پیشین سخن از نشانه های خدا در صحنه طبیعت همچون نزول باران، رویش میوه های رنگارنگ، جاده های رنگارنگ کوهستانی و انسان ها و جنبندگان و دام ها با رنگ های مختلف است، سپس از دانشمندان فوق الذکر یاد می شود. این مطلب نشان می دهد که مقصود از علم، دانشوران در این آیه، علوم طبیعی نیز هست، یعنی دانشمندانی که از طبیعت شناسی به خداشناسی می رسند. (۴)

۱- (۱) . علامه طباطبایی(ره) بر آن است که آیه مومنان را به دو قسم عالم و غیرعالم تقسیم می کند پس آیه می فرماید علمای با ایمان دو درجه برتری دارند و مومنان یک درجه (المیزان، ج ۱۱، ص ۲۱۶) ولی آیت اللّٰه مکارم شیرازی می نویسند: گرچه آیه در مورد خاصی نازل شده ولی با این حال مفهوم عامی دارد و نشان می دهد آنچه مقام آدمی را نزد خدا بالا می برد، دو چیز است: ۱. ایمان؛ ۲. علم. (نمونه، ج۲۳، ص ۴۳۸)

۲- (۲) . فاطر / ۲۸

۳- (۳) . مقصود از خشیت «ترس از مسؤولیت توأم با درک عظمت مقام پروردگار است». (نمونه، ج ۱۸، ص ۲۴۵)

۴- (۴) . آیت اللّٰه مکارم شیرازی پس از بیان ارتباط این بخش آیه ۲۸ / فاطر، با بخش های قبلی و آیات قبل، و لزوم مسئولیت پذیری دانشمندان می نویسند: «عالمان در منطق قرآن کسانی نیستند که مغزشان صندوقچه آراء و افکار این و آن، و انباشته از قوانین و فورمول های علما جهان و زبانشان گویای این مسائل و محل زندگی شان مدارس و دانشگاه ها و کتابخانه هاست. بلکه علما آن گروه از صاحب نظران و دانشمندانند که نور علم و دانش تمام وجودشان را به نور خدا و ایمان و تقوا روشن ساخته، و نسبت به وظائفشان سخت احساس مسئولیت می کنند و از همه پای بندترند. البته علامه طباطبائی(ره) بر آن است که مقصود از علما در اینجا عالمان باللّٰه هستند. (المیزان، ج ۱۷، ص ۴۳)

کاربردهای علم در احادیث:

واژه «علم» در احادیث نیز به معنای اخص و اعم به کار رفته است، برای مثال:

۱. از امـام صادق(علیه السـلام) حکایت شـده: «علم به کثرت آموختن نیست بلکه علم نوری است که خـدا در دل هر کس که بخواهد او را هدایت کند قرار می دهد.» (۱)

۲. از امام باقر(علیه السـلام) حکایت شـده: «هر کس بـدانچه می دانـد عمل کند، خدا دانش آنچه را نمی داند به او ارزانی می دارد.» (۲)

اینگونه احادیث به علوم الهی اشاره می کند، یعنی علم را به معنای احص به کار برده است.

۳. از امام علی(علیه السـلام) حکایت شـده که: «علوم چهار قسم است: علم فقه برای ادیان و علم پزشـکی برای بـدن ها، و علم نحو (دستور زبان) برای زبان، و علم کیهان شناسی برای زمان شناسی» (۳)

مشابه این روایت با مضمون ها و تقسیم بندی های مختلف حکایت شده است که اشاره به علوم تجربی و دینی دارد. یعنی علم را به معنای اعم به کار برده است.

جمع بندی و نتیجه گیری:

از این مباحث روشن می شود که اگر در قرآن و احادیث، علم را معیار برتری معرفی می کند و دانشـمندان را تشویق می کند، مقصود همه ی اقسام علوم مفید و دانشمندان همه رشته های علمی مفید است.

البته ارزش هر علم به معلومات و دانسته هایی است که افراد می آموزند، اگر دانش الهی باشد، آن علم ارزش بیشتری دارد.

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۵

۲- (۲) . همان، ج ۷۸، ص ۱۸۹

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۱۸.

لازم به یادآوری است که دانش الهی نیز مراتب دارد، یعنی علوم تجربی که دارای جهت گیری الهی باشد و انسان را از راه طبیعت شناسی، کیهان شناسی، جنین شناسی و... به خداشناسی بیشتر رهنمون شود، به نوعی از علوم الهی به شمار می آید.

علامه طباطبایی(ره) پس از اشاره به آیاتی که از علم تجلیل می کند، در مورد دعوت قرآن به علوم مختلف می نویسند:

«قرآن مجید در آیات بسیاری (که به سبب حجم گسترده آنها به نقل آن ها نپرداختیم) به تفکّر در آیات آسمان و ستارگان و اختلافات عجیبی که در اوضاع آنها پدید می آید و نظام متقنی که بر آن ها حکومت می کند دعوت می کند.

و به تفکّر در آفرینش زمین و دریاها و کوه ها و...

به تفکّر در آفرینش شگفت آور نبات [گیاهان] و نظامی که در زندگی آنان جریان دارد... به تفکر در خلقت خود انسان و اسرار و رموزی که در ساختمان وجودش نهفته و... و بدین ترتیب به تعلّم علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالاخره همه علومی که در دسترس فکر انسانی است و تعلم آنها به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی می باشد دعوت می کند.

آری قرآن مجید به این علوم دعوت می کند به این شرط که به حق و حقیقت رهنما قرار گیرند و جهان بینی حقیقی را که سرلوحه آن خداشناسی می باشد در برداشته باشند. وگرنه علمی که انسان را سرگرم خود ساخته از شناختن حق و حقیقت باز دارد در قاموس قرآن مجید با جهل مرادف است.» (۱)

قرآن زمینه ساز پیدایش و رشد علوم:

همانطور که بیان شد تشویق دانش و دانشمندان، توسط قرآن، سرچشمه ی پیدایش و رشد بسیاری از علوم در جهان اسلام شد، بطوری که پس از دو

۱- (۱) . قرآن در اسلام، ص ۹۴.

قرن تمدنی پویا و شکوفا بوجود آمد، اینک نگاهی گذرا به فهرست این علوم می اندازیم:

الف: علومی که قرآن به صورت مستقیم باعث پیدایش آن ها شده است:

در میان مسلمانان برخی علوم وجود دارد که موضوع آنها خود قرآن کریم است. یعنی بعد از نزول قرآن و در رابطه مستقیم با آن بوجود آمده و کم کم رشد و توسعه یافته و بصورت دانش مستقل درآمده است، که برخی از این علوم به الفاظ قرآن و برخی به معانی و معارف قرآن می پردازد، و در طول تاریخ در مورد هر کدام از آن ها کتاب های متعدّد نوشته شده است، از جمله:

۱. علم تجوید قرآن: که به کیفیت تلفظ حروف و حالات آن ها می پردازد و مبانی و فنون این امر را بررسی و بیان می کند.

۲. علم قرائات: که به ضبط قرائت های هفتگانه (یادهگانه یا چهارده گانه) قرآن می پردازد و تاریخ و دلایل و قاریان آن ها را بیان می کند.

۳. دانش رسم الخط قرآن: که به قواعد نگارش خط عربی بطور عام و خط قرآن بصورت خاص می پردازد و اقسام خط (نسخ، کوفی و...) و ویژگی های آن ها را بیان می کند.

۴. علوم قرآن: که در مورد اطلاعات مربوط به قرآن در حوزه ی محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، تاویل، باطن و... می پردازد.

۵. فقه القرآن: دانشی که به مباحث آیات الاحکام و دیدگاه ها و دلایل آن ها می پردازد.

۶. علم تفسیر: دانشی که به بیان معانی و مقاصد آیات قرآن می پردازد و به دو صورت تفسیر ترتیبی و موضوعی انجام می گیرد و در طول تاریخ اسلام هزاران کتاب در مورد آن نگارش شده است.

ص:۲۰

۷. علم حدیث: قرآن کریم، پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) را بیان کننده و مفسر قرآن معرفی می کند، (۱) از این رو سنّت ایشان نقش تفسیر قرآن را بعهده گرفت و احادیث تفسیری شکل گرفت و بعدها ده ها کتاب تفسیر روائی در این زمینه نگارش یافت و روایات پیامبر(صلی الله علیه و آله) و اهل بیت(علیه السلام) در زمینه ی قرآن جمع آوری شد. (۲)

ب: علومی که قرآن به صورت غیرمستقیم باعث پیدایش آنها شده است:

در میان مسلمانان علومی در پی تشویق قرآن به علم و یا برای فراگیری و خدمت رسانی به علوم دسته اول (مثل تفسیر) بوجود آمد و به مرور زمان رشد و توسعه یافت و بصورت دانش های مستقل پدیدار گشت؛ که در طول تاریخ اسلام کتاب های متعدّدی در این مورد به نگارش درآمد از جمله:

۱. علم درایهٔ: برای بیان اصطلاحات مربوط به حدیث و تحولات آنها شکل گرفت.

۲. علم رجال: برای بیان حالات راویان و سند روایات شکل گرفت. (۳)

۳. علم کلام: دانشی که مباحث اعتقادی را بیان و از آن ها دفاع می کند، علم کلام اسلامی که ریشه در آیات اعتقادی و احادیث اسلامی دارد، و کم کم بصورت یک علم منسجم درآمد.

۴. علم فقه: که به استنباط قوانین شرعی از آیات الاحکام و احادیث فقهی می پردازد و کم کم بصورت علم مستقل و گسترده ای در جهان اسلام درآمد.

۵. علم اصول الفقه: که قوانین مربوط به استنباط از قرآن و حدیث را بیان می کند و در حقیقت منطق فهم آنهاست که بصورت مقدمه علم فقه نمودار شد

۱- (۱) . وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ (نحل / ۴۴)

۲- (۲) . از جمله تفسیر عیاشی، تفسیر نورالثقلین، تفسیر البرهان، تفسیر صافی در شیعه و تفسیر الدر المنثور در اهل سنت

۳- (۳) . نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۷ - ۹۶

اما در حقیقت مقدمه ی علم تفسیر و حدیث و فقه و... است. این دانش در طول اعصار به یکی از پیشرفته ترین علوم مسلمانان تبدیل شد.

۶. علوم ادبی عرب: که شامل علم نحو، صرف، اشتقاق، معانی، لغت و وجوه و نظائر می شود. این علوم برای فهم بهتر و منضبط آیات قرآن و نیز برای تلفّظ صحیح آیات بنیان گذاری شد، (۱) ولی از آنجا که برای تمام علوم مفید بود و مقدمه فهم تلفظ و نوع متنی به شمار می آمد، به مرور بصورت علوم مستقل درآمد و میراث گرانبهایی برای ملّت عرب گردید، و دانشمندان و متخصّصان فارسی و ترکی و... نیز از آن بهره مند گردیدند، و حتی بر ادبیات فارسی و ترکی و... نیز تاثیرات مثبت گذاشت. (۲)

۷. علم تاریخ: این علم در اسلام از «قصص قرآن» و پیامبران و سیره پیامبر(صلی الله علیه و آله) و احادیث شروع شد و سپس بصورت تاریخ قبل و بعد از اسلام و تاریخ جهان پدیدار شد و مورخان بزرگ و کتاب های تاریخ را بوجود آورد. (۳)

ج: علومی که قرآن باعث رشد آنها شده است.

برخی علوم در فرهنگ و تمدن ملت های مختلف وجود داشته و گاهی از یک ملّت به ملّت دیگر منتقل می شود و رشد و توسعه می یابد و گاهی این جریان بر عکس است.

جامعه ی مسلمانان نیز از این قاعده مستثنی نبوده است؛ آنان برخی علوم را از یونانیان، ایرانیان و هند ترجمه کردند و بر عمق و وسعت آن ها افزودند، که می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- (۱) . نک: شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه سید محمد مختاری

۲- (۲) . پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ص ۳۲۱ به بعد

۳- (۳) . نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۶ - ۹۵.

۱. فلسفه: در آغاز از یونان وارد کشورهای اسلامی شد و کم کم تحت تاثیر تفکر اسلامی قرار گرفت و تغییراتی یافت، بطوری که همه ی مسائل متن و براهین و ادله آنها را می توان در قرآن و حدیث پیدا کرد. (۱)

۲. منطق: هر چند که اصل این علم نیز از یونان به حوزه ی علوم مسلمانان راه یافت اما از آنجا که قرآن به برهان و استدلال و جدال نیکو (۲) و... توجه خاص داشت، مسلمانان نیز به علم منطق توجه کردند و این علم در جامعه ی مسلمین پیشرفت زیادی کرد تا آنجا که کتاب های متعدّدی در این زمینه نگارش یافت.

۳. ریاضیات: این علم نیز با توجه به تشویق قرآن به علم در بین مسلمانان پیشرفت فراوانی کرد.

۴. علوم پزشکی: توجه قرآن به امور بهداشتی (۳) و نیز توجه احادیث به نظافت و پاکی و طهارت نقش بسزایی در توسعه و پیشرفت این علم داشت تا آنجا که بسیاری از مجهولات علم پزشکی توسط دانشمندان مسلمان کشف و تبیین گردید.

۵. کیهان شناسی (نجوم): قرآن کریم به ماه و خورشید و ستارگان و حرکت آن ها اشاره ی صریح دارد (۴) و از آنجا که مسلمانان برای جهت یابی قبله و نیز تشخیص طول ماه برای انجام فرایض دینی خود به این علم نیاز داشتند، کیهان شناسی در بین مسلمانان رشد زیادی یافت بطوری که رصدخانه های متعدّد بنا شد.

علامه طباطبایی(ره) در این زمینه می نویسند: «به جرئت می توان گفت: که عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و غیر آن ها

ص:۲۳

۱- (۱) . نک: قرآن در اسلام، علامه طباطبائی، ص ۹۷

۲- (۲) . نک: نحل / ۱۲۵

۳- (۳) . نک: اعراف / ۳۱ و ۱۷۵، انعام / ۱۴۵، مائده / ۱ و ۶ و..

۴- (۴) . نک: یس / ۳۸، رعد / ۲، نمل / ۸۹ و..

بصورت نقل و ترجمه در آغاز کار و به نحو استقلال و ابتکار در سرانجام همان انگیزه فرهنگی بود که قرآن مجید در نفوس مسلمانان فراهم کرده بود.» (۱)

یادآوری ۱: البته در این مورد علوم و فنون دیگری نیز تحت تاثیر قرآن به وجود آمد و رشد و توسعه یافت که ذکر همه آن ها از حوصله ی این نوشتار خارج است.

یادآوری ۲: جهت مطالعه بیشتر در این زمینه به کتاب های ذیل مراجعه فرمایید:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، وزارت امور خارجه.

۲. علوم اسلامی و نقش آن در تحول علمی جهان، آلدو میه لی، ترجمه محمدرضا شجاع رضوی و دکتر اسداللّه علوی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

۳. تاریخ التمدن اسلامی، جرجی زیدان.

۴. شیعه پایه گذار علوم اسلامی، سید حسن صدر، ترجمه محمد مختاری.

۵. کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب.

۶. علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، زین العابدین قربانی.

۱- (۱) . قرآن در اسلام، ص ۹۸.

پرسش:

آیا قرآن کتاب علمی است و آیا همه ی علوم بشری در قرآن وجود دارد؟

پاسخ:

در این مورد سه دیدگاه عمده وجود دارد که بصورت مختصر بدانها اشاره می کنیم و دلایل آنها را مورد بررسی قرار می دهیم:

دیدگاه اول: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد:

این اندیشه برای اولین بار در کتاب «احیاء العلوم» و «جواهر القرآن» ابو حامد غزالی (م ۵۰۵ ق) مطرح شده است. او سعی کرد نشان دهد همه ی علوم را می توان از قرآن استخراج کرد. او می نویسد:

«پس علوم، همه آنها در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفات خود را توضیح می دهد و این علوم بی نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آنها اشاره شده است.» (۱)

سپس ابو الفضل المرسی (۶۵۵ - ۵۷۰ ق) صاحب کتاب «التفسیر» این دیدگاه را بصورت افراطی می پذیرد و می گوید: «همه ی علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد.» (۲)

آنگاه بدر الدین زرکشی (م ۷۶۴ ق) در «البرهان» این نظریه را می پذیرد. (۳)

۱- (۱) . احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹، چاپ دار المعرفهٔ، بیروت

۲- (۲) . ر.ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۷۸ - ۴۸۲

۳- (۳) . البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۸۱، چاپ دارالمعرفهٔ، بیروت.

و پس از او جلال الدین سیوطی (م ۹۱۱ ق) در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» و «الاکلیل فی استنباط التنزیل» با پذیرفتن دیدگاه های غزالی و المرسی آن را تقویت می کند. (۱)

و مرحوم فیض کاشانی (م ۱۰۹۱ ق) هم در مقدمه ی تفسیر «صافی» این دیدگاه را به صورت خاصی در قسمتی از علوم می پذیرد. (۲)

این دیدگاه در عصر جدید هم با پیشرفت علوم تقویت شد و کسانی مثل طنطاوی جوهری (متولد ۱۸۶۲م) در تفسیر مشهور «الجواهر فی تفسیر القرآن» سعی کرد تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهد.

و جدیدترین تمایل نسبت به این نظریه از طرف شخصی بنام رضا نیازمند در سال گذشته (۱۳۷۵ ش) اظهار شد که در مقاله ای نوشت:

«کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم هم هست و در آن هر چیز بر اساس دانش تفصیل داده شده است.» (۳)

دلایل دیدگاه اول:

۱. ظاهر برخی آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. مثل: «نزلنا علیك الکتاب تبیاناً لکل شیء»؛ (۴)

«و کتاب را بر تو نازل کردیم در حالی که بیان کننده هر چیز است.»

۲. آیاتی که اشاره به علوم مختلف می کند.

برای مثال: آیه ای که از حساب سخن می گوید اشاره به علوم ریاضی دارد. «و کفی بنا حاسبین» (۵)

ص:۲۶

۱- (۱) . الاکلیل فی استنباط التنزیل، ص ۲ و الاتقان، ج ۲، ص ۲۸۲ ۲۷۱، دار الکتب العلمیه، بیروت

۲- (۲) . تفسیر صافی، ج ۱، ص ۵۷

۳- (۳) . مجله بینات، سال سوم، شماره ۱۰، ص ۲۱، تابستان ۱۳۷۵ ش

۴- (۴) . نحل / ۸۹

۵- (۵) . انبیاء / ۴۷.

و از آیه «رفیع درجات» (۱) با حساب ابجد ۳۶۰ درجه بودن درجات دایره در هندسه استخراج می شود.

و علم پزشکی از آیه «و اذا مرضت فهو یشفین» (۲) بدست می آید.

۳. روایاتی که دلالت می کند همه علوم در قرآن کریم وجود دارد.

برای مثال: از امام باقر(علیه السلام) روایت شده که فرمودند: «ان اللّه تبارک و تعالی لم یدع شیئاً تحتاج الیه الامهٔ الا نزله فی کتابه و بیّنه لرسوله» (۳)

«خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مردم به آن محتاج باشند، فرو گذار نکرده است مگر آنکه آنها را در قرآن، نازل فرمود و برای پیامبر(صلی الله علیه و آله) بیان کرده است».

۴. دلیل دیگر بر وجود همه ی علوم در قرآن، مسأله بطون آن است که در روایات متعددی وارد شده که قرآن دارای بطون مختلف است. (۴)

غزالی در «احیاء العلوم» به همین مطلب استشهاد کرده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم ذکر کرده است. و بعد می گوید: این عدد چهار برابر می شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد. (۵)

تذکر: دلایل این دیدگاه را در هنگام ذکر دلایل دیدگاه دوم و سوم مورد بررسی و نقد قرار می دهیم.

دیدگاه دوم: قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است.

۱- (۱) . غافر/ ۱۵

۲- (۲) . شعراء/ ۸۰

۳- (۳) . نور الثقلین، ج ۲، ص ۷۴

۴- (۴) . بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۹۵

۵- (۵) . احیاء العلوم، ج ۱، ص ۲۸۹.

این دیدگاه را می توان از سخنان برخی از صاحب نظران و مفسران استفاده کرد.

برای مثال ابو اسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) که اولین مخالف با نظریه غزالی و المرسی بود می گوید:

«قرآن برای بیان احکام آخرت و مسائل جنبی آن آمده است.» (۱)

نویسندگان تفسیرهای «مجمع البیان» و «کشاف» نیز می نویسند:

«منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل مربوط به هدایت و دین است.» (۲)

تذکر۱: دلایل این دیدگاه همراه با دیدگاه سوم بیان می شود.

تذکر۲: سخنان این بزرگان قابل توجیه و تأویل است و نمی توان گفت که آنان متمایل به دیدگاه سوم نبوده اند. و گر نه ظاهر سخن آنان با ظواهر آیات قرآن ناسازگار است؛ چرا که در قرآن احکام و حدود و حتی قوانین ارث و دستورات جنگ و حکومت و اقتصاد و... بیان شده است که مربوط به دنیای مردم است. (۳)

دیدگاه سوم: دیدگاه تفصیل؛ یعنی از طرفی همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت گری بشر به سوی خداست. و از طرفی دیگر قرآن کریم دعوت به تفکر و علم می کند و برخی از مثال ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است.

دلایل و شواهد: در اینجا دلایل این دیدگاه را همراه با ردّ دلایل دیدگاه اول بیان می کنیم:

۱. قرآن کتاب هدایت، اخلاق، تربیت و دین است و انسان ها را به سوی فضیلت ها و خداشناسی هدایت می کند. بنابر این ضرورتی ندارد که قرآن، همه ی

۱- (۱) . الموافقات، ج ۲، ص ۷۶ - ۷۹ به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۵

۲- (۲) . طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۸۹ و زمخشری، کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸

۳- (۳) . آیات مربوط به آیات الاحکام حدود پانصد آیه است که در کتابهائی تحت همین عنوان جمع آوری شده است.

مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول های آنها، بیان کند. هر چند این موارد گاهی اشارات حق و صادقی دارد.

این مطلب مورد تأکید مفسّران قدیمی (۱) و صاحبنظران معاصر (۲) است.

۲. ظهور آیاتی که می فرماید: «همه چیز در قرآن است» قابل اخذ نیست چرا که:

اوّلاً: این ظهور بر خلاف بداهت است و بسیاری از فرمول های شیمی و فیزیک در قرآن کریم نیست.

ثانیاً: ظهور این آیات مورد انکار صریح برخی از مفسّران قرار گرفته است و گفته اند که منظور وجود چیزهایی است که در هدایت انسان لازم است و اینها در قرآن وجود دارد. (۳) (کل شیء امور دینی)

ثالثاً: لفظ «کتاب» در آیات مورد بحث «نزلنا علیک الکتاب تبیاناً لکل شیء» (۴) ممکن است به چند معنا باشد: «قرآن کریم، لوح محفوظ، اجل، علم خدا، امام مبین» (۵) پس نمی توان گفت: که حتماً مراد قرآن است و همه چیز در آن است.

و همین اشکال در مورد روایاتی که مورد استناد واقع شده بود نیز وارد است.

رابعاً: این آیات با دلیل عقل (قرینه لبّی) تخصیص می خورد و محدود می شود. چون عقل انسان حکم می کند که قرآن در مورد هدف خود (هدایت معنوی انسان) بیان همه چیز باشد نه در اموری که خارج از حوزه ی هدف اوست.

ص:۲۹

۱- (۱) . ر.ک: مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۹۸ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸

۲- (۲) . ر.ک: المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و استاد مصباح یزدی، معارف قرآن، ص ۲۲۹ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۶۱ - ۳۶۲

۳- (۳) . ر.ک: تفسیر القرآن الحکیم (معروف به المنار)، ج ۷، ص ۳۹۵ و تفسیر الجواهر، طنطاوی، ج ۸، ص ۱۳۰ و التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۹

۴- (۴) . نحل / ۸۹

۵- (۵) . ر.ک: مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۹۸ و ج ۶، ص ۳۸۰ و کشاف، ج ۲، ص ۶۲۸ و المیزان، ج ۱۴، ص ۳۲۵ و تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۸۱ و...

۳. آیاتی از قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی دارد هدف آنها کشف فرمولهای هندسه و شیمی و... نیست؛ بلکه این اشارات بطور استطرادی و حاشیه ای این مباحث را مطرح کرده است. یعنی صرفاً ذکر مثال (البته حق و واقعی) است و هدف آن، آموزش علوم نیست.

علاوه بر آنکه برخی از آیاتی که مورد استشهاد طرفداران دیدگاه اوّل قرار گرفت از لحاظ موازین تفسیری قابل نقد است برا ی مثال: آیه «رفیع الدرجات» ربطی به درجات دایره ندارد. و حمل آیات بدون قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر یک مطلب، موجب تفسیر به رأی می شود.

۴. مسأله بطون قرآن و علم أئمه(علیه السلام) از مورد بحث ما خارج است. چون موضوع بحث این است که آیا همه ی علوم بشری را می توان از ظواهر قرآن استخراج کرد یا نه؟

جمع بندی و نتیجه گیری:

بنا بر آنچه بیان کردیم به این نتیجه می رسیم که ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول ها و جزئیات آن) دلالت ندارد.

بلی در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است ولی همه ی علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست و آیاتی که در این زمینه است (مثل آیه ۸۹ سوره نحل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعام) دلالت بر این دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است. (۱)

۱- (۱) . برای اطلاعات بیشتر در این زمینه و بررسی تفصیلی دلایل طرفین ر.ک: در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵ ش، قم.

پرسش:

بهترین راه برای جمع بین علم و ایمان چیست ؟

بطوری که نه از ساحت علم کم شود و نه از ساحت معرفت (دینی و معنویت)، چه پیشنهادی می کنید؟

پاسخ:

قرآن کریم همانطور که به معنویت و تعالی اعتقادی، روحی و اخلاقی انسان توجّه دارد، به دانش افزایی بشر نیز توجّه کرده است.

در قرآن کریم بیش از هفتصد بار ماده علم به کار رفته و بیش از هزار آیه به مباحث کیهان شناسی، پزشکی، زیست شناسی و ... اشاره دارد. که گاهی در حد اعجاز علمی مطرح شده است. (۱)

قرآن کریم علم آموزی را هدف آفرینش انسان معرفی می کند (۲) و دانشمندان و مومنان را برتر از دیگران می داند. (۳)

بنابراین قرآن کریم انسان را به جمع بین علم و ایمان، دانش و معنویت فرا می خواند و بین این دو مقوله تعارض و تضادی نمی بیند.

اما گاهی افراد، قلمرو دین و علم را به خوبی نمی شناسند یا رعایت نمی کنند، از این رو جمع بین آنها مشکل می نماید یا به توهم تعارض منتهی می شود.

ص:۳۱

۱- (۱) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، انتشارات مبین

۲- (۲) . طلاق / ۱۲

۳- (۳) . مجادله / ۱۱.

راهکارها:

جداسازی قلمرو علم و دین (۱) بهترین راهکار برای جلوگیری از چالش هاست. یعنی بدانیم که:

الف: پژوهش در حوزه طبیعت، مخصوص علم است و همگان باید به نتایج پژوهش های تجربی (که به حد قطعیات می رسد) احترام بگذارند.

ب: حوزه ی ماوراء طبیعت مثل خدا و فرشتگان و ... مخصوص حوزه ی دین است و حواس طبیعی بشر بصورت عادی راهی به سوی آنها ندارند، بنابراین اطلاعات بشر در این زمینه از راه علوم نقلی (مثل وحی قرآنی و احادیث) بدست می آید.

ج: حوزه ی انسان از جهتی موضوع پژوهش های تجربی و از جهتی موضوع احکام دینی است (البته در برخی موارد طبیعت نیز اینگونه است)

برای مثال: جسم انسان موضوع تحقیقات پزشکی است ولی احکام و مقررات عبادی برای تعالی روحی بشر موضوعی دینی است. در این موارد نیز لازم است جهت گیری دین و علم کاملاً مشخص و متمایز و روشن شود تا از تداخل و تعارض جلوگیری گردد.

به عبارت دیگر دین در برخی موارد کلی قوانینی دارد که از طرف خالق بشر مقرّر شده پذیرش و احترام رعایت این قوانین موجب سعادت بشر است.

ولی راهکارهای اجرایی آنها توسط کارشناسان و متخصصان علوم مختلف تعیین می گردد.

ص:۳۲

۱- (۱) . نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، انتشارات اسوه.

برای مثال: حفظ جان انسان از نظر دینی واجب است. اما راهکار علمی آن توسط پزشکان و متخصصان زیست محیطی و ... بیان می شود و نیز در امور سیاسی و تربیتی و اجتماعی و اقتصادی نیز دین اسلام خطوط کلی را مطرح کرده است که رعایت آنها سعادت انسان را تضمین می سازد مثل حرمت ربا در اقتصاد، حقوق والدین و فرزندان و زن و شوهر، حقوق شهروندان نسبت به همدیگر و ممنوعیت ظلم. لزوم نصب رهبران جامعه از طریق الهی و ...

به عبارت دیگر انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است که برای هر یک هدف و سعادت و سیر تکاملی وجود دارد که قوانین و مقررات و لوازم خاص خویش را می طلبد.

علوم بشری می تواند سعادت بعد جسمانی بشر را تا حدودی تامین سازد و دین، سعادت بعد روحی و معنوی بشر را تامین می کند و این دو با همدیگر تعارض ندارند.

البته گاهی اتّفاق می افتد برخی انسان ها از قدرت خود و طبیعت و علم بر ضد سعادت کل بشریت استفاده می کنند و دین در این موارد قوانین بازدارنده ای را تنظیم کرده است تا از تباهی و هلاکت بشریت جلوگیری کند.

برای مثال: نیروی هسته ای یکی از نعمت های الهی است که می توان از آن در خدمت بشریت برای تولید نیروی برق یا پزشکی هسته ای استفاده کرد. امّا برخی انسان های قدرت طلب از آن برای تولید سلاح هسته ای و کشتار انسان ها استفاده می کنند؛ دین با این پدیده ی شوم مخالف است چون بشریت را به سوی هلاکت می کشاند.

ص:۳۳

البته عـدم رعایت قلمرو علم و دین در طول تاریـخ، ضـربه ها و زیان های زیادی برای بشـریت بوجود آورده است که نمونه ی آن را در قرون وسطی در اروپا می بینیم. (۱)

البته در تاریخ اسـلام معمولاً علم و دین سازگاری دارند و همین مطلب عامل پیشـرفت سـریع مسلمانان در چند قرن اولیّه ظهور اسلام شد. (۲)

ص:۳۴

۱- (۱) . نک: رابطه علم و دین، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲- (۲) . نک: پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی، دکتر علی اکبر ولایتی.

پرسش:

آیا در قرآن پیشگویی هایی وجود دارد که تحقق نیافته باشد؟

پاسخ:

قرآن کریم کتاب هدایت بشر به سوی خداست و کتاب پیشگویی نیست. امّا در راستای هدایت قرآنی، برخی از آیات قرآن به وقایع آینـده بشـریت اشاره دارد. که این آیات گاهی در حـد رازگویی و نوعی اعجاز بشـمار می آینـد. این آیات به دو دسـته تقسیم می شود:

الف: پیشگویی ها و رازگویی هایی که در قرآن آمده و بعداً تحقّق یافته است.

برای مثال: وقتی در زمان پیامبر(صـلی الله علیه و آله) خبر پیروزی ایرانیان بر رومیان آمد، آیات آغازین سوره ی روم نازل شد و از شـکست ایرانیـان در آینـده ی نزدیـک خبر داد و این جریان پس از چنـد سال اتّفاق افتاد و این رازگویی اعجازآمیز قرآن ثابت شد. (۱)

«غُلِبَتِ الرُّومُ فِی أَدْنَی الْأَرْضِ وَهُم مِّن بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَیَغْلِبُونَ فِی بِضْعِ سِنِینَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِن قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَیَوْمَئِذٍ یَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ»

«(سپاه) روم در نزدیک ترین سرزمین شکست خورد؛ و[لی] آنان بعد از شکستشان در [ظرف] چند سال بزودی پیروز خواهند شد. کار[ها] قبل از

۱- (۱) . نـک: تفسـیر مجمع البیـان، نور الثقلین، ابوالفتوح رازی، فخررازی، المیزان،ذیل آیه ۲ - ۴ / روم و نمـونه، ج ۱۶، ص ۳۶۵.

(آن شکست)، و بعد از (این پیروزی)، فقط از آن خداست؛ و در آن روز مومنان از یاری الهی (و پیروزی دیگری) شاد می شوند.»

مثال دیگر: پیامبر پیروزی مسلمانان را بر مشرکان مکه در خواب دید و به مردم خبر داد سپس آیه ای در مورد آن نازل شد و این مطلب واقع شد و مسلمانان وارد مسجد الحرام شدند. (۱)

این مطلب در آیه ۷ - ۲ سوره ی فتح آمده و پیشگویی کرد که خواب پیامبر تحقّق خواهد یافت، و این رازگویی اعجاز آمیز نیز محقّق شد.

«لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِن شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُؤُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِن دُونِ ذٰلِكَ فَتْحاً قَرِيباً» (۲)

«بیقین خدا به فرستاده اش درخواب بحق راست گفت که اگر خدا بخواهد قطعاً با امنیت وارد مسجدالحرام می شوید درحالی که سرهایتان را تراشیده و (یا) کوتاه کرده اید (و از کسی) نمی ترسید؛ و (خدا) می دانست آنچه که نمی دانستید؛ و جز این، پیروزی نزدیکی (برای شما) قرارداده است.»

ب. پیشگویی های قرآن که هنوز واقع نشده است.

در این مورد چند مثال بیان می کنیم:

مثال اول: پیش گویی پیروزی نهایی دین اسلام بر همه ی ادیان:

«هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۳)

«او کسی است که فرستاده اش را با هدایت و دین حق فرستاد، تا آن را بر همه دین [ها]پیروز گرداند؛ و گر چه مشرکان ناخشنود باشند.»

۱- (۱) . نک: مجمع البیان ذیل آیه ۲۷ / فتح و صافی، ج ۵، ص ۳۳ و نمونه، ج ۲۲، ص ۱۰۳ - ۱۰۲

۲- (۲) . فتح / ۲۷

۳- (۳) . توبه / ۳۳.

مشابه این آیه در سوره فتح / ۲۸ و صف / ۹ آمده است.

ولی این پیشگویی قرآن هنوز واقع نشده است و در احادیث حکایت شده که این پیروزی نهایی اسلام در زمان امام مهدی(عج) تحقّق خواهد یافت. (۱)

مثال دوم: پیش گویی دو سرکشی بزرگ یهود در طول تاریخ:

در آیات قرآن در مورد یهودیان (بنی اسرائیل) اینگونه آمده است:

«وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوّاً كَبِيراً. فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولاَهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَاداً لَنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلاَلَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْداً مَفْعُولاً. ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيراً» (۲)

«و در کتاب (تورات) به بنی اسرائیل (فرزندان یعقوب) اعلام کردیم که: قطعاً دو بار در [روی] زمین فساد خواهید کرد، و حتماً با سرکشیِ بزرگی برتری خواهید نمود.

و هنگامی که نخستین وعده (از آن) دو فرا رسد، (گروهی از) بندگان سخت نیرومند (و جنگ آور) مان را بر شما بشورانیم، و میان خانه ها (یتان برای سرکوبی شما) به جستجو در آیند؛ و [این] وعده ای واقع شده است.

سپس دوباره، (پیروزیِ) بر آنان را به شما باز گردانیم، و شما را بوسیله اموال و پسران امداد رسانیم، و نفرات شما را بیشتر (از دشمن) قرار دهیم.»

در این آیات به دو سرکشی عظیم یهود در طول تاریخ اشاره شده است که برخی موارد سرکوب شد و سرکشی دوم را برخی مفسّران همین تسلط مجدد یهود بر بیت المقدس می دانند که بوسیله ی مسلمانان سرکوب خواهد شد. ولی هنوز واقع نشده است. (۳)

۱- (۱) . نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۸ / فتح و ۳۳ / توبه و ۹ / صف از جمله تفسیر صافی، نمونه و ..

۲- (۲) . اسراء / ۴ - ۶

۳- (۳) . نک: نمونه، ج ۱۲، ص ۳۰ (البته در مورد این آیه تفاسیر دیگری نیز حکایت شده است)

مثال دیگر: نظریه پردازی های قرآن در مورد گسترش جهان در سوره ی ذاریات / ۴۷ و مانند آن است، که هنوز دانشمندان به این مطالب علمی قرآن بطور کامل دست نیافته اند.

مثال دیگر: مساله ی رجعت است که از برخی آیات (مثل آل عمران / ۸۱ و ۸۲ و نساء / ۱۵۹ و... و انعام / ۱۵۸ و اعراف / ۱۲۸ و...) و روایات استفاده می شود (۱) که در آن زمان مومنان خالص دوباره زنده می شوند (۲) ولی هنوز تحقّق نیافته است.

۱- (۱) . نک: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱ و برهان ج ۱، ص ۲۹۵ و نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۵۹ و بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۱ و ۵۰ و ۶۱. و نیز مجمع البیان برهان و صافی و قمی ذیل آیات فوق الذکر

۲- (۲) . نک: همان ها و نیز کتاب رجعت یا دولت کریمه خاندان وحی(علیه السلام)، محمد خادمی.

پرسش:

در تعارض قرآن و علم چه کنیم ؟

پاسخ:

یکی از دغدغه های اندیشمندان سازگاری یا ناسازگاری بین منابع متعدّد معرفتی است که از آن جمله، ناسازگاری یا سازگاری بین «علم و دین» است.

به نظر می رسد حل مسئله ی تعارض «علم و دین»، پاسخی به راه حل تعارض «قرآن و علم» هم خواهد بود، ولی به جهت رعایت اختصار و تمرکز بر این پرسش، به طور مستقیم به راه کارهای تعارض زدایی قرآن و علم می پردازیم.

ابتدا لازم است نکاتی را مورد توجه قرار دهیم تا زودتر به پاسخ برسیم:

نکات:

اوّل: با توجّه به آنکه قرآن، کلام خداوندی و آفریننده ی جهان است، میان قرآن و علم تعارض واقعی رخ نمی دهد. زیرا خدای جهان به آنچه آفریده است آگاهی دارد و برای اطلاع رسانی از حقایق هستی، شناخت کافی دارد و قرآن که کلام الهی است برای هدایت و آگاه نمودن انسان به حقایق هستی می باشد.

در نتیجه آنچه در قرآن آمده از اتقان و واقعیت برخوردار است و با واقعیات جهان ناسازگاری ندارد. به عبارت دیگر «کتاب تشریع» و «کتاب تکوین» (جهان) هر دو از یک آفریننده است و بر یکدیگر مطابقت دارد.

چنانکه گالیله نیز به همین نکته اشاره کرده و گفته است: هم آیات کتاب مقدس و هم آیات طبیعت، هر دو کلمهٔ الله اند، و ایان باربور در ادامه ی سخن

گالیله می نویسد: گالیله طبیعت و متن مقدس را، دو راه همطراز و رهنمون به خدا می دانست. (۱)

دوم: قرآن که نازل شده از علم نامتناهی خداست - علمی که هیچ خطا و تغییری در آن راه ندارد - بدون هیچ تحریفی به دست انسان ها رسیده است. بنابراین همانگونه که علم خالق هستی با واقعیات مطابق و هماهنگ است، قرآن نیز با واقعیات ناسازگار نخواهد بود. البته مسئله ی تحریف ناپذیری قرآن که از مسلمات اسلام است در جای خود مورد تحلیل قرار گرفته است. (۲)

سوم: علم، کاربردهای متعددی دارد یکی از معانی «علم» عبارت است از: دانش های مطابق با واقع که از هر گونه خطا دورند.

اگر مراد از «علم» در «تعارض قرآن با علم» این معنا باشد با توجه به آنچه در دو نکته ی پیشین گذشت، هیچ گاه میان قرآن و علم صحیح، تعارض رخ نمی دهد.

از آنجا که قرآن دارای مصونیت از تحریف است و نازل از علم الهی و مصون از خطاست، با علم صحیح هماهنگ و سازگار خواهد بود.

البته یکی ازمعانی «علم»، عبارت است از دانش های تجربی بشر است که در این صورت امکان تعارض میان قرآن و علم وجود دارد.

علم به معنای «دانش تجربی بشر» از آن رو که برخاسته از حواس و فعالیت سایر ابزارهای معرفتی آدمی است گاهی دچار خطا می شود که تحولات دانش بشری و بطلان پاره ای از نظریه ها یا مدل های علمی، شاهد خوبی بر این ضعف است.

۱- (۱) . ایان باربور، علم و دین، مترجم: بهاء الدین خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲، ص ۳۶

۲- (۲) . نک: مصونیت قرآن از تحریف، محمد هادی معرفت، مترجم، محمد شهرابی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶، چ اول، همچنین: سلامه القرآن من التحریف، فتح الله المحمدی (نجارزادگان)، ۱۴۲۴ ه- .

نتیجه آنکه تعارض میان قرآن با دانش تجربی بشر، تعارضی ظاهری و زدودنی است و می توان به امکان رفع تمامی تعارضات علمی بـا قرآن قائـل بود. البته رفع این تعارضات و حل آنها راه کارهایی دارد و نمی توان بـدون ضابطه به این کار اقـدام کرد. که راهکارهای چگونگی رفع تعارض قرآن با علم را خواهیم گفت.

چهارم: هر چند قرآن نازل از علم الهی و مصون از تحریف است اما در اینجا با فهم قرآن و تفسیر قرآن روبرو هستیم.

مفسـران و مخاطبـان قرآن، در فهم محکمـات قرآنی و نصوص قرآنی همداسـتان هسـتند و در این موارد خطـا رخ نمی دهـد و مسـلمات قرآنی که بسـیارند کاملاـ قابـل اطمینـان خواهنـد بود امـا در کنـار آیات محکم و نصوص قرآنی، متشابهات و ظواهر قرآنی نیز وجود دارد، که گاه به دلیل خطا در فهم آنها، ممکن است به تفسیری نادرست یا درکی اشتباه مبتلا شویم.

البته برای اینکه به این مشـکل و اشـتباه دچار نشویم، راه کارهایی وجود دارد که کتاب و سنت به آن پرداخته اند و ما نیز بدان اشاره قرار خواهیم کرد.

بـا توجه به این نکته ی سوم ممکن است ناسازگـاری «قرآن و علم» تصوّر شود و بایـد توجّه داشت که در واقع این ناسازگاری ناشی از فهم قرآنی ما و علم بشری است.

در این گونه موارد بایـد میان فهم قطعی ما از نصوص قرآنی و فهم ظنی ما که از ظواهر آیات پیـدا شده، فرق نهاد و با هر یک به گونه ای دیگر برخورد کرد.

چگونگی برخورد با این موارد را متذکر خواهیم شد.

از این سه نکته می توان نتیجه گرفت که میـان علم واقعی و قرآن هیـچ گاه تعارضـی نـدارد بلکه گاه تعارض میان علم تجربی بشـر و برداشت مـا از معـارف قرآنی رخ می دهـد و از این رو تعـارض ظـاهری، زدودنی است که برای رفع این تعارضات می توان به شرح ذیل عمل نمود:

ص:۴۱

راه های رفع تعارض قرآن و علم:

برای رفع تعارض باید بین مسلّمات علمی و فرضیات و نظریات علمی فرق نهاد. اگر معرفت قرآنی ما با مسلمات علمی قرآنی ناسازگار باشد؛ می توان در ظاهر آیات بازاندیشی کرد، چون علم قطعی قرینه ی فهم آیات است و علم قطعی، بر ظن مقدم است بنابراین می توان متناسب با مورد تعارض، یکی از دو راه زیر را برگزید:

۱. تصرف لفظی در آیات:

مفسر گرانسنگ علامه طباطبایی(ره) در مواردی که میان ظاهر برخی آیات و یافته های علمی ناسازگاری رخ داده است از این روش استفاده کرده اند؛ برای نمونه می توان به تفسیر ایشان در ذیل آیه ی ۱۹ سوره ی نوح اشاره کرد: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الأَرْضَ بِسَاطاً»

در گذشته اخترشناسان به مسطح بودن زمین معتقد بودند و کروی بودن آن را باور نداشتند.

به پیروی از آنها مفسران قرآن نیز جهت نشان دادن سازگاری قرآن با این دیدگاه به این آیه ی شریفه استدلال می کردند و حتی برخی مانند فخررازی از براهین عقلی جهت اثبات کروی نبودن زمین در تفسیر آیه شریفه استفاده می کردند ولی پس از چند قرن که کروی بودن زمین اثبات گردید و نادرستی دیدگاه مسطح بودن زمین آشکار گردید، برخی آیه ی شریفه را ناسازگار با علم جدید خواندند.

نخستین راه حل علامه برای رفع این ناسازگاری، تصرف در ظاهر آیه ی مذکور است، در آیه «یک «کاف تشبیه» در تقدیر می گیرد و می نویسد:

«مراد از بساط، کالبساط می باشد. خداوند می خواهد بفرماید: زمین را مثل فرش برای شما گستراندیم تا بتوانید به آسانی در آن گردش کنید و از ناحیه ای

به ناحیه ی دیگر منتقل شوید. نه اینکه مراد این باشد که «زمین را مسطح آفریدیم.» تا با دیدگاه کروی بودن زمین ناسازگار باشد. (۱)

۲. تصرف معنوی:

یکی دیگر از راه کارهای رفع تعارض، بازنگری در معنای آیه می باشد. که با مسلّمات علمی در تعارض قرار گرفته است.

علامه طباطبایی(ره) گاه از این روش نیز استفاده کرده است چنانکه در تفسیر آیات ۱۵ و ۱۶ سوره ی نوح می فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقاً وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُوراً وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجاً» دیدگاه زمین مرکزی، از یافته های اخترشناسی کهن به شمار می رود. براساس این دیدگاه، بسیاری گمان می کردند کره ی ماه، همه ی آسمان را نور می دهد و این آیات شریفه را شاهد آن ذکر می کردند ولی پس از آن که دیدگاه زمین مرکزی باطل گردید و خورشید مرکزی جایگزین آن گردید و کهکشان های دور دست، یکی پس از دیگری شناسایی شدند و معلوم شد که کره ی ماه نمی تواند تمام آسمان ها را نور بدهد، آیه ی مذکور با دستاوردهای جدید ناسازگار تلقّی شد و از همین رو علامه برای رفع این ناسازگاری در معنای آیه تصرّف می نماید و می نویسد:

«منظور آیه ی شریفه این است که: ماه در ناحیه ی آسمان ها قرار دارد، نه این که همه آسمان ها را نور می دهد؛ مثل این که ما می گوییم: در این خانه ها یک چاه آب هست، با این که چاه در یکی از آنهاست ولی می گوییم:

«در این خانه ها»؛ زیرا وقتی در یکی از آنها باشد مانند این است که در همه باشد.

مثال دیگر: مانند این که می گوییم من به میان بنی تمیم رفتم، با اینکه به خانه بعضی از آنها رفته ام.» (۲)

۱- (۱) . طباطبایی، محمدحسین، المیزان، قم، موسسه اسماعیلیان، ج ۲۰، ص ۳۳

۲- (۲) . همان، ج ۲۰، ص ۳۳.

یادآوری:

۱. البته باید توجّه داشت که اوّلاً از آنجا که علم ظنی است و گاه ممکن است حتّی آنچه در علم مسلّم شمرده شده است؛ خطا بودنش آشکار شود. از این رو نباید این تفسیر را برای ظاهر قرآن تفسیری قطعی برشمرد چنانکه نباید مرعوب علم گشت و مسلمات علمی را قطعی پنداشت.

۲. و از طرفی تصرف در ظاهر آیات الهی باید با ضابطه و روشمند باشد و بی ضابطه نمی توان در معانی آیات قرآن تصرّف کرد.

۳. علم ظنی و ظواهر قرآن:

این دو گونه تصرف در صورتی بود که ما با مسلمات علمی که اطمینان آوراست مواجه باشیم، ولی اگر قرآن با فرضیه ها یا نظریات نامسلّم علمی ناسازگاری نمود در این صورت نباید در ظاهر آیات تصرّفی کرد، بلکه این فرضیات و نظریات، به خاطر عدم اعتبار علمی و ظنی بودنشان، نمی توانند مخالف جدی آیات به شمار آیند.

برای مثال در قرآن سخن از هفت آسمان آمده است. (بقره / ۲۹ و...)

ولی علوم کیهان شناسی یک آسمان را شناسائی کرده اند.

آیا می توان گفت که نظریه یک آسمان نفی آیات هفت آسمان است؟ خیر، زیرا نظریه ی یک آسمان، تئوری ظنی است که قطعی نشده و وجود آسمان های دیگر را نفی نمی کند. پس نمی توان از ظاهر آیات دست برداشت.

بنابراین تحوّل پذیری علم، و ظنی بودن آن، موجب می شود که ما نتوانیم به علم اطمینان کامل کنیم. بنابراین باید جنبه ی احتیاط را از دست ندهیم و ظواهر قرآنی را به آسانی با تحوّلات علمی متغیّر نسازیم، و در مواردی هم که به تصرّف در ظاهر آیات قرآنی اقدام می کنیم احتمال خطا بودن این اقدام را از یاد نبریم.

نتیجه گیری:

تعارض علم و دین به دو معنا می آید: ۱. تعارض واقعی قرآن و علم. ۲. تعارض ظاهری قرآن و علم.

تعـارض واقعی قرآن و علم به معنـای ناسازگـاری قرآن بـا علم، محال است یعنی محال است دو گزاره ی علمی و دینی هر دو قعطی و ناسازگـار با هم باشـند. ولی تعارض ظاهری «علم و دین» یا «قرآن و علم» رخـدادنی است ولی قابل رفع و زدودنی می باشد. (۱)

معرفی کتاب:

جهت مطالعه ی بیشتر مراجعه فرمایید به:

۱. کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.

۲. علم و دین، همان، پژوهشکده فرهنگ و اندیشه.

ص:۴۵

۱- (۱) . نک: درآمـدی بر تفسـیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصـفهانی، انتشارات اسوه، ۱۳۷۵، چ اول، ص ۲۲۹ - ۲۳۰.

پرسش:

لطفاً در مورد نظریه پردازی های علمی قرآن توضیح داده و تفاوت آن با چالش های علمی و ادله آن را بیان کنید؟

پاسخ:

در قرآن کریم حدود ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی اشاره دارد که گاهی در حد اعجاز علمی و گاهی در حد شگفتی های علمی و گاهی در حد اشارات اندیشه آور علمی است در این مورد دو مبحث عمده دیگر وجود دارد، یعنی نظریه پردازی علمی قرآن و چالش قرآن و علم، که با توضیح، تفاوت آنها نیز روشن می شود.

الف: نظریه پردازی های علمی قرآنی:

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه ی الهی است در صحیح بودن آن شکی نیست هر چند برای اثبات آنها فعلاً شواهد تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲ / رعد و ۱۰ / لقمان و ...) در آینده اثبات شود. این موارد را می توان بعنوان نظریه های علمی قرآنی مطرح نمود، و همچون دیگر تئوری های علمی بدنبال شواهد تجربی آنها بود.

ص:۴۷

مثال ها:

۱. نظریه وجود موجودات زنـده در آسـمان هـا: این نظریه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۲۹ / شوری قابل اسـتفاده است که می فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّماوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ»

«و از نشانه های اوست، آفرینش آسمان ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر ساخته است.»

هر چنـد برخی نشـانه هـای کیهـان شـناختی برای وجـود موجـودات زنـده و بـا شـعور در کرات دور دست ادعـا شـده است اما دانشـمندان کیهان شـناخت هنوز نظریه ی قطعی در این زمینه ابراز نکرده انـد و چیزی ثابت نشـده است؛ ولی این مطلب را می توان بعنوان یکی از نظریه های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان شناختی وسیع قرار داد. (۱)

۲. نظریه ی گسترش آسمان ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۴۷ / ذاریات قابل استفاده است، که می فرماید:

«وَالسَّماءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»

«و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می دهیم.»

در مبـاحث علمی فیزیـک کیهـانی دو دیـدگاه در مورد آسـمان ها وجود دارد: یکی دیـدگاه انبساط جهان و دیگری دیـدگاه انقباض جهان. (۲) و برای هر کـدام شواهـدی مطرح گردیـده ولی اثبات نشده است. از آیه ی فوق دیدگاه انبساط جهان قابل برداشت است. (۳) و می تواند بعنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای تحقیقات کیهان شناسی قرار گیرد.

۱- (۱) . نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹ / شوری مثل نمونه، الجواهر الطنطاوی و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب

۲- (۲) . نک: تاریخچه زمان، استفن هاوکینگ، ترجمه داد فرما، ص ۵۸

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد.

۳. نظریه ی هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره بقره / ۲۹، اسراء / ۴۴، مومنون / ۱۷ و ۸۶، فصلت / ۱۲، طلاق / ۱۲، نوح / ۱۵، نبأ / ۱۲.

در حالی که علوم کیهان شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می گویند و در مورد آسمان های دیگر سکوت می کنند. چون وسایل ستاره شناسی فعلی بشر و سفرهای فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد؛

قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مساله نیز می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاههای مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق باید به آنها توجّه کرد، و مطلب فوق براساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان ها، محل کرات باشد. (۱)

۴. نظریه ی آفرینش مستقیم انسان از خاک: مساله ی آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب های آسمانی به ویژه قرآن کریم مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاک و گل دلالت دارد. مثل : انعام / ۹۸، آل عمران / ۵۹، الرحمن / ۱۴، (هر چند برخی آیات دلالت های دیگری نیز دارد) و سال هاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ابراز شده که قائل به بوجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است.

معمولاً دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می دیدند. و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می کنند و در این مورد کتاب های متعددی نیز نوشته شده است. (۲)

۱- (۱) . نک: رازهای آسمان های هفت گانه، ایمان مرادی، هفت آسمان، محمدباقر بهبودی و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۲۶ به بعد

۲- (۲) . نک: خلقت انسان، یدالله سحابی در اثبات تکامل، و نظریه تکامل از دیدگاه قرآن از مسیح مهاجری در ردّ تکامل.

ولی می توان نظریه سومی را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد مطرح کرد و آن اینکه تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان هایی از نسل میمون بوجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک بطور مستقیم (ولو در زمان طولانی) آفریده شده است.

البته اینکه بسیاری از ویژگی های انسان فعلی در میمون ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل حلقه ی مفقوده ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می تواند شاهدی برای این دیدگاه باشد.

این نظریه می تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان مبنای پژوهش های زیست شناسی باشد و در کنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و بدنبال شواهد تجربی آن از باستان شناسی و زیست شناسی باشیم. البته قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب ها آمده است. (۱)

۵. نظریه پردازی های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر اینگونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد، و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد، و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد.

ص:۵۰

۱- (۱) . نک: تکامل در قرآن، علی مشکینی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، جلد دوم و ...

ب: چالش های قرآن و علم:

گـاهی ظـاهر برخی آیات قرآن با نظریه های علمی ناسازگار به نظر می رسـد، که این را چالش قرآن و علم یا تعارض ظاهری قرآن و علم می نامند.

امـا از آنجـا که نصوص قرآنی و مطـالب قطعی علمی هر دو بیـان واقعیت و حقیقت است و هر دو وسـیله ی معرفت و شـناخت حقیقت است و حقیقت یکی بیش نیست بنابراین تعارض واقعی قرآن و علم محال است. زیرا به تناقض (وجود و عـدم حقیقت واحد) منتهی می شود.

تعـارض ظاهری آیات و مطالب علمی نیز با تأمّل در آنها قابل رفع و اصـلاح است زیرا ممکن است خطای مفسّـِر در فهم ظاهر آیه و یـا خطـای دانشـمند علوم تجربی در مقـدمات نظریه ی خویش بـاعث این تعـارض شـده باشـد که با دقّت در آنها و فهم صحیح از قرآن و طبیعت، مشکل حل می شود.

برای مثال در مورد هفت آسـمان قرآن و یک آسمان علم و یا در مورد نظریه تکامل و آیات آفرینش انسان، توهم تعارض می شد که با دقت در مساله بر طرف گردید. چون علم یک آسـمان را ثابت می کند ولی هفت آسمان را نفی نمی کند، همانطور که نظریه تکامـل داروین بصورت قطعی اثبـات نشـده است تا بتوانـد با ظاهر آیات آفرینش آدم تعارض جـدی و واقعی داشـته باشد. (۱)

۱- (۱) . نک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، مبحث قلمرو، رابطه و تعارض علم و دین.

پرسش:

چگونه می توان اعجازهای علمی و اشارات علمی قرآن را تشخیص داد؟

پاسخ:

اشارات علمی قرآن:

قرآن کریم در بیش از هزار آیه به مباحث علوم مختلف اشاره کرده است. (۱)

این آیات به سه بخش تقسیم می گردد.

الف: اشارات علمی اعجازآمیز قرآن:

معنای اعجاز علمی قرآن:

مقصود از اعجاز علمی قرآن آن است که آیاتی در قرآن وجود دارد که در آن نوعی رازگویی علمی وجود دارد. یعنی مطلبی علمی را که کسی قبل از نزول آیه از آن اطلاع نداشته، بیان می کند، و مدّت ها بعد از نزول آیه آن مطلب علمی توسط دانشمندان علوم تجربی کشف می شود، و این مطلب علمی بطوری است که با وسایل عادی که در اختیار بشر عصر نزول بوده، قابل اکتساب نباشد.

پس اگر قرآن مطلبی علمی را بیان کند که در کتاب های آسمانی گذشته بدان اشاره شده و یا در مراکز علمی یونان، ایران و... در لابلای کتاب های علمی و

۱- (۱) . شمارگان این آیات را برخی نویسندگان ۱۳۲۲ آیه شمرده اند و آنها را در زمینه علوم مختلف لیست کرده اند. (نک: العلوم فی القرآن، مجهد جمیل الحبّال و مقداد مرعی الجواری، ص ۳۶ - ۳۵)

آرای دانشمندان آمده است و احتمال می رود که از راهی به محیط حجاز عصر نزول راه یافته و یا مطلبی بوده که بطور طبیعی با وسایل آن زمان و یا بصورت غریزی قابل فهم بوده است، این امور معجزه ی علمی بشمار نمی آید. (۱)

تاریخچه:

هر چند تفسیر علمی قرآن عمری دراز دارد و از قرن سوم و چهارم هجری قمری در آثار مکتوب بوعلی سینا (۳۷۰ - ۴۳۸ ق) دیده می شود. (۲) و با فراز و نشیب هایی تا قرن حاضر ادامه یافته است اما مبحث اعجاز علمی قرآن که از دل تفسیر علمی متولّد شد، عمری کوتاه دارد، یعنی در قرن اخیر (قرن بیستم میلادی، چهاردهم و پانزدهم هجری قمری) مورد توجّه مسلمانان و غیرمسلمانان قرار گرفته است و بسیاری از دانشمندان مسلمان در این مورد کتاب ها نوشته و ادعای اعجاز علمی کرده اند. (۳)

در میان خاورشناسان، «دکتر موریس بوکای» از کسانی است که در کتاب «مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» رویکردی مثبت به اشارات علمی قرآن دارد و در برخی موارد به صراحت اذعان می کند: قرآن مطالبی علمی را که تا قرن ها بعد، برای انسان ناشناخته بوده بیان کرده است. (۴)

۱- (۱) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۸۵

۲- (۲) . نک: رسائل ابن سینا، ص ۱۲۸ - ۱۲۹ و التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۴۱۹ و درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، رضایی اصفهانی، ص ۲۹۳ به بعد

۳- (۳) . به مبحث پایانی نوشتار، منابع جهت مطالعه بیشتر مراجعه فرمایید

۴- (۴) . مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه مهندس ذبیح اللّه دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۶۵ ش، ص ۷ - ۲۲۶، (این کتاب به زبان های متعدد ترجمه و با چاپ های گوناگون منتشر شده است.)

مواردی که ادعای اعجاز علمی شده عبارتند از:

۱. نیروی جاذبه:

«اللَّهُ الَّذِی رَفَعَ السَّماوَاتِ بِغَیْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» (رعد / ۲)

«او خدایی است که آسمان ها را بدون ستون دیدنی آفرید.»

این نکته در دو آیه قرآن (رعد / ۲ و لقمان / ۱۰) بیان شده که خدا آسمان ها را بدون ستون دیدنی برافراشته و آفریده است. (۱)

برخی دانشمندان و مفسران آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه و اعجاز علمی قرآن دانسته اند، (۲) چرا که نیروی جاذبه توسط ابوریحان بیرونی (۴۴۰ ق) (۳) و طبق مشهور توسط نیوتن (۱۶۴۳ - ۷۲۷ م) در قرن هفدهم میلادی کشف شد (۴)پس اشاره ی قرآن به ستون های نامریی بین کرات آسمانی نوعی رازگویی علمی قرآن است.

۱- (۱) . البته این تفسیر بنابر این که جمله «ترونها» را صفت «عمد» بدانیم ولی اگر بغیر عمد متعلق به ترونها باشد معنا می شود: (همانگونه که) می بینید آسمانها را بدون ستون آفرید.» بنابراین معنای دوم آسمانها اصلاً ستون ندارد تا دیده شود. ولی معنای اول با ظاهر آیه سازگارتر است چون تقدیم و تأخیر لازم نمی آید و توسط روایت امام رضا(علیه السلام) (ثم عمد و لکن لا ترونها - برهان، ج ۲، ص ۲۷۸) تقویت می شود

۲- (۲) . همچون آیت اللَّه مکارم شیرازی (نمونه، ج ۱۷، ص ۲۹ و ج ۱۰، ص ۱۱۰ - ۱۱۱ و پیام قران، ج ۸، ص ۱۴۶ و آیت اللَّه حسین نوری (دانش عصر فضا، ص ۵۵ - ۵۶) البته برخی صاحب نظران نیز آیات فوق را اشاره به نیروی جاذبه دانسته اند اما نسبت به اعجاز علمی آن سکوت کرده اند: نک: معارف قرآن، استاد مصباح یزدی، ص ۲۴۷ - ۲۴۸ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۱ - ۴۶ و المعجزة القرآنیة، دکتر محمد حسن هیتو، ص ۱۸۰ و التمهید فی علوم القران، آیة اللَّه معرفت، ج ۶، ص ۱۲۲ - ۱۲۸ و نگرشی بر علوم طبیعی در قرآن، لطیف راشدی، ص ۵۰

۳- (۳) . مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۴۱

۴- (۴) . تاریخ علوم، ص ۲۶۴، (البته برخی نویسندگان در اینکه مبتکر نیروی جاذبه نیوتن باشد و درصحت داستان سیب تردید می کنند، نک: دانش عصر فضا، ص ۴۴.

و برخی دانشمندان نیز آیات دیگر قرآن (مرسلات / ۲۵ و فاطر / ۴۱) را اشاره ای به نیروی جاذبه دانسته اند. (۱)

با توجه به اینکه واژه ی «عمد» جمع و به معنای «ستون ها» است ممکن است نیروی جاذبه یکی از مصادیق آیه باشد. یعنی نیروها (ستون ها)ی متعدّد دیگری بین کرات آسمانی وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده است.

البته پذیرش دلالت آیات (رعد / ۲ و لقمان / ۱۰) بر نیروی جاذبه متوقف بر آن است که واژه ی «سماوات» به معنای کرات آسمانی باشد. چون این واژه در قرآن دارای معانی متعدد (مانند: جهت بالا، جوّ زمین، کرات آسمانی، آسمان معنوی و...) (۲) است، در اینجا می توان کرات آسمانی را از مصادیق آیات فوق دانست.

بنابراین می توان گفت: آیات (رعد / ۲ و لقمان / ۱۰) به نیروی جاذبه اشاره دارد و با توجه به عدم آگاهی مردم و دانشمندان عصر نزول قرآن، از نیروی جاذبه، عظمت بیانات قرآن و رازگویی و اعجاز علمی آن روشن می شود. (۳)

۲. حرکت های خورشید:

«وَالشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذلِکَ تَقْدِیرُ الْعَزِیزِ الْعَلِیمِ» (یس / ۳۸)

«و خورشید تا قرار گاهش روان است؛ این اندازه گیری (خدای) شکست ناپذیر داناست.»

قرآن در آیات متعددی (یس / ۳۸ و انبیاء / ۳۳ و رعد / ۲ و فاطر / ۱۳ و زمر / ۵ و لقمان / ۲۹ و ابراهیم / ۳۳) به حرکت های خورشید اشاره دارد و برخی

ص:۵۶

۱- (۱) . اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، یداللّه نیازمند شیرازی، ص ۸۸ - ۹۹ و الفرقان فی تفسیر القران دکتر صادقی، ج ۲۱، ص ۳۴۱ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۴۳ و دانش عصر فضا، نوری، ص ۵۵ و نمونه، ج ۱۸، ص ۱۸۷

۲- (۲) . نک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، مصطفوی، ماده سمو. و نمونه، ج ۱، ص ۶۵ و پژوهش در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۲۶

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۵۵.

صاحبنظران این آیات را اعجاز علمی قرآن دانسته اند زیرا به حرکت های مختلف خورشید اشاره دارد که بر خلاف تصورات رایج در محافل علمی عصر نزول بوده است. آنان آیات فوق را اشاره به حرکت های زیر می دانند:

الف: حرکت انتقالی مستقیم خورشید درون کهکشان راه شیری، یعنی حرکت طولی خورشید به سمت معین یا ستاره ای دور دست. (۱) البته در این تفسیر الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا، (یس / ۳۸) «لام» به معنای «الی» (به سوی) و «مستقر» اسم مکان می باشد. (۲)

مفسران و صاحبنظران متعددی این حرکت انتقالی خورشید را از قرآن برداشت کرده اند (۳) و برخی دیگر آن را اعجاز علمی قرآن دانسته اند؛ زیرا اخترشناسان جدید همچون کوپر نیک (۱۵۴۴ م) و کپلر (۱۶۵۰ م) و گالیله به ثابت بودن خورشید معتقد بودند (۴) و حتی در ادعا نامه ای که علیه گالیله در دادگاه

ص:۵۷

۱- (۱) . نام این ستاره را «وِگاه» (نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲) یانس ثابت (المیزان، ج ۱۷، ص ۸۹ و مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۲۵ - ۲۶) و یا مجموعه نجوم هرکیل یا ستاره ای بر ران راست «جائی» (اسلام و هیئت، ص ۱۸۱) بیان کرده اند

۲- (۲) . لام در آیه (لمستقر لها) ممکن است به معنای الی - فی - تأکید باشد و «مستقر» می تواند مصدر میمی، اسم زمان یا اسم مکان باشد (نک: المیزان، ج ۱۷، ص ۷۹ و ص ۸۹ و اسلام و هیئت ص ۱۸۴ و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲

۳- (۳) . المیزان، نمونه، اسلام و هیئت، همان ها و دانش عصر فضا، پیشین، ص ۲۵ - ۳۶ و الجواهر فی تفسیر القرآن، طنطاوی، ج ۹، ص ۱۷۲ و زنده جاوید و اعجاز قرآن، مهندس محمدعلی سادات، ص ۲۸ - ۳۹ و قرآن و آخرین پدیده های علمی، مهندس جعفر رضایی فر، ص ۱۳۱ و القرآن الکریم و العلم الحدیث، دکتر منصور محمد حسب النبی، ص ۲۶۴

۴- (۴) . نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۹ ۶؛ مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۲۴ و راه تکامل، احمد امین، ج ۵، ص ۹ و اسلام و هیئت، شهرستانی، ص ۱۷۹. و نیز نک: مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه دبیر، ص ۲۱۵ - ۲۱۶ و دانش عصر فضا، حسین نوری، ص ۲۶ و ص ۳۵ - ۳۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۲۵۲.

قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید کردند. (که بر خلاف گفته کتاب مقدس بود که می گفت: (خورشید) مثل پهلوان از دویدن در میدان، شادی می کند.) (۱) و گالیله حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد. (۲)

ولی سالهای بعد حرکت های واقعی متعدد (حرکت انتقالی - وضعی - درونی) خورشید به اثبات رسید.

و «فلك» به معنای مجرای کرات آسمانی (۳) یا مسیر دورانی آنها اطلاق می شود، (۴) یعنی کرات آسمانی در مسیری دورانی شناورند. (۵)

البته این مطلب قرآن (حرکت خورشید بر مدار) بر خلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی (۶) است که در عصر نزول در محافل علمی رایج بوده و تا هفده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. بر اساس هیئت قدیم افلاك حرکت می کنند و ستارگان در فلك ثابت هستند ولی از آیه استفاده می شود که خورشید حرکت دورانی دارد و مداری شناور است.

ب: حرکت وضعی خورشید، یعنی خورشید به دور خود می چرخد و در قرارگاه خود جریان دارد .الشَّمْسُ تَجْرِی لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ، (یس / ۳۸) البته این معنا

۱- (۱) . کتاب مقدس، مزامیر، زبور داود، مزمور ۱۹ / ۵

۲- (۲) . خوابگردها، آرتور کوستلر، ترجمه منوچهر روحانی، ص ۵۹۰

۳- (۳) مفردات راغب، ماده فلك

۴- (۴) . نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۷

۵- (۵) . مفردات راغب، ماده سبح

۶- (۶) . بطلمیوس، از دانشمندان قرن دوم میلادی (فرهنگ دانستنیها، محمدنژاد، ج ۱، ص ۷۵۲) البته برخی یادآورد شده اند که در تاریخ سه دانشمند یونانی به نام بطلمیوس خوانده می شدند که عبارتند از: بطلمیوس غریب، بطلمیوس داس و بطلمیوس قلوذی که این سومی همان است که هیئت بطلمیوسی به نام اوست و متولد ۱۴۰ قبل از میلاد است (اسلام و هیئت، گفتار سوم (کج) و ص ۵.

بنابراین است که «لام» به معنای «فی» (در) باشد و «مستقر» به معنای اسم مکان باشد.

برخی صاحبنظران همین معنا را از آیات برداشت کرده (۱) و برخی دیگر (۲) این مطلب را اعجاز علمی قرآن شمرده اند. زیرا حرکت وضعی خورشید از مطالبی است که در عصر نزول قرآن کشف نشده بود.

ج: ادامه ی حیات خورشید تا زمان معین، یعنی عمر خورشید بر اثر انفجارات هسته ای و سوخت مواد درونی آن تا چند میلیارد سال دیگر به پایان می رسد. (۳)

از این رو برخی مفسّران کُلٌّ یَجْرِی لِأَجَلٍ مُسَمّی، (رعد / ۲) را اشاره به همین مطلب علمی دانسته اند. (۴)

د: حرکات درونی خورشید، یعنی در خورشید دائماً انفجارات هسته ای صورت می گیرد تا انرژی نور و گرما تولید کند، و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید و گاهی تا کیلومترها پرتاب می شود. (۵)

ص:۵۹

۱- (۱) . نمونه، ج ۱۸، ص ۳۸۲ و اسلام و هیئت، ص ۱۸۶ و دانش عصر فضا، ص ۲۶ و ص ۵ – ۳۶ و پیشگوئیهای علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص ۳۴

۲- (۲) . القرآن و العلم، احمد محمد سلیمان، ص ۶ – ۳۵

۳- (۳) . عمر خورشید را کلاً ده میلیارد سال تخمین می زنند که پنج میلیارد سال آن سپری شده است (نک: فیزیک نوین، دکتر اریک اوبلاتر، ص ۲۱ – ۲۰، ترجمه بیضاوی و...)

۴- (۴) . دانش عصر فضا، پیشین، ص ۳۵

۵- (۵) . در خورشید هسته های اتم های هیدروژن به هلیوم تبدیل می شود که ذوب هسته ای با جوشش هسته ای نام دارد. خورشید در هر دو ساعت و چهل دقیقه سطح آن با سرعت شش کیلومتر به داخل و خارج می رود و قطر آن ده کیلومتر تغییر می کند و این تپش خورشید است و در اثر میدان های مغناطیسی اطراف لکه ها بوجود می آید و با سرعت ۱۶۰۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت از خورشید فوران می کند و به سرعت خاموش می شود. (نک: فیزیک نوین، پیشین، ص ۲۰ و مجله اطلاعات علمی، ش ۱۹۳).

برخی محققان از تعبیر «تجری» به معنای جریان داشتن و تفاوت آن با «تحرک» از آیه ۳۸ / یس استفاده کرده اند که خورشید نه تنها حرکت می کند جریان هم دارد. یعنی همچون آب در حال حرکت، زیر و رو می شود و این نکته ی علمی لطیفی است که قرآن بدان اشاره دارد و در عصر جدید کشف شده است و می تواند اعجاز علمی قرآن باشد. البته اگر «تجری» را کنایه از شناور بودن در فضا بدانیم. (۱)

برخی محققان با نقد موارد فوق به این نتیجه رسیده اند که اشارات قرآن به حرکت های خورشید نوعی رازگویی علمی است، اما در بخشی که قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود یعنی حرکت انتقالی دورانی خورشید، اعجاز علمی نیست. اما در بخش هایی که بر خلاف هیئت بطلمیوسی رایج در زمان نزول بیان داشته است (مثل حرکت انتقالی مستقیم، حرکت وضعی و حرکت تا زمان معین و حرکت درونی خورشید) اگر به قطعیت برسد، اعجاز علمی قرآن به شمار می آید. (۲)

۳. زوجیّت:

«وَمِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ» (رعد / ۳)

«و از تمام میوه ها یک جفت آفرید»

در آیات متعددی به زوجیت میوه ها و گیاهان و انسان ها اشاره شده است (رعد / ۲ و شعراء / ۷ و یس / ۳۶ و همین مضمون در حج / ۵ و لقمان / ۱۰ و ق / ۷ و طه / ۵۳ و اعراف / ۱۸۹) و در برخی آیات به زوجیت چیزهایی اشاره می کند که انسان اطلاعی ندارد (یس / ۳۶) و در برخی آیات سخن از زوجیّت همه موجودات است:

۱- (۱) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ج ۱، ص ۱۶۸

۲- (۲) . همان، ص ۱۶۹.

«وَمِن كُلِّ شَيْ ءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (ذاريات / ۴۹).

«و از هر چيز، جفت آفريديم باشد كه متذكّر شويد.»

واژه ی زوج در عالم حيوانات به نر و ماده گفته می شود و در غير حيوانات هر دو چيزی كه قرينه يكديگرند را زوج می نامند و به چيزهـای مقـارن مشـابه و متضاد نيز زوج اطلاق می شود. (۱) از ايـن رو برخی واژه ی زوج را در مـورد ذرات درون اتم (الكترون و پروتون) و نيروهای مثبت و منفی به كار برده اند. (۲)

بسـياری از مفسّـِران و صـاحبنظران بـا شـگفتی، آيات فوق را از اشارات علمی قرآن به مسأله ی زوجيت گياهان و زوجيّت عام موجودات دانسـته اند (۳) و برخی ديگر اين مطلب را اعجـاز علمی قرآن دانسـته انـد (۴) چرا كه انسـان ها از قـديم از زوجيّت برخی گياهـان مثـل «نخـل» بـا خبر بوده انـد و مسأله زوجيّت گياهان توسط كارل لينه (۱۷۰۷ – ۱۷۸۷ م) گياه شـناس معروف سوئدی در سال ۱۷۳۱ م) ابراز شد.

بنابراين مردم عصر نزول قرآن از زوجيّت همه گياهان اطلاع نداشتند.

ولی قرآن نه تنها به اين مطلب اشاره كرده. (رعد / ۳، شعراء / ۷ و...) بلكه به

ص:۶۱

۱- (۱) . نک: مفردات راغب اصفهانی، ماده زوج و نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۷ – ۳۷۸

۲- (۲) . نـک: نمونه، همـان و اعجاز قرآن، علامه طباطبايی، ص ۱۵ ويراسته عليرضا ميرزا محمد، رابطه علم و دين، عباسعلی سرفرازی، ص ۳۵ – ۳۶ و مطالب شـگفت انگيز قرآن، پيشين، ص ۵۷ و ۶۰ و القرآن و الطب، دكـتر ديـاب و دكتر قرقوز، ص ۲۷ و ۲۸ و زنده جاويد و اعجاز جاويدان، پيشين، ص ۳۹ – ۴۳ و نگرشی بر علوم طبيعی در قرآن، پيشين، ص ۲۴

۳- (۳) . نک: نمونه، همان و اعجاز قرآن، علامه طباطبايی، ص ۱۵ ويراسته عليرضا ميرزا محمد، رابطه علم و دين، پيشين، ص ۳۵ – ۳۶ و مطالب شگفت انگيز قرآن، پيشين، ص ۵۷ و ۶۰ و القرآن و الطب، دكتر ديـاب و دكتر قرقوز، ص ۲۷ و ۲۸ و زنده جاويد و اعجاز جاويدان، پيشين، ص ۳۹ – ۴۳ و نگرشی بر علوم طبيعی در قرآن، پيشين، ص ۲۴

۴- (۴) . تفسير نوين، محمدتقی شريعتی، ص ۱۱.

زوجیّت همه موجودات نیز اشاره دارد (ذاریات / ۴۹) که تا قرن اخیر کسی از آن اطلاع نداشت. (۱)

در نتیجه، اشاره ی علمی قرآن به زوجیت گیاهان و زوجیت عام موجودات نوعی رازگویی قرآن است که حکایت از اعجاز علمی این کتاب مقدس دارد.

البته برخی محققان برآنند که هر چند این اشارات علمی قرآن می تواند اعجاز علمی بشمار آید اما تطبیق آیه (ذاریات / ۴۹) با مواردی همچون الکترون ها، پروتون ها و کوارک ها قطعی نیست و حداکثر این موارد ممکن است از مصادیق آیه مذکور بشمار آید. (۲)

۴. لقاح (بارور کردن گیاهان و ابرها توسط بادها):

«وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ فَأَنزَلْنَا مِنَ السَّماءِ مَاءً» (حجر / ۲۲)

«و بادها را بارور کننده (ابرها و گیاهان) فرستادیم، و از آسمان آبی فرو فرستادیم.»

مفسّران و صاحبنظران آیه ی فوق را به دو صورت تفسیر کرده اند:

الف: این آیه به لقاح گیاهان اشاره دارد یعنی ابرها فرستاده می شوند تا گرده های گیاهان نر را به گیاهان ماده برسانند و آنان را بارور کنند، (۳) و برخی صاحب نظران این مطلب را اعجاز قرآن دانسته اند زیرا بشریت در اواخر قرن

ص:۶۲

۱- (۱) . وجود ذرات درون اتم با بار منفی و پروتون با بار مثبت، را ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم کشف کرد. (نک: ماکس پلانک، تصویر جهان در فیزیک جدید، ترجمه مرتضی صابر، ص ۹۵)

۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۸۳

۳- (۳) . منهج الصادقین، ملا فتح اللّه کاشانی، ج ۵، ص ۱۵۸ و رابطه علم و دین، پیشین، ص ۳۶ و رهبران راستین، عبدالکریم هاشمی نژاد، ص ۲۵۶ - ۲۶۳ و فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، م، حقیقی، ج ۲، ص ۲۳ و مرزهای اعجاز، سید ابوالقاسم خوئی، ترجمه جعفر سبحانی، ص ۱۱۸ و الفرقان و القرآن، خالد عبدالرحمن العک، ص ۵۱۱.

هیجدهم یا اوایل قرن نوزدهم به مسأله ی تلقیح پی برد، درحالی که قرآن قرن ها قبل بدان اشاره داشته است. (۱)

ب: برخی صاحبنظران و مفسّران دیگر آیه ی فوق را اشاره به لقاح ابرها و بارور شدن آنها دانسته اند (۲) چرا که در ادامه آیه مسأله نزول باران را مطرح می کند که نتیجه لقاح ابرهاست و «احمد امین» این آیه را یک معجزه ی جاودانی می داند که حدود هزار و سیصد و نود سال پیش موضوعی را بیان کرده که عصاره و نتیجه تحقیقات جدید است و منظور آیه همان تأثیری است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد. (۳)

البته می توان آیه فوق را اشاره به لقاح ابرها و گیاهان مرده نیز دانست (۴) زیرا بخش اوّل آیه یک مطلب کلی را (بارورسازی بادها) که اعم از لقاح ابرها و گیاهان است مطرح می کند ولی در ادامه ی آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکّر می دهد که همان نزول باران از ابر است. همانطور که لقاح گیاهان نیز یکی از مصادیق آنها است. (۵)

اشاره ی علمی قرآن به لقاح ابرها، اعجاز علمی قرآن به شمار می آید زیرا این مطلب تا سالهای اخیر برای بشر کشف نشده بود. امّا اشاره ی قرآن به لقاح گیاهان هر چند شگفت انگیز است؛ اما اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید زیرا انسان های صدر اسلام بطور اجمالی از تأثیر گرده افشانی برخی گیاهان (همچون خرما) اطلاع داشته اند. (۶)

ص:۶۳

۱- (۱) . القرآن و الطب، ص ۲۴ - ۲۶ و نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و قرآن و آخرین پیامبر، ص ۱۷۹

۲- (۲) . مجمع البیان، ج ۳، ص ۳۳۴ و باد و باران در قرآن، مهندس بازرگان، ص ۵۹ و ۱۲۶ و نمونه، ج ۱۱، ص ۶۱ و التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابو حجر، ص ۴۶۱ - ۴۶۳

۳- (۳) . راه تکامل، احمد امین، ص ۵۷

۴- (۴) . مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۶۲ و پیشگوئی های علمی قرآن، مصطفی زمانی، ص ۹۱ - ۹۳

۵- (۵) . نک: زنده جاوید و اعجاز جاویدان، پیشین، ص ۳۵ و ۳۶

۶- (۶) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ص ۲۹۳، پیشین.

۵. چینش مراحل آفرینش انسان:

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الإِنسَانَ مِن سُلاَلَةٍ مِن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ * ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَاماً فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْماً ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقاً آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مومنون / ۱۲ - ۱۴)

«و بیقین انسان را از چکیده ای از گِل آفریدیم؛ * سپس او را آب اندک سیّالی در جایگاه استوار [رحم] قرار دادیم؛ * سپس آب اندک سیّال را بصورت [خون بسته] آویزان آفریدیم، و [خون بسته] آویزان را بصورت (چیزی شبیه) گوشت جویده شده آفریدیم، و گوشت جویده شده را بصورت استخوان هایی آفریدیم؛ و بر استخوان ها گوشتی پوشاندیم؛ سپس آن را بصورت آفرینش دیگری پدید آوردیم؛ و خجسته باد خدا، که بهترین آفرینندگان است!»

قرآن کریم در آیات متعددی از آفرینش انسان و مراحل آن یاد کرده است (مؤمنون / ۱۲ - ۱۴ و حج / ۵ و غافر / ۶۷ و قیامت / ۳۷ - ۳۹ و علق / ۲ و طارق / ۶ و دهر / ۲ و سجده / ۶ - ۹ و...) از این آیات می توان استفاده کرد که مراحل زندگی انسان پانزده مرحله است که عبارتند از:

۱. مرحله ی خاک (یعنی تراب وطین، حج / ۵ و مؤمنون / ۱۲ و غافر / ۶۷)؛ (۱)

۲. مرحله ی آب (یعنی ماء، ماء دافق، ماه مهین، طارق / ۶، سجده / ۶ - ۹)؛ (۲)

ص:۶۴

۱- (۱) . در مورد آفرینش انسان از خاک، دو احتمال وجود دارد، یکی اینکه منظور آفرینش انسان اولی (آدم) از خاک باشد یا تشکّل انسان از خاک یعنی عناصر خاک در بدن انسان وجود دارد. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ج ۲، ص ۴۳۴ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳)

۲- (۲) . در مورد آفرینش انسان از آب، چند احتمال وجود دارد، یکی اینکه حیات همه موجودات زنده بستگی به آب دارد و یا اینکه قسمت عمده بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می دهد و یا اینکه مقصود آفرینش انسان اولیه (آدم) از آب بوده است. (نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۴۳۸ به بعد و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۵، ص ۱۲۶ و معارف قرآن، مصباح یزدی، ص ۳۲۹ و ص ۳۳۰)

۳. مرحله ی منی (نطفهٔ من منی، قیامت / ۳۷ – ۳۹)؛

۴. مرحله ی نطفه مخلوط (نطفه امشاج، دهر / ۲)؛

۵. مرحله ی علقه (مؤمنون / ۱۲ – ۱۴، حج / ۵، غافر / ۶۷)؛

۶. مرحله ی مضغه (مؤمنون / ۱۲ – ۱۴ و حج / ۵)؛

۷. مرحله ی تنظیم و تصویر و شکل گیری (سجده / ۶ – ۹)؛

۸. مرحله ی شکل گیری استخوان ها (مؤمنون ۱۲ – ۱۴)؛

۹. مرحله ی پوشاندن گوشت بر استخوان ها (همان)؛

۱۰. مرحله ی آفرینش جنس جنین (قیامت / ۳۷ – ۳۹)؛

۱۱. مرحله ی آفرینش روح یا دمیدن جان در انسان و پیدایش گوش و چشم (سجده / ۶ – ۹ و مؤمنون / ۱۴)؛

۱۲. مرحله ی تولد طفل (غافر / ۶۷)؛

۱۳. مرحله ی بلوغ (مؤمنون / ۱۲ – ۱۴، حج / ۵ و غافر / ۶۷)؛

۱۴. مرحله ی کهنسالی (حج / ۵ و غافر / ۶۷)؛

۱۵. مرحله ی مرگ (همان ها)؛ (۱)

البته هر کدام از این مراحل بر اساس آیات قرآن و علوم پزشکی نیاز به شرح و توضیح دارد. این آیات اشارات علمی ارزنده ای را در بردارد که برخی پزشکان را به حیرت آورده است و آنها را دلیل اعجاز علمی قرآن بلکه اعجاز بلاغی قرآن دانسته اند. (۲)

۱- (۱) . این دسته بندی را از کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۴۳۲ آوردیم ولی برخی از مفسران و پزشکان آیات و مراحل فوق را به گونه ای دیگر دسته بندی کرده اند و مراحل خلقت انسان را هفت مرحله دانسته اند (نک: نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳ و الفرقان و القرآن، پیشین، ص ۴۹۳ و التمهید فی علوم القرآن، محمدهادی معرفت، ج ۶، ص ۸۰

۲- (۲) . طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، ص ۸۴.

برخی صاحبنظران غربی همچون دکتر موریس بوکای معتقدند:

«باید همه بیانات قرآنی را با معلومات اثبات شده ی عصر جدید مقایسه کرد، موافق بودنشان با اینها واضح است لیکن همچنین بی نهایت مهم است که آنها را با عقاید عمومی که در این خصوص در جریان دوره وحی قرآنی شایع بود مواجهه داد تا معلوم گردد انسان های آن زمان تا چه اندازه از نظراتی شبیه آنچه در قرآن درباره این مسائل عرضه شده دور بوده اند.

در واقع این فقط در جریان قرن نوزدهم است که دید تقریباً روشنی از این مسائل پیدا می کنیم. در تمام دوران قرون وسطی، اساطیر و نظرات صوری بی پایه، منشأ متنوع ترین آراء شد که تا چندین قرن پس از آن ساری و جاری بود.

آیا می دانید که مرحله ای اساسی در تاریخ جنین شناسی تصدیق «هاروی» (۱) در سال ۱۶۵۱ م بود مشعر به اینکه «هر چیزی که می زاید در آغاز از تخمی می آید.» و جنین بتدریج بخشی پس از بخشی درست می شود؟ [...] این بیش از هزاره ای پیش از آن عصر است، که در آن عقایدی تخیلی شایع بود و انسان ها قرآن را می شناختند. بیانات قرآن در باب تولید مثل انسان، حقایق اساسی را که انسان ها قرونی چند برای کشف آن گذراندند، با اصطلاحات ساده اشعار داشته است.» (۲)

برخی محققان نیز برآنند که هر چند بیان هر یک از این مراحل آفرینش انسان به تنهایی نمی تواند دلیل مستقلی بر اعجاز علمی قرآن باشد ولی با توجه به گواهی دانشمندان بر عدم آگاهی مردم عصر نزول قرآن، از این مطلب، نظم و چینش مراحل آفرینش انسان نوعی رازگویی علمی است که می تواند اعجاز علمی قرآن بشمار آید. (۳)

ص:۶۶

۱- (۱) . Harvey پزشک انگلیسی (۱۵۷۶ - ۱۶۵۷ م)

۲- (۲) . مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۲۷۶ - ۲۷۷ با تلخیص

۳- (۳) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۵۶۴.

ب: اشارات علمی شگفت آور قرآن:

برخی آیات قرآن به مطالب علمی جهان و قوانین آنها اشاره می کند که، شگفتی هر خواننده ای را بر می انگیزد. زیرا نوعی مخالفت با دیدگاهها و نظریه های مشهور در علوم آن عصر بشمار می آید که شگفت آور است و دلالت بر عظمت علمی قرآن دارد. (۱)

آری عرب صدر اسلام از مراکز علم و تمدن آن عصر (جندی شاپور ایران و یونان) دور بودند و اطلاعات علمی قابل توجهی نداشتند بلکه در عصر جاهلیت به سر می بردند.

اما قرآن کریم در همان محیط به مباحث کیهان شناسی، زمین شناسی، علوم پزشکی و... اشاره کرده است، که برخی مطالب علمی آن تا صدها سال بعد مورد پذیرش عموم مراکز علمی جهان نبود. برای مثال به موارد زیر توجه کنید:

۱. آغاز جهان و چگونگی پیدایش آن جهان از توده ای به هم پیوسته و گازی شکل:

«ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّماءِ وَهِيَ دُخَانٌ» (فصلت / ۱۱)

«سپس به آفرینش آسمان پرداخت، در حالی که بصورت دود بود.»

بسیاری از دانشمندان مطالب قرآن در مورد آغاز جهان را از اخبار غیبی و مطالب شگفت انگیز علمی قرآن می دانند، (۲) زیرا با نظریه ی انفجار بزرگ (مهبانگ) (۳)

۱- (۱) . البته از آنجا که این مطالب بصورت دیدگاه های غیرمشهور در مراکز علمی توسط برخی دانشمندان مطرح شده بود، اعجاز علمی قرآن بشمار نمی آید

۲- (۲) . طنطاوی (الجواهر، ج ۱۰، ص ۹۹) عبدالرزاق نوفل (القرآن و العلم الحدیث، ص ۲ - ۱۶۳) و احمد محمد سلیمان (القرآن و العلم، ص ۳ - ۵۴) و محمد سامی محمد علی (الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، ص ۳۴) و محمد کامل عبدالصمد (الاعجاز العلمی فی الاسلام (القرآن الکریم) ص ۴۷)

۳- (۳) . برای اطلاع از نظریه مهبانگ و دیدگاه مقابل آن نک: تاریخچه زمان، استفن ویلیام هاولینگ، ترجمه دادفرما، ص ۱۴۵ - ۱۴۹، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲ ش.

و جدا شدن جهان آسمان و زمین از همدیگر و توده گازی شکل بودن (دخان) هماهنگ است.

ظاهر آیات قرآن با نظریه مشهور مهبانگ بطور شگفت انگیزی همخوان است و برخی مفسران بدان اذعان دارند. (۱) امّا برخی محققان اعجاز علمی قرآن را در این مورد نمی پذیرند زیرا نظریه ی مهبانگ قطعی نیست و نظریه های رقیب (همچون نظریه مهبانگ و جهان پلاسما و حالت پایدار) در این مورد وجود دارد. (۲) و در مورد آیات فوق تفسیرها و روایات دیگری نیز وجود دارد. (۳)

۲. حرکت زمین:

«وَتَرَی الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِیَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» (نمل / ۸۹)

«و کوه ها را می بینی و آنها را ساکن و جامد می پنداری.»

برخی مفسران از این آیه حرکت زمین را برداشت کرده و آن را از آیات علمی و اعجازآمیز قرآن دانسته اند. (۴)

و برخی و صاحبنظران از آیات دیگر قرآن (زخرف / ۱۰، طه / ۵۳، نبأ / ۶) حرکت زمین. (۵) و برخی دیگر از سوره ی شمس / ۴ و نازعات / ۳۰ حرکت های وضعی و انتقالی زمین را برداشت کرده اند. (۶)

۱- (۱) . نمونه، ج ۲۰، ص ۲۲۸ و ج ۱۳، ص ۳۹۴ - ۳۹۵ و التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۱۲۹ - ۱۳۹

۲- (۲) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، نگارنده، ص ۵ - ۱۰۴

۳- (۳) . نک: المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۸ - ۲۷۹ و صافی، ج ۳، ص ۳۴۷ و نمونه، ۱۳، ص ۳۹۶

۴- (۴) . نمونه، ج ۱۵، ص ۵۶۸ - ۵۶۹

۵- (۵) . نک: مرزهای اعجاز، پیشین، ص ۱۱۹، مطالب شگفت انگیز قرآن، پیشین، ص ۳۵ - ۳۶، اعجاز قرآن، پیشین، ص ۱۳، القرآن یتجلی من عصر العلم، شیخ نزیه القمیحا، ص ۱۴۹ و..

۶- (۶) . پرتوی از قرآن، سیدمحمود طالقانی، ج ۲، ص ۱۱۰.] و برخی دیگر از سوره مرسلات / ۳۵ حرکت های متعدد زمین را استفاده کرده اند. [اعجاز قرآن، از نظر علوم امروزی، پیشین، ص ۸۰ به بعد.

صرف نظر از اشکالاتی که به برداشت های فوق از آیات گرفته شده، (۱) قرآن بر خلاف نظریه حاکم و مشهور عصر نزول، از حرکت زمین خبر داده است زیرا نظریه ی بطلمیوس مبنی بر سکون و مرکزیت زمین در محافل علمی عصر نزول مشهور (۲) و حاکم بود (۳) و این بیانگر عظمت قرآن است.

۳. پیدایش حیات از آب:

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْ ءٍ حَيٍّ» (انبیاء / ۳۰)

«و هر چیز زنده ای را از آب قرار دادیم.»

برخی صاحبنظران با استناد به سوره نور / ۴۵ که منشأ پیدایش موجودات را آب معرفی می کند، آن را مطلب شگفت انگیز بلکه اعجازآمیز علمی قرآن می دانند. (۴) و گروهی دیگر از مفسّران و دانشوران نیز به انطباق یافته های علوم تجربی با این آیات اعتراف کرده اند. (۵) البته مفسران در مورد این آیات معانی متعددی بیان کرده و گفته اند ممکن است مقصود از «آب» در این اینجا منی و نطفه یا ماده اصلی بدن موجودات زنده، یا مایع آب گونه ای که خلقت جهان از آن پدید آمده یا منشأ پیدایش نخستین موجود از آب باشد. (۶)

ص:۶۹

۱- (۱) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۱۷۰ به بعد

۲- (۲) . قبل از اسلام برخی دانشمندان همچون فیثاغورس، فلوته خوس، ارشمیدس، استرخوس ساموسی و کلیانتوس آسوسی که قبل از بطلمیوس زندگی می کرده اند قائل به حرکت زمین بوده اند. (اسلام و هیئت، سیدهبة الدین شهرستانی، ص ۴۴.)

۳- (۳) . تاریخ علوم، پی یر روسو، ص ۱۹۳ به بعد و خوابگردها، آرتور کوستلر، ص ۱۶۱ به بعد

۴- (۴) . التمهید فی علوم القرآن، پیشین، ج ۶، ص ۳۴، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، پیشین، ج ۱، ص ۱۰۴

۵- (۵) . نک: اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، پیشین، ج ۱، ص ۱۳۵ - ۱۴۴ و فی ظلال القرآن، سید قطب، ج ۶، ص ۱۱۱

۶- (۶) . نک: نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۶ و ج ۱۴، ص ۵۰۸ - ۵۰۹ و الکون و الانسان بن العلم و القرآن، بسام دفضع، ص ۱۲۲ - ۱۲۳، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۲.

البته قبل از اسلام برخی فلاسفه ی یونان (مثل تالس) (۱) یادآور شده بودند که اصل هستی از آب است. پس مطالب آیات فوق شگفت انگیز بوده و عظمت قرآن را می رساند ولی اعجاز علمی آن را اثبات نمی کند. (۲)

۴. ممنوعیت شرابخواری و اعلام زیان ها:

«یَسْأَلُونَکَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَیْسِرِ قُلْ فِیهِما إِثْمٌ کَبِیرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَکْبَرُ مِن نَفْعِهِمَا» (بقره / ۲۱۹)

«درباره شراب و قمار از تو سوال می کنند، بگو در آنها گناه (و زیان) بزرگی است، و منافعی برای مردم در بردارد. [ولی] گناه آن ها از نفعشان بیشتر است.»

در برخی آیات قرآن ممنوعیت نوشیدن شراب به صراحت اعلام شده. (مائده / ۹۱-۹۰) و در برخی به ضررهای آن اشاره شده (بقره / ۲۱۹) و در برخی به اشاره از آن نهی شده است. (نحل / ۶۷ و نساء / ۴۳)

بسیاری از پزشکان، صاحبنظران و مفسّران در مورد زیان های شراب و شرابخواری مطالب فراوانی نوشته و با شگفتی از این مطلب قرآن یاد کرده اند (۳) زیرا قبل از اسلام شرابخواری یک عادت بشری بوده همانطور که در عصر حاضر در بسیاری از کشورهای غیر مسلمان اینگونه است و حتی تورات و انجیل کنونی نیز به نوعی شرابخواری را تشویق کرده است. (۴) ولی اسلام با این پدیده زیان آور برخورد کرد و این یکی از خدمات اعجازآمیز قرآن به بشریت بود.

۱- (۱) . فلسفه یونان، محمد غلاب، ج ۱، ص ۸ و قرآن و علم امروز، عبدالغنی الخطیب، ترجمه مبشری، ص ۶۹ - ۷۰

۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۲۴۳

۳- (۳) . نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، پیشین، ص ۳۴۷

۴- (۴) . نک: کتاب مقدس، سفر تثنیه، باب ۱۴، شماره ۲۶ و انجیل متی، باب ۲۶، شماره ۲۹.

۵. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه:

«وَیَسْأَلُونَکَ عَنِ المَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذی فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِی الْمَحِیضِ وَلاَ تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّی یَطْهُرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ التَّوَّابِینَ وَیُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ» (بقره / ۲۲۲)

قرآن کریم در آیه ی فوق به مردان دستور می دهد در حالت عادت ماهیانه از نزدیکی با زنان دوری کنید و آن را زیانبار معرفی می کند.

برخی از پزشکان، صاحبنظران و مفسران نیز زیان های این کار را برشمرده و با دیده ی اعجاب به قرآن نگریسته اند. (۱)

۶. برخی موارد دیگر از آیات قرآن نیز اشاره علمی شگفت آمیزی در بردارد؛ از جمله: در مورد واژه ی «صمد» (توحید / ۲) و ارتباط آن با فضای خالی داخل اتم ها، (۲) و نیز نکته ی شگفت آمیز علمی قرآن در مورد صفت «لطیف» و خلق موجودات ریز که با چشم درک نمی شوند، (۳) نکته ی اعجازآمیز علمی قرآن در مورد آتش درون شاخه های سبز درختان (یس / ۸۰) (۴) و نکته علمی قرآن در مورد اینکه آسمان دنیا محل کرات آسمانی است که بر خلاف دیدگاه هیئت بطلمیوسی بوده است (۵) و در مورد تشبیه شرح صدر به صعود در آسمان و تنگی نفس در اثر کمبود هوا (انعام / ۱۲۵)، (۶) در مورد اینکه کوهها همچون میخ و زره محکم زمین را از لرزش حفظ می کنند؛ (۷) (نحل / ۱۵) اشاره نمود.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۳ - ۹۴ و طب در قرآن، ص ۵۰ - ۵۱

۲- (۲) . نمونه، ج ۲۷، ص ۴۴۰

۳- (۳) . همان، ج ۵، ص ۶ - ۳۸۷

۴- (۴) . همان، ج ۱۸، ص ۴ - ۴۶۶

۵- (۵) . همان، ج ۱۹، ص ۱۶ - ۱۷

۶- (۶) . همان، ج ، ص ۴۳۵

۷- (۷) . همان، ج ۱۱، ص ۱۸۳.

یادآوری: موارد فوق مطالب و اشارات علمی شگفت آمیزی است که در محیط عرب جاهلی صدر اسلام و توسط یک پیامبر درس ناخوانده بیان شده است، از این رو تعجب هر خواننده ای را بر می انگیزد و او را به تحسین قرآن وامی دارد.

ج: اشارات علمی اندیشه ساز قرآن:

آیاتی که اشاره به آسمان، زمین، انسان، حیوانات و طبیعت می کند و انسان را به تفکر در آنها دعوت می کند و گاهی آنها را نشانه ی خدا و معاد می شمرد. ولی مطلب شگفت آمیز یا اعجازآمیزی از ظاهر آیات قابل استفاده نیست، اینگونه آیات توجه انسان را به نمودهای آفرینش زیبای الهی جلب می کند و زمینه را برای رشد علمی بشر، بویژه در علوم تجربی، فراهم می سازد.

مثال: «أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ» (۱)

«و آیا به شتر نظر نمی کنند که چگونه آفریده شده است؟!»

و نیز در آیات ۵ - ۶ - ۷ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۳ - ۱۴ / سوره ی نحل به منافع حیوانات، نزول باران، رویش گیاهان رنگارنگ، دریاها و کشتی رانی در آنها و فواید غذایی و زیور آلاتی که از آنها بدست می آید، به عنوان نشانه هایی برای اندیشمندان اشاره می کند تا به آفرینشگر جهان پی ببرند و سپاسگزاری کنند. (۲)

ص:۷۲

۱- (۱) . غاشیه / ۱۷

۲- (۲) . البته در میان آیات ۵ - ۱۷ سوره نحل برخی نکات علمی شگفت آور دیگری نیز وجود دارد.

پرسش:

آیا معجزه یک قانون علمی است ؟

پاسخ:

برای پاسخ به این پرسش به دو بُعد رابطه معجزه با قانون می پردازیم.

الف. معجزه و قانون علمی:

صرف نظر از اینکه در فلسفه ی علم در جهان امروز قانون علمی داریم یا نه، قانون علمی دو ویژگی اساسی دارد:

اول آنکه « Low » قانون قاعده ای قابل تکرار است. دوم آنکه برگرفته از تجربه است از این رو علم تجربی به شمار می آید.

معجزه قانونمند است اما قانون علمی (به معنای علم تجربی) نیست. یعنی تنها وجه مشترك معجزه با قوانین علوم تجربی قانونمندی است اما چند تفاوت اساسی با آنها دارد:

۱. معجزه توسط انسان های دیگر قابل تکرار نیست و اصلاً معجزه بودن معجزه به آن است که دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند، اما قانون علمی تجربه ای قابل تکرار است.

۲. منشأ معجزه اراده ی الهی است در حالی که قانون علمی از تجربه ی انسانی به دست می آید.

۳. معجزه کاری بر خلاف قانون طبیعی عادی است هر چند که خود تابع قانون علیت است و نفی علت نمی کند. (همانطور که در ادامه می آید) اما قانون علمی بر طبق روند عادی طبیعت است.

ص:۷۳

ب. معجزه و قانون علیت:

برای تبیین این مطلب باید نخست معجزه را مفهوم شناسی کنیم تا عناصر اصلی آن و رابطه ی آن با مقولات دیگر مثل علیت، کرامت و سحر روشن شود.

ماهیت معجزه و تفاوت آن با امور خارق العاده دیگر:

مقدمه: (تاریخچه)

در طول تاریخ همیشه بشر با اعمال خارق العاده ی برخی انسانها روبرو می شده است. این اعمال خارق العاده همواره برای انسان اعجاب و تحسین برانگیز بوده و گاه موجب ایمان او به کسی یا چیزی و یا بی ایمانی او شده است.

پیامبران الهی از این اعمال خارق العاده به عنوان آیه و معجزه یاد می کردند و دیگران را به مبارزه برای آوردن مثل آن (تحدّی) دعوت می کردند و آن را شاهد صدق نبوت خویش می شمردند. امّا در مقابل این مردان حق طلب، کسانی بودند که اعمال خارق العاده ای انجام می دادند که سحر نامیده می شد. و گاهی امر بر مردم مشتبه می گشت که کدامیک حق است. از این رو مخالفان ادیان الهی به پیامبران تهمت سحر می زدند.

تاریخ دقیقی از اولین معجزه در دست نیست امّا می دانیم که پیامبران الهی معمولاً معجزه داشته اند به طوری که مردم از هر پیامبر جدیدی معجزه می طلبیدند.

امّا براستی ماهیت معجزه چیست؟ و چه تفاوتی با کرامت و سحر دارد؟ پاسخ به این پرسشها موضوع این نوشتار است.

معجزه و واژه های قرآنی آن:

قرآن کریم واژه ی «آیه» و «بیّنه» و «برهان» و «سلطان» را در مورد امور خارق عادت و معجزات پیامبران بکار برده و از واژه ی «معجزه» در این موارد استفاده نکرده امّا اصطلاح رایج و مشهور در این مورد واژه ی «معجزه» است.

ما در این بخش ابتدا معانی لغوی و اصطلاحی این واژه ها را مورد بررسی قرار می دهیم:

اول: معنای لغوی واژه ها:

الف: «آیه»:

واژه ی «آیه» در لغت به معنای «علامت و نشانه» است و آن چیز ظاهری و ملازم با چیز غیر ظاهری است. (۱)

و برخی لغت شناسان گفته اند: آیه چیزی است که مورد توجّه و قصد به سوی مقصود واقع شود. و وسیله ای برای رسیدن به مقصود است. (۲)

قرآن کریم واژه «آیه» را در مورد معجزات انبیاء به کار برده است. مثال:

«بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوَّلُونَ» (۳)

«بلکه گفتند خوابهای شوریده است، [نه] بلکه آن را بر بافته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه ای [معجزه ای] بیاورد.»

«وَرَسُولاً إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُم بِآيَةٍ مِن رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُم مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْراً بِإِذْنِ اللّهِ...» (۴)

«و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می فرستد، که او به آنان می گوید:] در حقیقت من از جانب پروردگارتان برایتان نشانه [معجزه] آورده ام. من از گِل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می سازم آنگاه در آن می دمم، پس به اذن خدا پرنده ای می شود.»

ص:۷۵

۱- (۱) . مفردات راغب اصفهانی، واژه آی

۲- (۲) . ر.ک: مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، واژه «آیه»

۳- (۳) . انبیاء / ۵

۴- (۴) . آل عمران / ۴۹.

ب: «بیّنه»:

واژه «بیّنه» در لغت به معنای «دلیل واضح» آمده است چه عقلی یا محسوس باشد. (۱)

برخی لغویین گفته اند: که (از ریشه بیّن) معنی حقیقی آن انکشاف و وضوح بوسیله جداکردن و تفریق است و «آیه» و «بیّنه» بمعنی امری است که کشف شده و از بین امور عادی جدا شده است. (۲)

قرآن کریم در مواردی از معجزات انبیاء تعبیر به «بیّنه» کرده است، مانند:

«وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحاً قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللّهَ مَا لَكُم مِن إِلهٍ غَيْرُهُ قَدْ جاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هذِهِ نَاقَةُ اللّهِ لَكُمْ آيَةً» (۳)

«و به سوی [قوم] ثمود، صالح، برادرشان را [فرستادیم] گفت: ای قوم من، خدا را بپرستید، برای شما معبودی جز او نیست، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است. این ماده شتر خدا برای شماست که پدیده ای شگرف است.»

«أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِن بَعْدِهِمْ لاَ يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللّهُ جاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّناتِ» (۴)

«آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است. فرستادگانشان دلایل آشکار برایشان آوردند.»

ج: «برهان»:

واژه «برهان» در لغت به معنای بیان، حجت و وضوح آن می آید. (۵)

۱- (۱) . مفردات راغب اصفهانی، واژه بین

۲- (۲) . مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۶۶ - ۳۶۷، واژه بین

۳- (۳) . اعراف / ۷۳

۴- (۴) . ابراهیم / ۹

۵- (۵) . مفردات راغب اصفهانی، ماده برهن و نیز زمخشری، اساس البلاغه و فیّومی، مصباح المنیر.

و برخی لغت شناسان بر آنند که اصل کلمه «برهان» از مصدر بَرَه به معنی «ابیض» است. و به هر کلام روشنی که ابهام ندارد و امر واضحی که خفاء ندارد، گویند. برهانان (قصص/ ۳۲) به معنی دو امر روشن و دو آیه واضح (دو معجزه) برای اثبات دعوت حضرت موسی(علیه السلام) است. (۱)

واژه ی «برهان» به معنای «دلیل» هم می آید که یک اصطلاح منطقی است (۲) و خارج از معنای لغوی است.

قرآن کریم در برخی موارد واژه ی «برهان» را در مورد معجزات انبیاء به کار برده است.

برای مثال در سوره ی قصص پس از آنکه عصای موسی(علیه السلام) و ید بیضاء را مطرح می کند می فرماید:

«فَذَانِکَ بُرْهَانَان مِن رَّبِّکَ إِلَی فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ» (۳)

«این دو [نشانه] دو برهان از جانب پرروردگار تو است [که باید] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری]»

و در سوره نساء می فرماید:

«یَا أَیُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَکُم بُرْهَانٌ مِن رَبِّکُمْ وَأَنْزَلْنَا إِلَیْکُمْ نُوراً مُبِیناً» (۴)

«ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده ایم.»

۱- (۱) . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱، ص ۲۶۲ - ۲۶۳ ماده برهن

۲- (۲) . ر.ک: مظفر، المنطق

۳- (۳) . قصص / ۳۲

۴- (۴) . نساء / ۱۷۴.

مفسّران در این آیه دو احتمال را در مورد کلمه «برهان» مطرح کرده اند، یکی قرآن و دیگری پیامبر(صلی الله علیه و آله). (۱) و این در حالی است که قرآن معجزه پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است.

د: «سلطان»:

سلطان از نظر لغوی به معنای تسلّط قهری است و به دلیل و حجت نیز سلطان گویند؛ چون بر قلوب افراد مسلّط می شود. (۲) قرآن کریم در برخی آیات تعبیر «سلطان» را در مورد معجزه به کار برده است، مانند:

«قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِن نَّحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ عَلَى مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَن نَّأْتِيَكُم بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...» (۳)

«پیامبرانشان به آنها گفتند درست است که ما بشری همانند شما هستیم ولی خداوند بر هر کس از بندگانش بخواهد (و شایسته ببیند) نعمت می بخشد (و مقام رسالت عطا می کند) و ما هرگز نمی توانیم معجزه ای جز به فرمان خدا بیاوریم.» (۴)

ه- : «معجزه»:

این واژه از ریشه ی «عجز» است. و لغت شناسان معانی و استعمالات متعددی برای آن شمرده اند:

۱. برخی ریشه ی این لغت را به معنای «تأخّر از چیزی» می دانند و از این رو در مورد آخر و پشت هر چیزی به کار می رود. (۵)

ص:۷۸

۱- (۱) . المیزان، ج ۵، ص ۱۶۰

۲- (۲) مفردات راغب، ماده سلط

۳- (۳) . ابراهیم / ۱۱

۴- (۴) . تفسیر نمونه نیز کلمه سلطان را در این آیه به معنای معجزه دانسته اند (نمونه، ج ۱۰، ص ۲۹۳)

۵- (۵) . ر.ک: مفردات راغب اصفهانی و نیز ابن فارس، مقاییس اللغهٔ، این معنا را در یکی از دو معنای اصلی بیان می کند.

۲. گروهی دیگر اصل این لغت را به معنای «ضعف» می دانند. (۱) لغت «عاجز» از همین معناست و به زنان کهن سال نیز «عجوزه» گویند.

۳. برخی آن را به معنای فوت (از دست رفتن) چیزی می دانند. (۲)

۴. برخی لغت شناسان آن را به معنای «یافتن ضعف در دیگری» دانسته اند. (۳)

۵. برخی دیگر آن را به معنای «ایجاد ضعف در دیگری» دانسته اند. (۴)

نتیجه: به نظر می رسد ریشه ی اصلی لغت «عجز» همان «ضعف» در مقابل قدرت است. و این ضعف دارای مراتبی است. و به همین لحاظ زنان کهن سال را عجوزه گویند چون ضعیف شده و طراوت و تحرک و زایش خود را از دست داده اند؛ به مؤخّر و پشت انسان نیز «عَجُز» گویند چون که پست و ضعیف است و اعجاز ایجاد عجز یا یافتن عجز در دیگران است.

در قرآن کریم لغت «معجزه» به معنای اصطلاحی (عمل خارق العاده که گواه نبوت باشد) یافت نمی شود امّا در موارد متعددی این لغت به شکل های گوناگون به کار رفته است.

مثال: «عجوز» (هود/ ۷۲ و صافات/ ۱۳۵) که مقصود همان ضعف و عجز در تولید فرزند است.

«أعجزت» (مائده/ ۳۱) که مقصود همان ضعف و نفی اقتدار است.

«معاجزین» (سبأ/ ۳۸) که استمرار حالت عجز است.

«معجزی اللّه» (توبه/ ۲) که مقصود آن است که خدا ضعیف نمی شود.

ص:۷۹

۱- (۱) . مفردات راغب این را به معنای ثانوی لغت عجز می داند ولی مقاییس آن را یکی از دو معنای اصلی می داند

۲- (۲) . ر.ک: فیومی، مصباح اللغهٔ و اقرب الموارد، ج ۲، ماده عجز، (این معنا در هنگامی است که در مورد - اشیاء بکار رود - اعجزه شیء)

۳- (۳) . همان (این معنا هنگامی است که در باب افعال به کار رود - أعجزت زیداً)

۴- (۴) . همان (این معنا هنگامی است که باب تفعیل به کار رود - عجّزته تعجیزاً).

«معجزین» (انعام/ ۱۳۴ – فصلت/ ۳۱ – نور/ ۵۷ – عنکبوت/ ۲۲)

«لیعجزه» (فاطر/ ۴۴) که مقصود ایجاد عجز است.

«اَعجاز» (قمر/ ۲۰ – حاقه/ ۷) که مقصود ریشه های درخت خرماست که بعد از کنده شدن از زمین حالت محرومیت از مواد غذایی پیدا می کند.

نکته ی اوّل: «اعجاز» به هر صورت که باشد ملازم با تأثیر و تسلّط و تفوق و حکومت است. (۱)

نکته ی دوم: جالب اینکه لغت «معجزه» در روایات اهل بیت(علیه السلام) به معنای اصطلاحی به کار رفته است و معلوم می شود که این لغت از زمان ائمه(علیه السلام) کاربرد داشته و به جای «آیه» به کار می رفته است.

برای مثال به این روایت توجّه کنید:

عن الصادق(علیه السلام): «المعجزهٔ علامهٔ للّه لا یعطیها الاّ انبیاءه و رسله و حججه لیعرف به صدق الصادق من کذب الکاذب» (۲)

«معجزه علامتی الهی است که آن را به غیر از انبیاء و رسولان و حجت های خویش عطا نمی کند تا بوسیله آن راستگویی راستگویان از دروغگویی دروغگویان باز شناخته شود.»

دوم: معنای اصطلاحی معجزه:

بحث معجزه حداقل در چهار علم؛ تفسیر، علوم قرآن، اصول و کلام مطرح شده است.

گویند برخی از قدماء آن را جزئی از علم اصول می دانسته اند. (مثل شیخ طوسی و طبرسی) (۳)

۱- (۱) . حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۹

۲- (۲) . بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۷۱، و نیز میزان الحکمهٔ، ج ۶، ص ۶۶

۳- (۳) . ر.ک: تفسیر تبیان، ص ۳ و شیخ طوسی، زندگی نامه، ص ۱۱۰ و علامه طباطبایی(ره) اعجاز قرآن، مقدمه علیرضا میرزا محمد، ص ۹. (شاید مقصود آنان همان علم اصول اعتقادات یعنی کلام باشد. نه اصول الفقه).

و برخی دیگر (مانند خواجه طوسی و علامه حلی در تجرید الاعتقاد، صاحب نثر طوبی و ملا فتح اللّه کاشانی) (۱) آن را در علم کلام (عقاید) مطرح کرده اند.

و بعضی مفسران (مثل علامه طباطبائی در المیزان و آیهٔ الله طیب در اطیب البیان و...) (۲) آن را در لابلای تفسیر قرآن و به مناسبت معجزات انبیاء مطرح کرده اند.

امّا گروهی نیز (مثل سیوطی در الاتقان و آیت اللّه معرفت در التمهید) (۳) آن را در علوم قرآن مطرح کرده اند.

ما در این نوشتار قصد بیان جایگاه حقیقی این بحث را نداریم امّا شاید طرح مبحث اعجاز در علوم مختلف از ابعاد گوناگون این بحث ناشی شده باشد. که هر گروهی از زاویه ای خاص بدان نظر کرده اند.

و از این رو، تعریفهای متفاوتی نیز از آن ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. خواجه طوسی (ره) معجزه را اینگونه تعریف کرده است:

«راه شناخت راستگویی پیامبر این است که توسط او معجزه ای ظاهر شود و آن عبارت است از ثبوت چیزی که معتاد نباشد و یا نفی چیزی که معتاد باشد در صورتی که خرق عادت بوده و مطابق ادعا واقع شود.» (۴)

و سپس علامه حلی در شرح این کلام چندین شرط را مقرر می کند:

الف: امّتِ شخصِ معجزه گر از آوردن مثل آن عاجز باشند.

ب: معجزه از طرف خدا یا با امر او باشد.

ص:۸۱

۱- (۱) . ر.ک: منهج الصادقین، ج ۱، ص ۱۴ و نثر طوبی، ج ۲، ص ۱۱۹

۲- (۲) . ر.ک: اطیب البیان، ج ۱، ص ۴۰ - ۵۹ و المیزان، ج ۱، ص ۷۳ به بعد

۳- (۳) . ر.ک: التمهید فی علوم القرآن، ج ۴ و سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۳

۴- (۴) . خواجه طوسی و علامه حلی، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰ نشر اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.

ج: معجزه در زمان تکلیف باشد.

د: معجزه بعد از ادعای نبوت ظاهر شود و در زمان معجزه گر، مدعی نبوت دیگری نباشد. (۱)

و: آن عمل خارق عادت باشد.

۲. سیوطی در الاتقان معجزه را اینگونه تعریف کرده است: «امر خارق عادتی که همراه با تحّدی و سالم از معارضه باشد.» (۲)

۳. آیت اللّه خویی(ره) در تعریف معجزه می نویسد:

«معجزه چیزی است که مدعی منصب الهی می آورد به طوری که خرق عادت (خرق نوامیس طبیعت) باشد و دیگران از آوردن مثل آن عاجز بوده تا شاهد صدق ادعای آن منصب الهی باشد.»

و سپس ایشان چند شرط را برای صدق ادعا مشخص می سازد:

الف: امکان صادق بودن ادعا باشد (محال عقلی نباشد، مثلا ادعای خدایی نکند).

ب: آنچه می گوید بر طبق آن انجام دهد.

ج: عمل او از مقوله ی سحر و علوم دقیقه (غریبه) نباشد.

د: تحّدی (مبارزه طلبی) کند. (۳)

۴. علامه طباطبایی(ره) در تعریف معجزه می فرماید:

«معجزه عبارت است از امری خارج عادت که دلالت کند ما وراء طبیعت در طبیعت و امور مادی تصرّف کرده است. و این به آن معنا نیست که معجزه مبطل امر عقلی و ضروری است.» (۴)

۱- (۱) . کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ص ۳۵۰، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق

۲- (۲) . سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۳، ص ۳

۳- (۳) . البیان، ص ۱۰۳

۴- (۴) . المیزان، ج ۱، ص ۷۲.

ایشان در جای دیگر می نویسد:

«معجزه» یا آیه معجزه (بر حسب اصل تسمیه) چنانکه از لفظش پیداست امر خارق العاده ای است که برای اثبات حق و مقارن با تحّدی (دعوت به مقابله) تحقّق پیدا می کند... معجزه هر چه بوده باشد و به هر شکل و صورتی اتفاق بیفتد بالاخره امری است خارق العاده، و بیرون از نظام علل و معلولات و اسباب و مسبباتی که عادتاً ما با آنها انس گرفته ایم و آنها را می شناسیم.» (۱)

۵. ایجی که از متکلمان اهل سنت است در تعریف معجزه می نویسد:

«معجزه بر حسب اصطلاح در نزد ما عبارت است از آنچه بوسیله آن قصد شود که راستگویی مدعی نبوت را ظاهر کند.»

و سپس هفت شرط برای معجزه بیان می کند: کار خداباشد - خارق عادت باشد - کسی نتواند با آن معارضه کند - توسط مدعی نبوّت انجام شود - موافق ادعای او باشد - معجزه او را تکذیب نکند (بر خلاف ادعای او سخن نراند) - معجزه قبل از ادعای نبوت نباشد. (۲)

۶. استاد مصباح یزدی می نویسد:

«معجزه عبارت است از، امِر خارق العاده ای که با اراده خدای متعال از شخص مدعی نبوت ظاهر شود و نشانه صدق ادعای وی باشد. (۳)

۷. برخی از نویسندگان در مورد معجزه نوشته اند:

«دلیلی که برای صدق پیامبر در ادعایش آورده می شود، معجزه نام دارد و آن عبارت است از تغییر در وجود - کوچک یا بزرگ - که قوانین طبیعی را که از طریق حس و تجربه بدست می آید به مبارزه می طلبد. (۴)

۱- (۱) . علامه طباطبایی(ره)، اعجازقرآن، ص ۱۱۵ و ۱۱۶

۲- (۲) . ایجی، شرح مواقف، ص ۵۴۷

۳- (۳) . آموزش عقاید، ص ۲۶۳ (دوجلدی)

۴- (۴) . سید محمد باقر حکیم، علوم القرآن، ص ۱۲۷ که این مطلب را از شهید صدر (ره) نقل کرده است.

نقد و بررسی:

بررسی و نقد همه ی تعاریف از حوصله ی این نوشتار خارج است امّا می توان گفت برخی تعاریف ناقص و برخی دیگر قابل نقض است. (جامع و مانع نیست) در اینجا به پاره ای از اشکالات آنها اشاره می کنیم:

۱. یکی از شرایطی که علامه حلّی در کشف المراد بیان کرده این بود که:

مدعی نبوت دیگری در زمان او نباشد. تا معلوم شود معجزه از او صادر شده است. در حالی که برخی پیامبران همزمان بوده اند مثل حضرت ابراهیم و لوط، و ممکن است هر دو معجزاتی داشته اند.

۲. در تعریف های علامه طباطبایی(ره) از معجزه قیدهای دیگری هم لازم بود مثل اینکه «معجزه مغلوب واقع نمی شود - دیگران از آوردن مثل آن عاجز باشند و...»

۳. در تعریف ایجی آمده بود که «معجزه کار خدا باشد.»

در حالی که این عین ادعایی است که معجزه می خواهد آن را اثبات کند که لازمه آن صدق نبوت است. پس نمی تواند خود این مطلب شرط معجزه باشد.

و از طرف دیگر گفته بود که معجزه راستگویی (صدق) نبوت را ظاهر می کند در حالی که معجزه منحصر به اثبات ادعای نبوت نیست بلکه هر منصب الهی (مثل امامت) را نیز اثبات می کند.

جمع بندی و نتیجه گیری:

معجزه (آیه، بیّنه، برهان) عبارت از چیزی (کار - سخن - شیء) است که این ویژگی ها و عناصر را داشته باشد:

الف: خارق عادت باشد. یعنی قوانین عادی طبیعت را نقض کند.

البته معجزه به معنی انجام محال عقلی نیست بلکه ارتکاب محال عادی است و نیز معجزه به معنی شکستن قانون علیت نیست چرا که تحت قانون علیت عام است و فقط علت آن امری غیر مادی و غیر عادی است.

ص:۸۴

ب: از مدعی منصب الهی و پس از ادعای آن واقع شود.

پس اگر چیز خارق عادت قبل از ادعای نبوت واقع شده باشد نمی تواند دلیل ادعای نبوت باشد. و نیز اگر کار خارق عادت بدون ادعای منصبی از مناصب الهی واقع شود کرامت خوانده می شود و معجزه ی اصطلاحی نیست.

پ: همراه با تحّدی و مبارزه طلبی باشد؛ یعنی دیگران را دعوت کند که مثل آن را بیاورند.

ت: مغلوب واقع نشود و دیگران نیز از آوردن مثل آن عاجز باشند.

یعنی مثل سحر و اعمال مرتاضان و... نباشد که تحت تأثیر اراده قوی تر نقض شود و یا از بین رود.

ث: برای اثبات اموری باشد که غیر ممکن نباشد.

پس معجزه نمی تواند برای اثبات محال عقلی (مثل ادعای خدایی) یا محال نقلی (مثل ادعای نبوت بعد پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) باشد.

ج: از امور شر نباشد که موجب ضرر به دیگران شود چون با هدف معجزه (هدایت) سازگار نیست.

چ: معجزه گواه صدق مدعی باشد.

یعنی آنچه که ادعا شده همان واقع شود. برای مثال اگر ادعا کرده، کور را شفا می دهد به جای آن کر شفا پیدا نکند و نیز آن معجزه، آورنده خود را تکذیب نکند. مثلا به سخن آید و بگوید این مدعی دروغگو است.

به عبارت دیگر در معجزه سه حیثیت و جهت وجود دارد:

اول: جهت معجزه گر است (که باید مدعی منصب الهی و تحدّی کننده و... باشد و هدف او هم اثبات امر محالی نباشد.)

دوم: جهت خود معجزه است. (که باید خارق عادت بوده و گواه صدق ادعا باشد و از امور شرّ هم نباشد.)

ص:۸۵

سوم: جهت مردمی که برای آنها معجزه صورت می گیرد (که باید از آوردن مثل آن معجزه ناتوان باشند.)

تفاوت های معجزه با خوارق عادات دیگر:

معجزه یـک عمـل خـارق عـادت است و مثل بقیه اعمال خارق عادت علّتی برتر از علل طبیعی دارد. که علامه طباطبایی از آن تعبیر به «اراده» می کرد. حال بر ماست که تفاوت معجزه را با خوارق عادات دیگر مثل سحر، کرامت و... بیان کنیم:

الف: تفاوت معجزه با سحر و اعمال مرتاضان:

قرآن کریم (بقره/ ۱۰۲ و طه/ ۶۶) به سـحر و جادو اشاره کرده است. و این عمل خارق العاده در شـریعت اسـلام حرام شمرده شده است (۱) و در قوانین اسلامی، ساحر محکوم به اعدام می شود. تفاوت های اساسی سحر با معجزه عبارتند از:

۱. معجزه قابل تعلیم و تعلّم نیست بلکه عنایتی الهی و باذن خداست. امّا سـحر قابل تعلیم و تعلّم است. یعنی انسان می تواند نزد استاد فرا گیرد و به دیگران بیاموزد. در قرآن کریم نیز اشاره ای به قابل تعلیم بودن سحر شده است «يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ». (۲)

۲. معجزه سـببی غیر مغلوب دارد چـون متّکی به قـدرت نامحـدود خـداست یعنی امری نامحـدود و حق است که کسـی بر آن مسلّط نمی شود و باطل نمی گردد.

امّـا سـحر و ساحر مراتبی دارنـد و هر جادویی با جادوی برتر مغلوب و باطل می گردد. یعنی امری محـدود و باطل است. چون متّکی بر قدرت محدود انسان است. علامه طباطبایی(ره) تفاوت اصلی سحر و معجزه را همین مطلب می داند. (۳)

ص:۸۶

۱- (۱) . ر.ک: امام خمینی(ره)، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۷۷ مسأله ثالث و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۷۹

۲- (۲) . بقره / ۱۰۲

۳- (۳) . المیزان، ج ۱، ص ۸۲ و نیز ر.ک: استاد مصباح، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ (دو جلدی).

۳. معجزه همراه بـا تحّـدی (مبـارزه طلـبی) اسـت یعنی معجزه گر دیگران را دعـوت می کنـد که مثـل آن معجزه را بیاورنـد. و همینکه نتوانند مثل آن معجزه را بیاورند و عاجز شوند حقانیت آن معجزه و معجزه گر به اثبات می رسد.

قرآن کریم نیز به عنوان یک معجزه این مبارزه طلبی را در موارد متعدّدی اعلام می کند. (۱)

۴. معجزه می توانـد مـاهیت چیزی را عـوض کنـد امّـا سـحر مـاهیت چیزی را عـوض نمی کنـد (قلب مـاهیّت نمی کنـد) یعنی جـادو گر، شـعبده بـاز و... بـا مهارت در قوه بینایی یا خیال افراد تصـرّف می کننـد و چیزی را بر خلاف واقعیت آن نمایش می دهند. برای مثال کاغذی را تبدیل به اسـکناس درشت می کنند. و پس از ساعاتی همان کاغذ اصـلی در دست شـماست. قرآن کریم نیز به خیـالی بودن سـحر اشاره کرده است. (۲) امّا در معجزه اینگونه نیست مثلًا اگر انسانی مسـخ شـد واقعاً تغییر ماهیت می دهد و کاذب نیست.

۵. سـحر ممکن است به دیگران ضـرر بزنـد و اختلاف بین زن و شوهر بینـدازد همانطور که قرآن کریم نیز به این مطلب اشاره ای دارد. (۳) و از این رو علامه طباطبایی(ره) در مورد سـحر و کهانت و... تعبیر «شـرور» را بکار می برد. (۴) امّا معجزه خیر و برای هـدایت بشـر است و اگر برای دیگران ضـرر داشـته باشـد، نقض غرض می شـود و خلاـف حکمت الهی است و بنـابراین معجزه موجب ضرر به دیگران نیست.

۱- (۱) . «إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَى عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِن مِثْلِهِ وَ...» (بقره / ۲۳)

۲- (۲) . «فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِن سِحْرِهِمْ أَنَّها تَسْعَى» (طه / ۶۶)

۳- (۳) . «فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ» (بقره / ۱۰۲)

۴- (۴) . المیزان، ج ۱، ص ۸۲.

۶. معجزه قابل تکرار نیست چون اختیار آوردن آن بدست انسان نیست بلکه باذن خدا است. امّا سحر قابل تکرار است چون این ساحر است که تصمیم می گیرد آن عمل انجام شود یا نشود.

۷. تفاوت در هدف: معجزه هدفی عالی و تربیتی دارد یعنی هدف آن اصلاح جامعه و عقاید مردم است.

امّا سحر و ساحران معمولاً اهداف بی ارزش و دنیایی دارند. و گاهی بی هدف هستند. (۱)

۸. تفاوت در پدیده آورنده: حالات و صفات پدید آورندگان معجزه و سحر متفاوت است.

معجزه گران انبیاء الهی هستند که دارای صفات عالی انسانی مثل پاکدامنی، حق طلبی و پارسایی می باشند و برای پول و ثروت و مقام و منافع شخصی کار نمی کنند. بلکه هدف آنها هدایت مردم و اصلاح جامعه است.

امّا ساحران افرادی منحرف و اغفال گر و سودجو هستند. که هرگز روی رستگاری نمی بینند (وَلاَ يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ). (۲) - (۳)

تذکر: همین تفاوت ها غالباً در مورد تفاوت معجزه با اعمال مرتاضان نیز صادق است.

مرتاضان با نوعی ورزش جسمی - روحی توانایی انجام کارهای خارق عادت را پیدا می کنند که در آن موارد نیز اراده شخص مرتاض همراه با اسباب غیر عادی در کار است. (۴)

ب: تفاوت معجزه و کرامت:

معجزه و کرامت هر دو عمل خارق العاده است که متکی بر نیروی ماوراء طبیعی است. امّا چند تفاوت دارند:

۱- (۱) . برای اطلاع بیشتر ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸ - ۳۵۹

۲- (۲) . یونس / ۷۷

۳- (۳) . برای اطلاع بیشتر ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۵۸ - ۳۵۹

۴- (۴) . ر.ک: علامه طباطبائی(ره)، اعجاز قرآن، ص ۱۲۲.

۱. معجزه همراه بـا تحـدّی (مبـارزه طلبی) است امّـا کرامت اینگونه نیست. از این رو کراماتی که از اولیاء الهی صادر می شود. مثل شفا دادن بیماران توسط امام رضا(علیه السلام) همراه با تحدّی نیست.

۲. معجزه همراه بـا ادعـای نبـوت یـا منصـبی الهی است امّـا کرامـات اینگـونه نیست و صـاحب کرامت ممکن است هیـچ گونه ادعایی نداشته باشد.

۳. کرامـات از اولیاء الهی صادر می شود چه پیامبر یا امام باشـند یا نباشـند. امّا معجزه از کسـی صادر می شود که منصبی الهی (نبوت یا امامت) داشته باشد.

تـذکر: البته معجزه و کرامت هر دو از امور خـارق العاده الهی شـمرده می شود که قابل تعلیم و تعلّم نیست و تحت تأثیر نیروی قوی تری واقع نمی شود و مخصوص بندگان خاص خداست. (۱) پس انسان هایی که پیامبر یا امام نیستند هم می توانند اعمال خارق عادت داشته باشند که به آنها کرامت می گوییم.

قرآن کریم به دو نمونه از این کرامـات اشـاره کرده که مورد اسـتدلال متکلمـان و مفسـران نیز واقع شـده است. یکی کرامـات حضـرت مریم(سلام الله علیها) (مریم/ ۱۶ به بعـد) و دوم داسـتان آصف و آوردن تخت بلقیس برای سـلیمان (نمل/ ۳۸ - ۴۰). (۲)

تناسب معجزه با زمان:

پیـامبران الهی هنگام مبعوث شـدن مطابق شـرایط زمانی و مکانی و سـطح علمی مردم مطالبی در خور فهم آنان می آوردنـد و بیـان می کردنـد. حتی معجزات انبیـاء متناسب با علوم پیشـرفته زمان خودشان بود. تا مردم فرزانه زودتر و بهتر معجزات آنان را درک کنند و ایمان آورند.

ص:۸۹

۱- (۱) . برای اطلاعات بیشتر ر.ک: اسـتاد مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۲۶۵ و نیز تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵ و کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی و خواجه طوسی، ص ۳۵۱

۲- (۲) . همان ها.

یعنی هر پیامبری با خارق عادتی، از نوع پیشرفته ترین علوم زمان خویش مجهّز بوده است تا ارتباط او با عالم ماوراء طبیعت روشن تر گردد. و دانشمندان عصر در برابر آن خضوع و به حقانیت آن اعتراف کنند.

در حدیثی آمده که از امام رضا(علیه السلام) پرسیدند: که چرا هر پیامبری نوعی از معجزات داشته است. حضرت فرمودند:

«در عصر موسی سحر غالب بود و موسی (علیه السلام) عملی انجام داد که همه ی ساحران در برابر آن عاجز ماندند در زمان مسیح و محیط دعوت او پزشکان مهارت فوق العاده ای در معالجه بیماران داشتند، عیسی با درمان بیماران غیر قابل علاج، بدون استفاده از وسایل مادی، حقانیت خود را به ثبوت رساند.

و در عصر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) غالب بر اهل زمان ادبیات (خطبه ها، کلام و شعر) بود. و پیامبر(صلی الله علیه و آله) از طرف خدا مواعظ و حکمت هایی آورد که سخنان آنان را باطل کرد و حجّت بر آنها تمام شد.» (۱)

البته معنای این حدیث این نیست که قرآن کریم فقط از جهت فصاحت و بلاغت معجزه است بلکه از آنجا که معجزه ای جاویدان و برای همه زمان و مکان ها و مردم تا قیامت است. ابعاد اعجاز قرآن متنوع است و برای هر مردمی جنبه ای از اعجاز آن تبلور می یابد و درخشش دارد.

۱- (۱) . کافی، ج ۱، ص ۴ – ۵ و علامه مجلسی(ره)، بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۹ و ج ۱۷، ص ۲۱۰ و نیز استاد مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۸ – ۴۱۹.

پرسش:

منابعی در زمینه قرآن و علم و سیر مطالعاتی آن معرفی کنید.

پاسخ:

سیر مطالعاتی در زمینه قرآن و علم

مرحله اول: آشنایی با مطالب قرآن و علم: ۱. رابطه علم و دین، عباسعلی سرفرازی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲. پیش گوئی های علمی قرآن، مصطفی زمانی، انتشارات پیام اسلام.

۳. مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دکتر موریس بوکای، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴. آشنایی با تفسیر علمی قرآن، محمدعلی رضایی و ناصر رفیعی، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه ی علمیه.

۵. شگفتی هائی از اعجاز در قرآن کریم، محمد جمال الدین الفندی، ترجمه حسین میردامادی، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.

۶. استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی - علیرضا نیکبخت نصرآبادی، نشر قبله.

۷. قرآن و علم امروز، عبدالغنی خطیب، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، موسسه مطبوعاتی عطایی.

۸. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات مشهور.

ص:۹۱

مرحله دوم: شناخت اعجاز علمی قرآن و نقد و بررسی موارد و مبانی آن:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (دو جلد)، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین.

۲. اشارات علمی اعجازآمیز قرآن، همان، نشر معارف.

۳. اعجاز قرآن، سید محمدحسین طباطبایی، بنیاد فکری علامه طباطبایی.

مرحله سوم: شناخت تاریخچه تفسیر علمی و رابطه علم و دین و حوزه ها و قلمرو و تعارضات ادعایی و راهکارهای آنها:

۱. درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه.

۲. تفسیر علمی قرآن، دکتر ناصر رفیعی محمدی.

۳. رابطه علم و دین، محمدعلی رضائی اصفهانی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۴. التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دکتر عمر ابو حجر، دارقتیبه، بیروت.

۵. قرآن و علوم طبیعت، دکتر مهدی گلشنی، امیرکبیر.

مرحله چهارم: شناخت عمیق رابطه قرآن و یکی از علوم انسانی یا طبیعی:

۱. طب در قرآن، دکتر دیاب و دکتر قرقوز، ترجمه علی چراغی، انتشارات صحفی.

۲. داروینیسم یا تکامل انواع، جعفر سبحانی، انتشارات توحید.

۳. تکامل در قرآن، علی مشکینی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۴. دانش عصر فضا، حسین نوری، نشر مرتضی.

۵. قرآن و روان شناسی، محمد عثمان نجاتی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

۶. الالوان فی القرآن الکریم، عبدالمنعم الهاشمی، ابن حزم.

۷. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر سید رضا پاک نژاد، چاپ اسلامیه.

۸. فلسفه احکام، احمد اهتمام، چاپخانه اسلام، اصفهان.

ص:۹۲

۹. اعجاز قرآن، تحلیل آماری حروف مقطعه، رشاد خلیفه، سازمان چاپ دانشگاه شیراز.

۱۰. اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، عبدالعزیز اسماعیل پاشا، سید غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان.

۱۱. نگاهی قرآنی به فشار روانی، اسحاق حسینی کوهساری، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ص:۹۳

پرسش:

لطفاً نشانی پایگاههای شبکه جهانی (اینترنت) و نرم افزارهای قرآنی را معرفی کنید.

پاسخ:

برخی از پایگاه های قرآنی با رویکرد تفسیری و پژوهشی در موضوعات قرآنی:

۱. دایرهٔ المعارف قرآن در پایگاه حوزه:

نشانی:

WWW.hawzeh.net قرآن و ترجمه، علوم قرآنی، تفسیر موضوعی و ترتیبی، دایرهٔ المعارف قرآن و اهل بیت و ... زبان: فارسی

۲. پایگاه مرکز جهانی آل البیت(علیه السلام):

نشانی:

WWW.quran-al.shia.com جستجو در قرآن، ارائه متن تفاسیر، طرح مباحث مختلف پیرامون قرآن و ... زبان: فارسی (و ۲۳ زبان دیگر)

۳. قرآن در پایگاه غدیر:

نشانی:

WWW.qhadeer.org متن کامل ترجمه تفسیر المیزان، تفسیر نمونه، آثار تفسیری شهید مطهری و ... زبان: فارسی

۴. مرکز فعالیت ها و پژوهش های قرآن و عترت:

نشانی:

WWW.tasnimnet.net

ص:۹۵

معرفی هزار پایان نامه دکترا و ارشد با موضوع قرآن

زبان: فارسی، عربی و انگلیسی

۵. قرآن در جست و جو گر پایگاه های شیعی

نشانی:

WWW.shiasearch.com در بخش قرآن کریم معرفی ۱۳۴ پایگاه اسلامی و قرآنی اینترنت به صورت کاملاً تفصیلی و با فهرست جزئیات هر پایگاه. زبان: فارسی، عربی، انگلیسی، اردو.

۶. پایگاه قرآن کریم:

نشانی:

WWW.holyquran.net تفسیر قرآن، مقالاتی در زمینه قرآن و ... زبان: عربی

۷. کتابخانه ی قرآنی:

نشانی:

WWW.al-shia.com/html/far/qur/kotob.htm ارائه تعداد زیادی از کتاب های تفسیری و علوم قرآنی زبان: فارسی

۸. قرآن برای نوجوانان:

نشانی:

WWW.playandlearn.org/quran/inde.htm شامل کتاب های کوچک و جذاب قرآنی برای کودکان و نوجوانان زبان: انگلیسی

۹. پایگاه قرآن و علم: (مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی)

نشانی:

WWW.quransc.com Email: info

quransc.com

quran

quransc.com

معرفی چند نرم افزار قرآنی:

۱. جامع التفاسیر

لوح فشرده اختصاصی در موضوع تفسیر و علوم قرآنی، در بردارنده ۶۰ دوره منبع تفسیری، همراه امکانات جانبی صوت، نمایش قرآن و ...

۲. صراط

دارای موضوع نگاری ۲۰ دوره تفسیر، گزارش موضوعات تفاسیر به روش الفبایی - موضوعی، شناخت تفاسیر، سبک تفسیری و ...

۳. نورالانوار (۲)

دارای ۹ تفسیر فارسی و عربی، با قابلیت جست و جوی واژه ها در متن تفاسیر.

منبع جهت مطالعه:

فصلنامه پژوهش و حوزه شمارگان ۱۹ و ۲۰، سال پنجم، شماره ی سوم و چهارم، دو مقاله ی پژوهش گاه های قرآنی در اینترنت و نگاهی به نرم افزارهای پژوهشی قرآنی، اثر محمد خامه گر.

ص:۹۷

پرسش:

فهرستی از موضوعات تحقیقی در مورد قرآن و علم همراه با منابع ارائه فرمایید؟

پاسخ:

اول: کلیات

۱. قرآن و علم (رابطه، قلمرو، توهم تعارض و راهکارها)

۲. شمارگان آیات علمی قرآن و تقسیم بندی های دلالت آنها

۳. اعجاز علمی قرآن (تعریف و موارد آن)

۴. مبانی تفسیر علمی قرآن

۵. نظریه پردازی های علمی قرآن (وجود موجودات در آسمان ها - گسترش جهان و...)

۶. سیر تاریخی تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن

۷. بررسی ادعاهای جدید در مورد اعجاز علمی قرآن

۸. کتاب شناسی توصیفی تفسیر علمی

۹. اعجازهای علمی قرآن در تفسیر نمونه

۱۰. تفسیر آیات علمی قرآن در تفسیر نمونه

۱۱. تفسیر علمی در احادیث تفسیری فریقین

۱۲. آسیب شناسی تفسیر علمی قرآن در تفاسیر قرن سیزدهم - قرن چهاردهم

۱۳. نقد و بررسی برخی کتاب های تفسیر علمی و اعجاز علمی

۱۴. نقد و بررسی تفسیر الجواهر طنطاوی

ص:۹۹

۱۵. نقد و بررسی تفسیر القرآن هوالهدی و الفرقان (سر سید احمد خان هندی)

۱۶. روش شناسی تفسیر علمی قرآن

۱۷. بررسی تاثیرات تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن در هدایت افراد

۱۸. ترجمه و بررسی مقاله قرآن و علم در دائرة المعارف قرآن لیدن

۱۹. ترجمه و نقد دو مقاله تفسیر در عهد باستان و تفسیر در عهد جدید دائرة المعارف قرآن لیدن

۲۰. تفسیر علمی قرآن از منظر خاورشناسان.

۲۱. سرچشمه های تفسیر علمی دراحادیث اهل بیت(علیه السلام)

دوم: علوم طبیعی

۱. قرآن و کیهان شناسی

الف. بررسی آیات و احادیث کیهان شناسی

ب. بررسی هفت آسمان در قرآن و حدیث

۲. قرآن و زمین شناسی

۳. قرآن و زیست شناسی

۴. قرآن و گیاه شناسی

۵. قرآن و علوم پزشکی

الف. بررسی احادیث طبی

ب. مراحل آفرینش انسان

ج. اسرار علمی غذاهای حرام در قرآن

د. اسرار علمی غذاهای حلال (طیّب) در قرآن

ه- . تغذیه از منظر قرآن

و. شراب از منظر قرآن، حدیث و علم

۶. قرآن و محیط زیست

۷. قرآن و فیزیک (موضوع نیروی جاذبه و رنگ و نور در قرآن)

۸. قرآن و علوم فرا روان شناسی (هپنیوتیزم، تله پاتی، سحر، چشم زخم و...)

ص:۱۰۰

۹. بررسی اعجاز ریاضی قرآن

۱۰. قرآن و نظریه تکامل

۱۱. آفرینش جهان از منظر قرآن و علم

۱۲. پایان جهان از منظر قرآن و علم

۱۳. بهداشت جسمی در قرآن

الف. بررسی بهداشت جسمانی در قرآن و حدیث

۱۴. شفا بودن عسل

سوم: علوم انسانی

۱. قرآن و مدیریت

۲. قرآن و اقتصاد

۳. قرآن و جامعه شناسی

۴. ربا از منظر قرآن، حدیث و علم

۵. قرآن و تاریخ

الف. اخبار غیبی اعجازآمیز قرآن

ب. روش قصه گویی قرآن

۶. قرآن و جامعه شناسی

۷. سنت های الهی در قرآن و رابطه آن با جامعه شناسی

۸. قرآن و روانشناسی

الف. عوامل آرامش روانی از منظر قرآن

ب. عوامل فشار روانی از منظر قرآن

۹. روانشناسی رنگ ها در قرآن

۱۰. قرآن و علوم تربیتی

۱۱. قرآن و اخلاق و فرا اخلاق

۱۲. قرآن و تربیت کودک

ص:۱۰۱

۱۳. قرآن و حقوق کودک

۱۴. قرآن و مبانی حقوق

۱۵. قرآن و اعلامیه حقوق بشر

۱۶. اعجاز تشریعی قرآن

۱۷. قرآن و بهداشت روان

۱۸. بررسی موضوعات خاص بهداشت روان:

الف. توکل و بهداشت روان

ب. ذکر و بهداشت روان

ج. حجاب و بهداشت روان

د. قرائت قرآن و بهداشت روان

ه- . تأیید محتوای قرآن بر بهداشت روانی

۱۹. شفا بودن قرآن (شفای دردهای جسمی و روحی)

۲۰. قرآن و فرهنگ و تمدن (فرهنگ آفرینی قرآن)

۲۱. قرآن و هنر

۲۲. قرآن و معماری

۲۳. قرآن و صنعت

۲۴. قرآن و آموزه های نظامی

۲۵. قرآن و سیاست

الف. مبانی سیاست در قرآن

ب. نظام سیاسی از منظر قرآن

ج. آیات سیاسی قرآن

۲۶. قرآن و انقلاب (انقلاب موسی و...)

۲۷. قرآن و معرفت شناسی

۲۸. قرآن و علم کلام

۲۹. قرآن و فلسفه

کتاب شناسی قرآن و علم

جهت مطالعه علاقه مندان به مباحث قرآن و علوم تجربی

ص:١٠٧

فصل دوم: قرآن و علوم پزشکی

اشاره

ص:۱۰۹

پرسش:

چنـــد آیه در قرآن کریم، اختصاص به مسائل پزشــکی دارد؟ و کدامیک از آنها دارای اعجاز علمی هســتند؟ لطفاً منابعی برای مطالعه معرفی نمایید.

پاسخ:

آیاتی را که درباره ی پزشکی وارد شده، می توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. آیاتی که به اعجاز علمی قرآن اشاره می کند.

۲. آیاتی که از شگفتی های علمی قرآن به شمار می آید.

۳. آیاتی که از اشارات علمی قرآن به مسایل پزشکی محسوب می شود.

۱. آیات اعجاز علمی قرآن:

الف: چینش مراحل خلقت انسان:

ص:۱۱۱

۲. شگفتی های علمی قرآن در زمینه ی پزشکی:

ص:۱۱۳

۳. اشارات علمی قرآن در زمینه ی پزشکی:

ص:۱۱۴

۲. اشارات علمی اعجازآمیز قرآن، همان، دفتر نشر معارف.

۳. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی، نیازمند شیرازی، چاپ میهن.

۴. طب در قرآن، عبدالحمید دیاب، احمد قرقوز، مؤسسه ی علوم قرآن.

۵. اوّلین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد، ج ۴ و ۵ و ۶، کتابفروشی اسلامی.

ص:۱۱۵

۶. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات عطرآگین.

۷. اسلام پزشک بی دارو، احمد امین شیرازی، انتشارات اسلامی.

۸. التمهید، محمدهادی معرفت، ج ۶، نشر اسلامی.

ص:۱۱۶

پرسش:

آیا طب اسلامی و قرآنی از طب جالینوس و بقراط متأثر شده است ؟

پاسخ:

قبل از پاسخ توجه به چند نکته ضروری است:

اوّل: هـدف نزول قرآن، تربیت معنوی و هـدایت انسـان هـا به سوی سـعادت و کمـال است، و در این راه نیـازی به بیان همه ی معارف تجربی و غیرتجربی برای بشـر نیست؛ چون انسان دارای عقل و احساس است و خود می توانـد مسائل تجربی و علوم را به دست آورد. بنابراین منظور از «تِبْیاناً لِکُلِّ شَیْ ءٍ؛ (۱) قرآن بیان کننده ی همه چیز است» مقصود همه ی آن چیزهایی است که در راستای هدایت معنوی بشر باشد، نه علوم تجربی و پزشکی. (۲)

ذکر بعضـی از مسائل علمی و پزشـکی در قرآن به صورت اشاره و فرعی است و موضوعیت ندارد و هدف قرآن از بیان مسائل علمی و پزشکی این است که:

راه خداشناسی را هموار کند؛

و کنجکاوی بشر در معارف قرآن را تحریک نماید؛

و همچنین مسلمانان را،به علم و مطالب علمی تشویق نماید. (۳)

دوم: قرآن کریم با علوم و فرهنگ عصر خویش برخورد سه گانه ای داشته است:

ص:۱۱۸

۱- (۱) . نحل / ۸۹

۲- (۲) . تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، بنیاد علمی و فکری علامه، ج ۱۲، ص ۴۹۵

۳- (۳) ر.ک: درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات اسوه، ص ۱۷۷.

۱. برخورد انکاری؛ ۲. برخورد اثباتی؛ ۳. برخورد اصلاحی.

قرآن وحی الهی و معجزه ی جاویدان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) است و ممکن نیست علوم بی پایه و خرافی را در خود جای دهد، «لَا یَأْتِیهِ الْبَاطِلُ مِن بَیْنِ یَدَیْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ؛ (۱) که هیچ گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی آید.»

بنابراین قرآن و روایت صحیح، مطالب علمی و پزشکی بی پایه و نادرست را در خود جای نداده اند. (۲) علاوه بر آن، ترجمه ی متون طب جالینوس و بقراط، تا زمان پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) در جزیره العرب مرسوم نبوده تا قرآن از آن متأثر شده باشد.

سوم: قرآن کتاب پزشکی و بهداشتی نیست تا از آن انتظار علم پزشکی داشته باشیم. اما برای تفکّر در آیات الهی و... بعضی از مسائل مانند: جنین شناسی، انگشت نگاری، شفاگری عسل و بهداشت جسمی و روانی و تغذیه و ... را مطرح کرده امّا نه به صورت دائرة المعارف پزشکی، بلکه به صورت کنایه و اشاره ای و در بعضی موارد نیز به صورت مبهم گذشته است.

مطالب مطرح شده در قرآن با علم قطعی روز مطابقت دارد و هیچ گونه تعارضی ندارد و بعضی از مسائل پزشکی قرآن در زمان طب جالینوس موضوعیت نداشت؛ ولی امروزه با آزمایش های پیشرفته موضوعیت پیدا کرده است.

چهارم: جابجایی علم بین تمدّن ها و مناطق زمین از جمله بین شرق و غرب سابقه ای طولانی دارد (که در ادامه اشاره می کنیم) و این یک امر طبیعی است که ملت ها علوم را به همدیگر وام می دهند.

با این مقدمه، به معرفی طب جالینوس و برخورد مسلمانان با آن می پردازیم.

۱- (۱) . فصلت / ۴۲

۲- (۲) . قرآن و فرهنگ زمانه، حسن رضا رضایی، مرکز مطالعات و پژوهش های حوزه علمیه قم، چ ۱، ۱۳۸۳، ص ۲۲ به بعد.

طب جالینوس و بقراط و تاثیر آن بر طب اسلامی:

«بُقراط» یا «ابقراط»، طبیب بزرگ یونانی (۲۵۰۰ (Hippocrlle سال قبل می زیست. هر چند نوشته های بقراطی به طور گسترده مورد استفاده ی برخی پزشکان مسلمان قرار گرفت؛ امّا به طور کل تأثیر تعیین کننده و مستقیم نوشته های جالینوس را نداشت. از این رو در این مقاله به تأثیر طب جالینوس بر طب اسلامی می پردازیم:

«جالینوس» (۱۳۱ – ۲۰۱ م) در زمان «مارک اورل»، امپراطور روم می زیست. ایشان در ابتدا به سوی فلسفه رفت و بعد به طب روی آورد و شروع به آموختن آن کرد و برای تکمیل داروشناسی به جزیره ی «قبرس» و سپس به «فلسطین» رفت.

قریب به ۱۰۰ جلد (بعضی تا ۴۰۰ جلد نیز گفته اند) کتاب و رساله دارد و مهمترین آنها ستهٔ عشر (شانزده کتاب) جالینوس است. (۱)

از سال ۴۵۷ م دولت روم، نسطوره ها (۲) را از قلمرو خود راند و در سال ۴۸۱ میلادی رسماً مرکز علمی این فرقه را بست و سپس رؤسای روحانی نسطوری آن مرکز را در نصیبین قرار دادند. پس از آن نسطوریان به سوی مشرق و به ویژه قلمرو ایران انتقال یافتند. مرکز روحانی نسطوریان بعدها در ۴۹۸ م به پایتخت ایران، یعنی سلوکیه و تیسفون منتقل شد. آنها مرکز علم خود را در جندی شاپور برقرار نمودند و در آنجا یک مدرسه ی طبی دایر شد که در آن علم طب یونانی – که حامل آن نسطوریان روم بودند – و طب هندی – که از سواحل سند به آنجا راه یافت – آمیخته شد. جندی شاپور یک بیمارستان و یک دانشکده ی پزشکی مهم داشت. (۳)

ص:۱۲۰

۱- (۱) . ر . ك: تاریخ طب ایران پس از اسلام، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، ص ۲۵ – ۱۵

۲- (۲) . نسطوریان یا نساطره، عده ای از دانشمندان تابع نسطوریوس بزرگ قسطنطنیه بودند

۳- (۳) . ر.ك: پویای فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران، ۱۳۸۲، چ ۱، ج ۱، ص ۲۱۶.

در واقع علم طب به معنای معروف آن در دوره ی اسلامی، با ترجمه ی کتاب های یونانی و هندی آغاز شده است. همچنین مرکزی به نام «بیت الحکمه» برای ترجمه ی متون خارجی در بغداد تأسیس شد.

برای مثال: حنین بن اسحاق عبادی از مسیحیان نسطوره ای، از اهل حیره در جنوب عراق بود و ده سال قبل از مرگ خود نوشت: از آثار جالینوس ۹۵ اثر را به سریانی و ۳۴ اثر را به عربی برگردانده است، ایشان نقش بسزایی در تکوین واژگان علمی و پزشکی کلاسیک اسلامی ایفا کرد. (۱)

در دوران خلفای عباسی، کار ترجمه در مقیاس بزرگی رونق گرفت. نظریه ها و اعمال پزشکی یونان و روم شرقی کاملاً پذیرفته شد، و در روش پزشکی افراد جای گرفت. این روش تا پایان سده ی سوم ادامه داشت.

در سده ی سوم هجری نوع تازه ای از نوشته های پزشکی پدید آمد، که «الطب النبوی» نامیده می شد.

و هدف از تدوین آن، ارائه ی راه دیگری در برابر نظام های پزشکی موجود بود که منحصراً بر پایه ی پزشکی یونان قرار داشت.

مؤلفان این نوشته ها، بیشتر عالمان دینی بودند تا پزشک، و روش های پزشکی زمان پیامبر(صلی الله علیه و آله) و قرآن و حدیث را از طب یونانی برتر می دانستند. و گاهی آنها دو رویکرد را در هم می آمیختند. (۲) مانند: «رساله ی مختصر فی طب» از ابن حبیب اندلسی (۱۷۴ ه-)، «طب الرضا» و «الطب النبوی» از ابی عاصم (۲۸۷ ق) (۳).

۱- (۱) همان، ص ۲۱۷

۲- (۲) . همان، ص ۲۱۸

۳- (۳) . مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸ - ۱۷، سال پنجم، مقاله نگارش احادیث طبی، ص ۱۱۵ - ۱۱۰.

برخورد پزشکان مسلمان با طب جالینوس:

علم طب اسلامی در جوی از ستایش و تحسین برای بقراط و با الهام مستقیم از تعالیم جالینوس پیشرفت کرده است. (۱) مقام جالینوس در میان پزشکان مسلمان آنقدر با اهمیت بود که تمام آثار وی را به زبان عربی ترجمه کردند و نظرات او با اهمیت تلقّی می شد، و پزشکان مسلمان خود را شاگرد جالینوس می دانسته اند.

مهم ترین کاری که پزشکان مسلمان برای پیشرفت طب جالینوس انجام دادند به شرح ذیل است.

۱. طب پراکنده و مشوش یونانی را مرتب نمودند.

۲. طب را از صورت نظری بیرون آورده و طب عملی و تجربی را ایجاد کردند.

۳. علم امراض را توسعه داده و بسیاری از بیماری ها را که تا آن زمان از آنها اطلاعاتی در دست نبود در علم طب وارد کردند.

۴. اثر داروها را در طب براساس «وظایف الاعضاء» بررسی کردند و به نتایج قابل توجهی دست یافتند. (۲)

هر چند طب جالینوس و بقراط در میان مسلمانان حاکم بود اما بسیاری از مسایل پزشکان مسلمان که در مواجهه با بیماران خود با آن روبرو بودند؛ اختصاص به سرزمین اسلامی و شرایط خاص آن داشت، و در نوشته های یونانی از آن ذکری به میان نیامده بود.

درباره ی گیاهان دارویی نیز در کتاب «حشائش» دیوسکور یدس، ۵۰۰ گیاه بررسی شده، امّا در کتاب «الحاوی» زکریا، ۷۰۰ گیاه و در کتاب «الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه» ۱۴۰۰ گیاه بررسی شده است.

۱- (۱) تاریخ طب در ایران پس از اسلام، همان، ص ۲۵

۲- (۲) . طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۳۷، چ ۱، ص ۱۵.

کتاب «قانون» ابن سینا پس از ترجمه به زبان لاتین، مورد توجه دانشمندان و پزشکان غرب قرار گرفت. اهمیت «قانون» در این است که پیش از آن که در پزشکی تابع آرای جالینوس باشد؛ با آرای جالینوس و ارسطو در تقابل است. (۱)

جناب محمد بن زکریای رازی (۲۵۱ - ۳۱۳ ق) کتابی در رد نظریه های جالینوس به نام «الشکوک علی الجالینوس» (۲) به نگارش درآورد که در مقدمه ی آن می گوید: «مقام جالینوس بر هیچکس پوشیده نیست ممکن است بعضی از کوته نظران مرا مذمّت کنند ولی فیلسوف و حکیم بر من خرده نخواهد گرفت، به دلیل آنکه در حکمت و فلسفه جایز نیست و می بایست از روی دلیل و برهان گفتگو به عمل آید و اگر شخص جالینوس زنده بود مرا به خاطر این تألیفات، ستایش می کرد.» (۳)

همچنین ایشان آرای جالینوس را درباره ی دیدن، شنیدن، رسیدن شعاعات نوری از جسم به چشم، نقد کرده است.

و ابونصر فارابی نیز در کتاب «الرد علی الجالینوس فیما نقض علی ارسطاطیس لاعضاء الانسان» نظرات جالینوس را به نقد کشید. (۴)

همچنین ابن نفیس دمشقی (قرن ششم) نظرات جالینوس را در مورد گردش خون مورد نقد قرار داده است.

نتیجه گیری:

۱. قرآن وحی الهی است و هیچ تفکر بشری حتی پیامبر(صلی الله علیه و آله) در محتوا و نقل آن دخالتی ندارد و از هیچ علم و فرهنگی متأثر نشده است؛ چون خود ریشه و

۱- (۱) . پویای فرهنگ و تمدن اسلامی، همان، ج ۱، ص ۲۳۴

۲- (۲) . انتشارات موسسه مطالعات اسلامی، تهران، ۱۳۷۲ ش

۳- (۳) . به نقل از طب اسلامی، ادوارد براون، همان، ص ۱۳

۴- (۴) . فوائد سزگین، تاریخ نگارش های عربی، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۴۱۷.

مبـدا افـاضه ی علـوم است. و همچنین روایـات صـحیح معصومین(علیه السـلام) که منشأ آن قرآن است؛ از زبـان معصومی که حامل علم لدنی است صادر شده است.

۲. قرآن کتـاب پزشـکی نیست؛ ولی بعضـی از مسائـل پزشـکی را به صورت کنایه و اشاره ای بیان کرده است و با جدیـدترین نظریات پزشکی، مطابقت دارد.

۳. جابجایی علمی از منطقه ای از جهان به منطقه ی دیگر، امری طبیعی است و بارها علم پزشـکی بین شرق و غرب تبادل شده است.

۴. طب جالینوس تأثیر بسـزایی بر پزشکان مسلمان گذاشت نه بر قرآن و احادیث صحیح؛ تا جایی که پزشکان مسلمان پیشرفت خود را مـدیون متون ترجمه شـده ی «جـالینوس و بقراط» می داننـد. امـا از قرن سوم به بعـد، مسـلمانان با الهام از وحی الهی و احادیث و تجربه های فراوان در زمینه ی پزشکی با توجه به شرایط جغرافیایی و انسانی، به پیشرفت های قابل ملاحظه ای دست یافتند، که به «عصـر طلایی» معروف شد. و نظرات جالینوس را به نقد کشـیده اند و دیدگاه های ابتدایی او را «تقویت»، «رد» و یا «اصلاح» نمودند.

معرفی کتاب:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱.

۲. تاریخ طب در ایران پس از اسلام، نجم آبادی.

۳. طب اسلامی، ادوارد براون، ترجمه از رجب نیا.

ص:۱۲۴

پرسش:

تاریخچه طب اسلامی را بیان کنید؟

پاسخ:

آغاز پزشکی، دارای تاریخ معین نمی باشد و نظرات مختلفی درباره آن ارائه شده است. عده ای «هرمس لول» (ارس یا همان ادریس پیامبر) را به عنوان بنیانگذار پزشکی و طب معرفی نموده اند و برخی دیگر به تمدن های بابل، یمن، مصر، فارس، هند، یونان و ... نسبت داده اند و بعضی می گویند: پزشکی به صورت یک هنر آغاز شد و در طی قرن ها به شکل یک علم در آمد.

ولی معلوم است که تاریخ پزشکی با تاریخ آفرینش انسان گره خورده زیرا درد و بیماری از انسان جدا شدنی نبوده است. اما به صورت مدوّن و کلاسیک در زمان جالینوس (۲۰۱ میلادی) و بقراط و افلاطون نظمی به خود بخشیده (۱) و با ظهور اسلام در شبه جزیره ی عربستان رشته ی پزشکی شکوفایی فزاینده ای به خود گرفته است.

قرآن و روایات معصومین:

علاوه بر تشویق به کلیات علم، به فراگیری یک علم خاص نیز توصیه می کردند. برای مثال از آنها حکایت شده که علم پزشکی را هم ردیف علم دین

ص:۱۲۶

۱- (۱) . جالینوس و بقراط معتقدند: پزشکی با الهام از سوی خداوند به افراد و پزشکان - در حالت رویا یا ظهور روشی برای درمان درد - ایجاد شده است. و افلاطون پزشکی را به صورت قیاسی و تجربه می داند. (ر.ک: نگرش نوین به طب، دکتر غلامرضا نور محمدی، ص ۱۰ - ۵، مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸ - ۱۷. سال پنجم.)

قرار داده اند: «العلم علمان، علم الادیان و علم الابدان» (۱) و در این باره توصیه های مؤکّد بهداشتی و درمانی معصومین(علیه السلام) به صورت مجموعه های پزشکی و بهداشتی مدون شده که از جمله: «طب النبی»، «طب الصادق» و «طلب الرضا» مشهور است و دانشمندان مسلمان اعم از؛ سنی و شیعه کتاب های فراوانی در مورد احادیث طبی به نگارش در آوردند که خود زمینه ی رشد و شکوفایی پزشکی در بین مسلمانان شده است. (۲)

مراحل رشد پزشکی در اسلام

با نگاهی گذرا می توان دوران ظهور اسلام در عرصه ی پزشکی را به چهار مرحله تقسیم نمود:

مرحله ی اول:

ابتدای ظهور دین اسلام تا سال ۱۳۳ هجری قمری (۷۵۰ میلادی) که شامل پزشکی در دوران نبوت، خلفا و عصر اموی بوده است.

در این دوره به علّت نو پا بودن حکومت اسلامی و گسترش ممالك اسلامی به علم پزشکی توجه چندانی نشد و در نتیجه نام پزشك مسلمان برجسته ای گزارش نشده است.

در دوران حیات رسول اکرم(صلی الله علیه و آله) افراد زیر به عنوان پزشك مطرح بودند:

الف. شمردل بن قباب کعبی نجرانی: وی نبوت پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) را پذیرفت و مسلمان شد.

ب. ضماد بن ثعلبه ازدی: ایشان نیز در زمان پیامبر مسلمان شد.

د. ابن ابی رمثه تمیمی: ایشان در جراحی مهارت داشت.

۱- (۱) . بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۰

۲- (۲) . ر.ك: نگارش احادیث طبی، دکتر غلامرضا نورمحمدی، ص ۱۱۰، مجله پژوهش حوزه، سال پنجم، ۱۸ - ۱۷.

دوران اموی:

الف. تیاذوق: وی یکی از پزشکان مسیحی دراواخر قرن اول هجری بوده است. وی طبیب مخصوص حجاج بن یوسف ثقفی بود و در سال ۹۰ ه- . ق، در شهر واسط درگذشت. کتاب «ابدال الادویه و کناش» از تالیف های اوست.

ب. ابن آثال: طبیب مخصوص معاویه بود، و ریاست پزشکان شام را به عهده داشته، و در علم خواص ادویه و ترکیب سموم کشنده، بسیار ماهر بوده است. معاویه از سموم ساخته شده این طبیب برای شهادت امام حسن مجتبی(علیه السلام)، مالک اشتر نخعی، عبدالرحمن بن خالد بن ولید بهره برد.

مرحله ی دوم:

این مرحله همزمان با دوران عباسی است که از سال ۱۳۳ هجری قمری (۷۵۰ میلادی) تا سال ۲۸۷ ه- . ق (۹۰۰ م) را فرا می گیرد و به دو بخش تقسیم می گردد.

الف. عصر ترجمه: تاسیس بیت الحکمه، در زمان هارون، که افراد فراوانی به ترجمه ی آثار تمدن یونانی، رومی و هندی روی آوردند و سرآمد آنان ابوزید حنین بن اسحاق عبادی (۱) و فرزندش اسحاق بن حنین بوده است.

ب. عصر تالیف: پس از ترجمه ی آثار پزشکی، افرادی به صورت پراکنده به تالیف کتاب های پزشکی پرداختند. آغاز عصر تالیف با نام «ابوالحسن علی بن

۱- (۱) . ایشان از مسیحیان نسطوره ای اهل حیره در جنوب بغداد بود و متن ها را به عربی و سریانی ترجمه می کرد و ۹۵ اثر از جالینوس را به سریانی و ۳۴ اثر او را به عربی ترجمه کرد، و نقش بسزایی در تکوین واژگان علمی و پزشکی کلاسیک اسلامی ایفا کرد. (پویای فرهنگ، ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۷)

سهل بن طبری» (۱) گره خورده است. کتاب «فردوس الحکمه ی» او، شروع حرکت نوین، در پزشکی تمدّن اسلامی می باشد. (۲)

مرحله ی سوم:

این دوران، عصر طلایی پزشکان مسلمان است که از سال ۲۸۷ تا ۷۰۰ هجری قمری (۹۰۰ - ۱۳۰۰ م) را در بر می گیرد. بیشترین پزشکان و نوآوری ها و بالاترین رشد را در این دوره داشتند و تمام دانشمندان غرب، این دوره را «عصر طلایی» رشد مسلمانان نامیده اند؛ تا جایی که دکتر «جی ای پارک» می گوید:

«در حالی که اروپائیان در دوران سیاه به سر می بردند، مسلمانان در بقیه ی نقاط متمدن جهان به پیش می رفتند، آنان در بغداد، دمشق، قاهره و دیگر شهرها مدارس پزشکی و بیمارستان بر پا می کردند. آنها مشعل فروزانی از دانش پزشکی بر افروختند.

بیش از ۶۰ بیمارستان در بغداد و ۳۳ بیمارستان در قاهره ساخته شد. در حالی که در اروپا اولین بیمارستان در سال ۱۷۹۳ م در شهر یورک انگلستان بناشد. (۳)»

لازم به ذکر است پزشکان مشهور مانند ابن سینا، رازی، اهوازی، جرجانی و ... در این دوره بودند.

مرحله ی چهارم:

این مرحله دوران افول دانش پزشکی مسلمانان است که علل و عوامل زیادی مانند: جنگ ها، اختلافات مذهبی، فرار دانشمندان به نقاط دیگر، آتش زدن

۱- (۱) . ایشان در خدمت معتصم، واثق و متوکل عباسی بود. (۲۳۰ ه- . ق)

۲- (۲) . ر.ک: دوران تالیف و تصنیف کتب طبی در تمدن اسلام و ایران، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، ۱۳۵۷

۳- (۳) . پزشکی پیشگیری اجتماعی، جی ای پارک، پارک، ج ۲، ص ۹. به نقل از غلام رضا نورمحمدی، مفهوم طب اسلامی، ص ۲۲.

کتابخانه ها و ... سبب سستی و شروع انحطاط مسلمانان شده است. و از قرن شانزدهم میلادی طلوع علوم پزشکی در غرب آغاز شد، و نهضت احیای علم پزشکی راه اندازی گردید. (۱)

نتیجه:

حاصل سخن اینکه، طب اسلامی از ترجمه ی متون آثار یونانی و هندی شروع شده، امّا با توجه به وجود قرآن در بین مسلمانان و توصیه به فراگیری علم و بیان برخی مطالب پزشکی مانند: مراحل خلقت انسان و... موجب تحریک و کنجکاوی بشر درباره ی مسائل پزشکی شد، و همچنین می توان گفت: مطرح نمودن بحث شفاء مانند: قرآن و عسل و وجود احادیث طبی و ... عامل رشد پزشکی در تمدن اسلامی بوده و «عصر طلائی پزشکی» را از سال ۲۸۷ تا ۷۰۰ ه- به وجود آورده است.

برای مطالعه بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمایید:

۱. ادوارد براون، طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، انتشارات بنگاه و نشر کتاب.

۲. تاریخ پزشکی ایران، الگود سیریل، ترجمه باهر فرقانی، امیرکبیر.

۳. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، فردوس.

۴. تاریخ طب در ایران پس از اسلام، محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران.

۵. پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱.

۶. مجله پژوهش حوزه، شماره ۱۸ - ۱۷، سال پنجم، غلامرضا نورمحمدی، مقاله ای با نام نگرشی به مفهوم طب اسلامی.

۷. پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان از آغاز تا عصر حاضر، محمدتقی سرمدی، تهران، انتشارات سرمدی، اسفند ۱۳۷۹.

۱- (۱) . پارا سلوس (۱۵۴۱ - ۱۴۹۳ م) را احیا کننده ی پزشکی نوین می دانند. این فرد سوئیسی تمام آثار جالینوس و ابن سینا را به آتش کشید و بحث پژوهش عقلی را مطرح نمود

پرسش:

مهمترین پزشکان مسلمان و نوشته هایشان را بنویسید؟

پاسخ:

نام مهمترین پزشکان مسلمان همراه با آثارشان به شرح ذیل است:

۱. تیاذق، طبیب حجاج بن یوسف ثقفی (م ۹۰ ق):

درباره ی بیوگرافی او اطلاعات جزیی در دست است. برخی قصیده ی عربی درباره «حفظ الصحه» را به او نسبت داده انـد و ترجمه ی منظوم فارسی آن را به ابن سینا نسبت داده اند. این قطعه عربی ظاهراً مشتمل بر هشتاد بیت بوده است. (۱)

ابن ابی اصیبعه، یک کناش بزرگ و دو کتاب کبیر در تهیه ادویه و تفسیر اسامی ادویه را به او نسبت می دهد. (۲)

۲. حنین بن اسحاق عبادی، (قرن دوم):

ایشان از مسیحیان نسطوره ای اهل حیره در جنوب عراق بود و متون پزشکی را به عربی و سریانی ترجمه می کرد و از آثار جالینوس ۹۵ اثر را به سریانی و ۳۴ اثر را به عربی ترجمه کرد و رساله ای درباره ی چشم پزشکی دارد.

ص:۱۳۲

۱- (۱) . که با این بیت آغاز می شود: توق اذا استطعت ادخال مطعم علی مطعم من قبل فعل الهواظم تا طعامی نگذرد از معده به بالای آن هر طعامی کان خوری باشد تو را عین و زبان

۲- (۲) . ر.ک: تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۶.

تالیفات او: المسائل فی الطب المتعلمین، عشر مقالات فی العین، رساله ی چشم پزشکی. (۱)

۳. ابوالحسن علی بن سهل رَبَّن طبری (۲۴۰ ق):

ایشان روش های پزشکی یونانی و رومی را کتاب فردوس الحکمه در خلاصه کرد، و فصل جداگانه ای نیز به پزشکی هندی اختصاص داد، نظریات او در آسیب شناسی، طب بالینی، داروشناسی، اهمیّت فراوان دارد و این کتاب را در سال ۲۳۷ ق به متوکل خلیفه ی وقت اهدا کرد. (۲)

۴. علی بن عیسی، (سده سوم)

«تذکرهٔ الکحالین» را نوشت که حاوی ۱۳۰ بیماری چشم است.

۵. عمار موصلی (سده سوم)،

در «رساله ای در بیماری چشم»، ۴۸ بیماری را بحث کرد. او به شیوه ی در آوردن آب مروارید (کاتاراکت) از راه سوزن توخالی همراه با مکش اشاره دارد.

۶. ابوبکر محمد بن زکریای رازی (م ۳۱۱ ق)،

کتاب های او عبارتند از: المنصور فی الطب و کتاب الحاوی و...

رازی هم در طب و هم در کیمیا تبحّر داشت و در بغداد بیمارستانی تأسیس کرد. کتاب «الحاوی» او بزرگ ترین و جامع ترین کتاب طبی عصر خویش است. وی رساله ای برای تشخیص «آبله» و «سرخک» دارند که پیش از آن هیچ طبیب یونانی یا اسلامی درباره ی آن چیزی ننوشته اند و ۷۰۰ داروی گیاهی را شناسایی کرد. ایشان به نقد نظریات طب جالینوس پرداخت و مهم ترین آن ها درباره ی

۱- (۱) . ر.ک: فواد سزگین، تاریخ نگارش های عربی، پزشکی، ص ۴۵ - ۳۲۸، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، تاریخ تمدن، ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۷

۲- (۲) . پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۸.

دیدن، شنیدن، رسیدن شعاعات نوری از جسم به چشم و ... می باشد. (۱) و کتاب نقد آن به زبان لاتین از سال ۱۴۹۸ تا ۱۸۶۶ چهل بار تجدید چاپ شده است؛ و آقای «نویبورگ» این کتاب را زینتی برای طب اسلامی می داند. (۲)

۷. اخوینی بخاری (۳۷۳ ه- . ق)

صاحب «هدایهٔ المتعلمین فی الطب» می باشد] اولین پزشکی نامه [

۸. علی ابن عباس اهوازی: (م ۳۸۴ ه- . ق)

وی دارای کتاب «کامل الصناعه» است و این کتاب که طب ملکی نیز خوانده می شود؛ به نام ملک دیلمی عضد الدوله می باشد و در پنج قرن، مرجع طب در مدارس اروپاییان بود. ایشان اهمیت زیادی به «سیستم عروق شعریه» می دادند و مطالب زیادی به رشته ی تحریر در آوردند.

۹. ابن سینا (۴۲۷ ه- . ق):

وی دارای کتاب «القانون فی الطب» (دانشنامه پزشکی) است. کتاب قانون، مشتمل بر ۵ کتاب است؛ اصول عمومی پزشکی - مفردات پزشکی - بیماری های مخصوص بخش هایی از بدن - علایم امراض مانند: تب، داروهای مرکب.

کتاب قانون بعد از ترجمه ی لاتین، مورد توجه دانشمندان و پزشکان غرب قرار گرفت و کتاب پایه ی درسی دانشگاه شد. و از سال ۱۴۷۳ تا ۱۵۰۵ م، ۱۵ مرتبه تجدید چاپ شده (۳) و در قرن ۱۶ م، ۲۰ چاپ آن موجود است.

۱- (۱) . همان، ص ۲۱۵؛ ر.ك: قواعد سزگین، تاریخ نگارش های عربی، پزشکی، تهران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۷۷؛ ر.ك: کارنامه ی اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب، امیرکبیر، ۱۳۸۰، تهران، ص ۵۳ به بعد

۲- (۲) . همان، ر.ك: تمدن اسلامی از زبان بیگانگان، محمد تقی صرفی، نشر برگزیده، چ ۱، ۱۳۷۴، ص ۱۸

۳- (۳) . همان.

ایشان رساله ای نیز درباره ی قولنج، الادویه القلبیه، ارجوزه فی الطب (منظومه ی آموزشی پزشکی) نگاشته اند.

۱۰. اسحاق بن سلیمان اسرائیلی (سده چهارم)،

رساله ای درباره ی تب دارد.

۱۱. سعید بن هبهٔ الله (۴۹۵ ق)،

صاحب «المغنی فی تدبیر الامراض» و رساله طبی - فلسفی «فی خلق الانسان» است.

۱۲. ابوالقاسم زهراوی (سده چهارم):

ایشان دارای کتاب «التصریف لمن عجز عن التالیف»، (دانشنامه ی ۳۰ جلدی) می باشد. وی به مسائل جراحی پرداخته و در مورد خردکردن سنگ مثانه مهارت داشته است.

۱۳. سید اسماعیل جرجانی (۵۳۱ ق):

«ذخیره ی پزشکی» از آثار اوست وی به قلم فارسی نگارش می نمود و آثار عربی و یونانی را به فارسی ترجمه می کرد. مانند خوارزمشاهی، شامل: بیمارشناسی، علاج بیماری ها، داروشناسی، گیاه شناسی و ...

کتاب «ذخیره ی پزشکی» او تنها کتاب پزشکی است که به زبان عبری ترجمه و تا کنون چهار بار در ایران به چاپ رسیده است. (۱)

۱۴. محمد بن قسّوم بن اسلم غافقی، (سده ششم و هفتم)

«المرشد فی طب العین» را نگاشت.

ص:۱۳۵

۱- (۱) پویای فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، همان، ج ۱، ص ۲۲۰.

۱۵. مهذب الدین عبدالرحیم بن علی، مشهور به دخوار (م ۶۲۸ ق):

ایشان شاگردان زیادی در پزشکی پرورش داد و مدرسه ای در دمشق ساخت.

۱۶. ابن ابی اصیبعه:

وی در قرن هفتم می زیست و شاگرد «دخوار» و چشم پزشک بود و نام کتاب او «عیون الانباء فی طبقات الاطباء» می باشد.

۱۷. ابن نفیس (دمشق / م ۶۸۷ ق):

دارای کتاب «الشامل فی الصناعهٔ الطیبه». (۸۰ مجلد) است. ایشان در مصر تدریس می کرد. و شرحی بر کتاب «حنین» بنام «المسائل فی الطب» (چشم پزشکی) نوشته اند. پر خ-واننده ترین تلخیص قانون، کتاب الموجز ابن نفیس بود.

ایشان گردش ریوی خون را، حدود سه قرن پیش از آن که این جریان را اروپایی ها کشف کنند؛ در کتاب خود توصیف کرد و نظریه جالینوسی را رد کرد.

۱۸. ابو روح محمد بن منصور، مشهور به زرین دست (قرن هفتم):

وی کتاب «نور العیون» را به زبان فارسی نوشت.

این چشم پزشک و جراح، در عهد ملکشاه سلجوقی می زیست. مردی که یک چشم داشت، ایشان با اطمینان کامل چشم دیگرش را جراحی کرد. (۱)

۱۹. فتح الدین قیسی (م ۶۵۷ ق):

در کتاب «نتیجهٔ الفکر فی علاج امراض البصر»، ۱۲۴ ناراحتی چشم را بر می شمارد.

۱- (۱) . کارنامه اسلام، ص ۵۳.

۲۰. ابن خطیب اندلسی (م ۷۷۶) مشهور به لسان الدین:

ایشـان رساله ای به نام «طاعون» دارد. طاعون که در آن زمان در اروپا شایع بود، ایشان برای درمان آن همت گماشت و بر این باور بود که این بیماری واگیردار است و از طریق لباس، ظرف، گوشواره، و ... منتقل می شود. (۱)

برای آگاهی بیشتر به کتاب های زیر مراجعه شود:

۱. پویایی فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران، علی اکبر ولایتی، ج ۱، ص ۲۱۵.

۲. کارنامه اسلام، دکتر عبدالحسین زرین کوب، امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۰، ص ۵۳ به بعد.

۳. علـوم اسـلام و نقش آن در تحولاـت علمی جهـان، آلدومیـدی، انتشـارات آسـتان قـدس رضـوی، مشـهد، ۱۳۷۱ ترجمـه از محمدرضا شجاعی رضوی و علوی، ص ۷۹ به بعد.

۴. تاریخ علوم در اسلام، سید حسن تقی زاده، تهران، فردوسی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۴.

۵. ر.ک: تاریخ طب در ایران پس از اسلام، دکتر محمود نجم آبادی، دانشگاه تهران، چ ۲، ۱۳۶۶.

۶. تاریخ پزشکی ایران، الگود سیریل، ترجمه باهر فرقانی، امیرکبیر، تهران، چ ۱.

۷. ادوارد براون، طب اسلامی، ترجمه مسعود رجب نیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، چ ۱، ۱۳۳۷.

۸. مجله ی حوزه و پژوهش، ش ۱۷ و ۱۸.

۱- (۱) . همان.

پرسش:

مقصود از «علق» در قرآن و علم پزشکی چیست ؟

آیا درست است که واژه ی «علق» در قرآن به معنای «خون بسته» است؟ آیا علم پزشکی جدید تأیید می کند؟

پاسخ:

قرآن کریم در آیات مختلف، به مراحل خلقت انسان اشاره دارد؛ یکی از این مراحل «علق» است.

واژه ی «علق» شش بار (۱) و در پنج آیه به صورت های مختلف به کار رفته است و همچنین سوره ای از قرآن با نام «علق» نازل شده است. «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّکَ الَّذِی خَلَقَ. خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ؛ بخوان به نام پروردگارت که آفرید، انسان را از علق آفرید.»

اکثر مفسران (۲) اتفاق نظر دارند که ۵ آیه ی اول سوره ی علق، نخستین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله) است.

علق در لغت:

واژه ی «علق» جمع «عَلَقَه» در اصل به معنای «چیزی که به چیز بالاتر آویزان شود» آمده است و موارد استعمال آن در خون بسته، زالو، خون منعقد که در اثر رطوبت به هر چیز می چسبد، کرم سیاه که به عضو آدمی می چسبد و خون

ص:۱۳۸

۱- (۱) . علق / ۱ و ۲، حج / ۵، مومنون / ۱۴، غافر / ۶۷، قیامت / ۳۸

۲- (۲) . ر.ك: تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۷، ص ۱۵۳.

را می مکد و ... می باشد. (۱) پس می توان گفت: در مواردی که علق استعمال شده: یکی چسبندگی و دیگری آویزان بودن، لحاظ شده است مانند: زالو، خون بسته و کرم که به عضو بدن می چسبد و آویزان می شود.

علق از نگاه علم:

«علق»، همان خون بسته ای است که از ترکیب اسپرم مرد با اوول زن حاصل و پس از ورود به رحم زن بدان آویزان می شود. پس از پیوستن نطفه ی مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می شود و به صورت یک توده ی سلوی در می آید که به شکل توت است (به آن مارولا Marula گویند) و در رحم لایه گزینی می کند یعنی، سلول های تغذیه کننده به درون لایه ی مخاطی رحم نفوذ می کند و به آن (رحم) معلق (آویزان نه کاملاً ـ چسبیده) می شوند. قرآن این مطلب را با تعبیر زیبای «علق» بیان کرده است. (۲)

اگر واژه ی «علق» را به معنای خون بسته بپذیریم، می توانیم تناسب آن را با موارد استعمال اینگونه بیان کنیم:

۱. چسبنده بودن آن. (۳) (خون بسته ای که برای مکیدن خون به بدن می چسبد)

۲. آویزان شدن آن به جداره ی رحم.

۳. مشابه زالو است: زالو هر بار می تواند به اندازه یک فنجان قهوه، خون انسان یا حیوانی را بمکد. نطفه در رحم، زالو وار به رحم می چسبد و از خون تغذیه

ص:۱۳۹

۱- (۱) . التحقیق فی کلمات قرآن کریم، حسن مصطفوی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران، تهران، مفردات راغب اصفهانی، المکتبه الرضویه، تهران، ذیل ماده «علق»؛ ر.ک: قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «علق»

۲- (۲) . طب در قرآن، دکتر دیاب و قرقوز، ترجمه چراغی، ص ۸۶، انتشارات حفظی، تهران

۳- (۳) . تفسیر نمونه، همان، ج ۲۷، ص ۱۵۶.

می کند. (۱) همچنین در وجه تشبیه به زالو گفته شده است که در مرحله ی ایجاد جنین، از هر دو ماده ای به نام «هپارین» ترشح می شود تا اینکه خون در موضع منعقد نشود و قابل تغذیه باشد. (۲) شکل علقه مانند زالو است این حالت در چهار هفته اول ادامه دارد. (۳)

۴. تغذیه از خون است. (۴)

در نتیجه می توان گفت: (۵) با توجّه به دیدگاه دانشمندان و مفسّران و اهل لغت، «علق» به معنای «خون بسته» آویزان به رحم است. به ویژه آنکه این مرحله از خلقت انسان در علم جنین شناسی جدید، به عنوان واسطه ای بین نطفه و مضغه (گوشت شدن) محسوب می شود.

یعنی حدود ۲۴ ساعت این خون بسته به جدار رحم آویزان است و از خون آن تغذیه می کند.

خداوند می توانست با بیان «الدم المنقبضه؛ خون بسته» مطلب را ذکر نماید اما با آوردن واژه ی «علق» هم معنای خون بسته و هم معنای آویزان بودن را رسانده است که با نظریات جدید پزشکی همخوانی دارد.

ص:۱۴۰

۱- (۱) . مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۹۹، نشر سبحان، تهران

۲- (۲) . اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک نژاد، ج ۱۱، ص ۱۱۰، کتابفروشی اسلامی، تهران

۳- (۳) . اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن، دکتر عبدالعزیز اسماعیل پاشا، ترجمهٔ سید غلامرضا سعیدی، انتشارات برهان، ص ۱۸۲

۴- (۴) . حضرت آیت الله معرفت بعد از پذیرفتن این نظریه که علق خون بسته است می گوید: علقه در روز هفتم به جداره رحم می چسبد. (التمهید، محمدهادی معرفت، ج ۶، ص ۸۲)

۵- (۵) . لازم به ذکر است احتمالات دیگری درباره «علق» داده شده از جمله، بعضی ها علق را به معنای نطفه مرد (اسپرماتوزئید) معنا کرده اند (مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۹۹) و بعضی دیگر به معنای موجود صاحب علاقه که اشاره به روح اجتماعی انسان است، معنا نموده اند. و بعضی دیگر اشاره به گل حضرت آدم(علیه السلام) که حالت چسبندگی دارد نموده اند. (ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۸۷ - ۴۸۱)

با توجه به عدم پیشرفت علم پزشکی در ۱۴ قرن قبل، می توان مسئله ی «علق» را یکی از شگفتی های علمی قرآن نامید؛ که بعد از ۱۴ قرن کشف شده است. (۱)

برای مطالعه ی بیشتر به کتاب های ذیل مراجعه شود:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۸۷ – ۴۸۱.

۲. طب در قرآن، دکتر دیاب و قرقوز، ترجمه از چراغی، ص ۸۶.

۳. اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک نژاد، ج ۱۱، ص ۱۱۰.

۴. مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، ص ۹۹.

ص:۱۴۱

۱- (۱) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، رشت، ج ۲، ص ۴۸۷ – ۴۸۱.

پرسش:

منظور از «صلب و ترائب» در قرآن و علوم پزشکی چیست ؟

آیا آیه ی ۵ سوره ی طارق با یافته های علوم پزشکی مطابقت دارد؟

پاسخ:

برای اینکه با نکات علمی آیه آشنا شویم، لازم است معنای برخی واژه های آیه بررسی شود:

«فَلْیَنظُرِ الْإِنسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِن مَاءٍ دَافِقٍ * یَخْرُجُ مِن بَیْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» (۱)

«انسان باید بنگرد که از چه چیز آفریده شده است؟! از یک آب جهنده آفریده شده است، آبی که از میان پشت و دو استخوان جلوی بدن مرد (آلت تناسلی) خارج می شود.»

واژه شناسی:

واژه ی «دافق» از «دفق» به معنای «صبُ الماء» (ریختن آب) آمده است و «ماء دافق»، همان منی مرد است که به صورت جهنده از او خارج می شود. (۲)

ص:۱۴۲

۱- (۱) . طارق / ۷ - ۵

۲- (۲) . قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «دفق»؛ تفسیر المیزان علامه طباطبایی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۲۰، ص ۳۷۹؛ برای ماء دافق، معانی دیگری ذکر کرده اند؛ مانند: آب مشترک زن و مرد، آب زنان که از رحم خارج می شود. اما با توجه به معنای دافق که دارای جهندگی است؛ شامل منی مرد می باشد.

«صُلب» به معنای استخوان های تیره پشت از پس گردن تا آخر ران ها، کمر، و به معنای چیز شدید و سخت و ... آمده است. (۱)

«ترائب» از ریشه ی «تراب» به معنای دو چیز مساوی در بدن است. لذا صاحب نظران مصادیق زیادی برای آن ذکر کرده اند، مانند: بین دو سینه ی زن، بین دو کتف و سر، استخوان سینه و گلو، (۲) عصاره ی قلب، (۳) سرتا سر بدن، (چشم، دست، پا،) (۴) بین نخاع و سینه ی هر شخص، (۵) و بین پشت و دو استخوان پا (محل آلت تناسلی). (۶)

نگاه تفسیری:

آیه ی فوق اشاره به منشاء و ریشه ی منی دارد به این معنا که منی از صلب و ترائب سرچشمه می گیرد. (۷)

با توجه به مصادیق و احتمالات در مورد واژه ی «صلب و ترائب» مفسران (۸)نیز احتمالات مختلفی بیان کرده اند: آن چه مشهور و موافق علم و لغت است

ص:۱۴۳

۱- (۱) . التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، ذیل ماده ی «صلب و ترائب»
۲- (۲) . مجمع البیان، طبرسی، دارالمعرفه، بیروت، ذیل آیه ۷ سوره طارق
۳- (۳) . ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۵۳۲
۴- (۴) . مجمع، همان
۵- (۵) . البصائر، ذیل آیه
۶- (۶) . التمهید، محمدهادی معرفت، انتشارات التمهید، قم، ج ۶، ص ۶۴
۷- (۷) . در سوره اعراف آیه ی ۱۷۲ نیز اشاره به منشاء منی دارد، و آمده است «و اذ اخذ ربک من بنی آدم من ظهورهم ذریتهم ...؛ و هنگامی که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه ی آنان را بر گرفت.»
۸- (۸) . منی از میان پشت و روی او خارج می شود با توجه به هیجانات کل بدن، می توان گفت: منی از تمام بدن خارج می شود. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ذیل آیه ی کل بدن بین استخوان سینه و پشت واقع شده است. (المیزان، علامه طباطبایی، ذیل آیه)

عبارت است از اینکه: آب منی از بین ستون فقرات پشت و دو استخوان ران پا (محل آلت تناسلی) خارج می شود. (۱)

قرآن برای حفظ عفت کلام، بعضی از مسائل جنسی را به صورت کنایه یا تشبیه، یا تمثیل بیان می کند و از مطرح کردن مستقیم آن خودداری می کند. از این رو برای پرهیز کردن از استفاده از نام آلت تناسلی به صورت کنایه، واژه ی «ترائب» یعنی دو استخوان جلوی بدن مرد را به کار برده است.

منشاء منی در نگاه علم:

منی در لغت به معنای «تقدیر و اندازه گیری» آمده و به آب مرد اطلاق شده است و در مورد زن به کار نرفته است. (۲)

منی، حاوی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون اسپرماتوزئید است. برخی تعداد آن را ۲ تا ۵۰۰ میلیون عدد متغیّر می دانند. (۳) نطفه ی مرد را کرمک می گویند و طول آن ۱۰ - ۱۰۰ مو (هر مو یک میلیونیم متر است) و دارای سر و گردن و یک دم بسیار متحرک می باشد و در هر ثانیه ۱۴ - ۲۳ میکرون حرکت می کند. اسپرم ها داخل مهبل ریخته می شود. از ۳۰۰ تا ۵۰۰ عدد آن فقط یکی از آن ها مورد نیاز است و ما بقی وارد زهدان می گردد. (۴)

صاحب نظران درباره ی منشاء منی می گویند: وقتی به کتب لغت مراجعه می کنیم، محل منی را صُلب و ترائب می دانند که مربوط به قسمت پشتی و

۱- (۱) . التمهید، محمد هادی معرفت، انتشارات نشر اسلامی، قم، ج ۶، ص ۶۴؛ طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، انتشارات حفظی، تهران، ص ۳۲

۲- (۲) . قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده «منی»

۳- (۳) . اولین دانشگاه آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد، کتابفروشی اسلامی، ج ۶، ص ۶۴؛ طب در قرآن، همان، ص ۳۲

۴- (۴) . رویان شناسی لانگمن، پرفسور توماس، ترجمه بهادری و مشکور، سهامی چهر،ص ۲۹.

قدامی ستون فقرات یعنی جای اولیه ای که بیضه و رحم قرار می گیرند. (قبل از شش ماهگی جنین، تخم و تخمدان هر دو در پشت قرار دارند و پس از شش ماهگی در جنس نر هر دو به پایین کشیده شده و در پوسته ی بیضه قرار می گیرند و به وضع عادی در می آیند و در جنس ماده نیز مختصر جابجا شده و در دو طرف پهلو محاذی لوله های رحم جایگزین می شوند.) (۱)

نظریه ی علمی دیگری درباره ی منشاء منی وجود دارد که مطابق با لغت و قول مشهور است و آن این است که: منی مرد که از میان صُلب و ترائب (استخوان پاها) او خارج می شود، در تمام نقاط و مجاری عبور منی - از نظر کالبد شکافی - در محدوده صُلب و ترائب (استخوان پاها) قرار دارند. غدد کیسه ای پشت پروستات (که ترشحات آنها قسمتی از منی را تشکیل می دهد) نیز در این محدوده قرار دارند. پس می توان گفت: منی از میان صلب مرد به عنوان یک مرکز عصبی - تناسل امر کننده - و ترائب او به عنوان رشته های عصبی مأمور به اجرا، خارج می شوند. (۲)

نتیجه گیری:

با توجه به کتب لغت و نظرات مفسرین و دیدگاه های دانشمندان می توان گفت: «صلب» به معنای پشت مرد، به عنوان یک مرکز عصبی، و «ترائب» به معنای ما بین دو استخوان ران است، که کنایه از دستگاه تناسلی مرد دارد. پس آیه ی «صُلب و ترائب» با نظرات دانشمندان جنین شناسی همخوانی دارد.

اما آیا می توان آن را «اعجاز علمی» دانست؟ در پاسخ باید گفت: مسئله ی خروج منی از بدن انسان، و دستگاه تناسلی که بین پشت و دو استخوان جلوی

۱- (۱) . اولین دانشگاه آخرین پیامبر، پاک نژاد، ج ۱، ص ۲۴۰

۲- (۲) . طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، ص ۳۲ با تلخیص.

بـدن است فی الجمله (تا حـدودی) برای بشـر قابل حس بوده است و لذا آیه ی فوق را نمی توان در ردیف اعجاز علمی قرآن دانست؛ بلکه می توان یکی از «اشارات علمی قرآن» قلمداد کرد. (۱)

برای مطالعه ی بیشتر به کتاب های زیر مراجعه فرمائید:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، انتشارات مبین، ج ۲، ص ۴۵۷ – ۴۴۵.

۲. التمهید، محمدهادی معرفت، انتشارات نشر اسلامی، ج ۶، ص ۶۴.

۳. طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، انتشارات حفظی، ترجمه علی چراغی، ص ۳۲.

۴. رویان شناسی لانگمن، پروفسور توماس، وی، ترجمه بهادری، انتشارات سهامی چهر.

۱- (۱) . پژوهشـی در اعجـاز علمی قرآن، دکتر محمـدعلی رضـایی اصـفهانی، انتشارات مبین، چ ۱، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۴۴۵ – ۴۵۷.

پرسش:

بارداری حضرت مریم(سلام الله علیها) از طریق بکرزایی بوده یا منشاء اعجاز الهی داشته است ؟

پاسخ:

بکرزایی در آئینه ی علم

تصوّر ولادت فرزند بدون دخالت پدر، اگر در گذشته باور کردنی نبوده اما امروزه از نظر علوم زیستی ممکن است.

امروزه با پیشرفت علم، بحثی مطرح شده، به نام «تولید مثل های غیرمزدوج». یعنی، تولیدی که در آن فرد ماده، ظاهراً بدون تماس با فرد نر، بارور می شود. و شواهدی از این قبیل باروری ها را ذکر می نمایند. و نیز از نظر علمی نشان می دهند که در نوع انسان هم بعضی از زن ها ذوجنبتین (دارای دو جنبه) می باشند. یعنی، ساختمان درونی خاصی دارند که خود به تنهایی قادر به تولید فرد جدید می باشند، این ویژگی را در اصطلاح «نرمادگی» و چنین زایشی را «بکرزایی» می گویند، که بیشتر، در زن ها بروز می کند. چنین زن هایی ممکن است علاوه بر داشتن غده های تناسلی مختلط، بعضی از صفات ظاهری مردها مانند موی صورت را نیز داشته باشند. (۱)

همچنین افرادی دیده شده اند که در آن ها لزوماً «اسپرماتوژنزیس» همراه با «اوول اسیون» و قاعدگی وجود داشته است. (۲)

ص:۱۴۸

۱- (۱) . خلقت انسان، ید الله سحابی، شرکت سهامی، چ ۱۳، ص ۱۶۲ - ۱۵۸

۲- (۲) . بافت شناسی انسانی پایه، ص ۵۶۷.

بکرزایی در نوعی از حشرات، مانند: شته، و بعضی از جانداران، مانند: ستاره ی دریایی و کرم ابریشم وجود دارد؛ که بدون عمل لقاح رشد و نمو خود را شروع می کنند. و جانداران ذره بینی، مانند: باکتری ها و ویروس ها، تولید مثل بدون لقاح دارند. حتی «فیلدوکسرا و استاتریکس» می تواند تا ۱۰ نسل بدون دخالت نر تولید مثل کند. (۱) قورباغه ها نیز می توانند، بکرزایی داشته باشند. (۲)

حتی برخی نویسندگان نام افرادی را ذکر کرده اند که بدون تماس با مرد، باردار شده اند. برای مثال: خانم «امی ماری جونز» فرزند بدون پدر به دنیا آورد. پزشکان بعد از آزمایشات به این نتیجه رسیداند که در خون دختر او (مونیکا) کوچک ترین علامت یا اثر مرد خارجی وجود ندارد. (۳)

با توجه به اینکه بکرزایی در میان حشرات و باکتری ها اثبات شده است و اگر در مورد انسان نیز اثبات شود. (۴)

صاحب نظران می گویند: وجود شخص دو جنسی حقیقی، که دارای بافت های بیضه و تخمدان باشد می تواند بدون تماس، تولید مثل نماید، در حالی که در تاریخ بشر چنین افرادی به ندرت دیده می شوند و حالت عادی و طبیعی ندارد؛ بلکه استثناء است.

زایمان حضرت مریم(سلام الله علیها) بکرزایی یا معجزه:

موضوع باروری و بارداری حضرت مریم(سلام الله علیها) از مسائل پر سر و صدا و پر گفتگوی تاریخ بشر است. نه تنها قرآن به مسئله ی باردار شدن حضرت مریم(سلام الله علیها)

۱- (۱) . مطالب شگفت انگیز قرآن، گودرز نجفی، نشر سبحان، تهران، ص ۱۱۰

۲- (۲) . انسان موجود ناشناخته، الکیس کارل، ترجمه دکتر دبیری، ص ۱۰۴

۳- (۳) . مطالب شگفت انگیز قرآن، ص ۱۱۲، از روزنامهٔ اطلاعات ۲۰۸۲۰

۴- (۴) . در آزمایشات بکرزائی بر روی پستانداران تا خرگوش پیش رفته اند و جنینی در مرحله ی بسیار ابتدایی به دست آوردند. (مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۱۱۸؛ ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر رضایی اصفهانی، ج ۲، ص ۴۶۱.)

بـدون تمـاس با مردی اشاره کرده، کتاب انجیل نیز به این مسـئله پرداخته و آن را معجزه ی الهی می دانـد. (۱) قرآن کریم در سوره ی مریم، به بیان داستان تولد حضرت عیسی(علیه السلام) پرداخته و می فرماید:

«ما روح خود (جبرئیل) را به سوی او فرستادیم تا به شکل بشری خوش اندام بر او نمایان شد. مریم گفت: اگر پرهیزگاری، من از تو به خـدای رحمـان پنـاه می برم. گفت: من فقط فرسـتاده ی پروردگار توام، برای اینکه به تو پسـری پاکیزه ببخشم. گفت: چگونه مرا پسـری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبودم؟ گفت: فرمان چنین است. پروردگار تو گفته که آن بر مـن آسـان است، تـا او را نشـانه ای برای مردم و رحمـتی از جـانب خـویش قرار دهیم. پس حضـرت مریم(سـلام الله علیهـا) حضرت عیسی(علیه السلام) را آبستن شد.» (۲)

آیه بیان گر آن است که حضـرت عیسـی(علیه السـلام) از طریق معجزه ی الهی و قـدرت ماوراء طبیعت به دنیا آمد و طبیعت و امور عادی یا بکرزایی، در تولّد آن حضرت نقشی نداشته است.

تعبیر «کَانَ أَمْراً مقْضِیّاً» (۳)اشاره به اراده ی خداوند، و قضا و قدر او دارد که حضـرت عیسـی(علیه السلام) متولد شوند و تعبیر «وَلِنَجْعَلَهُ آیَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا؛ (۴)تـا او را نشـانه ای برای مردم و رحمتی از جـانب خویش قرار دهیم.»؛ نشـانگر خارق العاده بودن تولد و معجزه بودن آن است. (۵)

ص:۱۵۰

۱- (۱) . مقـایسه ای میـان تـورات، انجیـل، قرآن و علـم، مـوریس بوکـای، ترجمـه ذبیـح الله دبیر، ص ۱۱۸. دفتر نشـر فرهنگ اسلامی، تهران، به نقل از انجیل متی، ۱۳ / ۴۶

۲- (۲) . مریم / ۱۶ – ۲۲

۳- (۳) . مریم / ۲۲. (این دستور قطعی بود)

۴- (۴) . همان

۵- (۵) . تفسـیر المیزان، علامه طباطبایی، دار الکتب الاسـلامی، تهران، ج ۱۴، ذیل آیه و نیز تفسـیر نمونه، مکارم شیرازی، دار الکتاب الاسلامیه، تهران، ذیل آیه.

البته این مطلب بدان معنا نیست که عیسی بدون علّت بوجود آمده است، بلکه علّت وجودی او، مریم و روح الهی بود که در وی دمیده شد. هر چند برخی تلاش دارند تولّد حضرت عیسی(علیه السلام) را «بکرزایی» بنامند؛ (۱) اما با ظاهر آیه سازگار نیست.

ص:۱۵۱

۱- (۱) . دکتر محمد صادق رجحان، بافت شناسی انسانی پایه، انتشارات چهره، ۱۳۷۰، چ ۱۰، ص ۷۶۵.

فصل سوم: قرآن و بهداشت

اشاره

ص:۱۵۲

پرسش:

راهکارهای مقابله با چشم چرانی و خود ارضایی را بیان کنید؟

پاسخ:

چشم چرانی و نگاه آلوده، آغاز انحرافات جنسی از جمله، خودارضایی است. (۱) بنابراین در مرحله ی اوّل لازم است دیده ها را پاک کرد تا بتوان دل را کنترل کرد.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد که هر چه دیده بیند دل کند یاد

قرآن کریم پیش از دعوت به عفت جنسی، به عفت چشم دعوت می کند و می فرماید:

«به مردان با ایمان بگو: عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند (۲)... به زنان با ایمان بگو: عفت چشم و عفت جنسی را رعایت کنند (۳)»

از پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) حکایت شده: «النظر سهم مسموم من سهام ابلیس؛ نگاه (به نامحرم) تیر زهرآگینی از تیرهای شیطان است.» (۴)

شیطان با نگاه آلوده، جوانان را به دام عشق ناپاک و انحرافات جنسی می کشاند، از حضرت علی(علیه السلام) نقل شده: «چه بسا عشقی که با یک نگاه، بذر افشانی می شود.» (۵)

ص:۱۵۴

۱- (۱) . خودارضایی یا استمناء یا جلق زدن، عملی است که انسان برای ارضای جنسی خود با خود کاری انجام دهد که شهوت او تحریک شود و از او منی خارج شود

۲- (۲) . نور / ۳۰

۳- (۳) . نور / ۳۲

۴- (۴) . بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۱۰۴، ص ۳۸، چاپ بیروت

۵- (۵) . غررالحکم و دررالکلم، محمد تمیمی، دانشگاه تهران، حدیث ۵۳۱۴.

چشم چرانی از محرومیت های جنسی، محیط نامساعد و ضعف اراده و ... به وجود می آید. و عصب «لی بیدو» که در اعصاب چشم متمرکز است با اعصاب جنسی متصل است و شخص با چشم چرانی لذت می برد و به طور مستمر تبدیل به یک عادت می شود.

برای مقابله با چشم چرانی و استمناء لازم است از ضررهای آن دو آگاهی پیدا کنیم:

ضررهای چشم چرانی:

۱. غالباً چشم چرانی در مردها زیاد دیده می شود و بیماری «سادیسم» را به وجود می آورد و در زن ها، غالباً خودنمایی است و بیماری «مازوشیسم» را به وجود می آورد. (۱)

۲. چشم چرانی، سبب درشتی چشم، ضعف اعصاب و روان، بی خوابی، کم خوابی، بی اشتهایی، خیال پردازی واهی، تشویش ذهن و ... می شود. (۲)

خودارضایی:

خود ارضایی یکی از گناهان کبیره است و براساس برخی آیات قرآن کریم، کسانی که خودارضایی می کنند، تجاوز کار معرفی شده است:

«فَمَنِ ابْتَغَى وَرَاءَ ذلِکَ فَأُولئِکَ هُمُ الْعَادُونَ؛ و کسانی که فراتر از این جُویند، پس تنها آنان تجاوزگرند.»

حکایت شده: شخصی از امام صادق(علیه السلام) در مورد خودارضایی سوال کرد. امام در پاسخ فرمودند: خودارضایی گناه بزرگی است. کسی که مرتکب این کار زشت شود، همانند: کسی است که با خود ازدواج کند و اگر من بدانم کسی با خود این

۱- (۱) . مسائل درمانی و طب روحانی، عبدالکریم بی آزار شیرازی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴ ش، ج ۳، ص ۲۵۸

۲- (۲) . همان و آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، عطرآگین، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۸۴.

عمل را انجام می دهد با او غذا نخواهم خورد. و حضرت برای اثبات دلیل خود به آیه ی فوق استدلال کرده است. (۱)

پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله) حکایت شده که فرمودند: «ناکح الکف ملعون؛ کسی که خود ارضایی کند ملعون [از رحمت خدا دور [است.» (۲)

همچنین امام صادق(علیه السلام) حکایت شده که فرمودند: «برای کسی که خودارضایی کند در قیامت عذاب دردناکی در نظر گرفته شده است.» (۳)

ضررهای جسمانی و روانی خود ارضایی:

۱. ضعف و تحلیل قوای جسمانی: خود ارضایی باعث کاهش انرژی بدن، خستگی، و پیری زودرس می شود.

۲. ضعف بینایی: خود ارضایی به تدریج در نور چشم و قدرت بینایی اثر می گذارد و آن را کاهش می دهد.

۳. آسیب به دستگاه تناسلی و ناتوانی های جنسی.

۴. ضعف حافظه، هواس پرتی، ناتوانی در تمرکز فکری.

۵. اضطراب و افسردگی.

۶. پرخاشگری و بداخلاقی.

۷. احساس گناه، عذاب وجدان.

۸. بی عاطفه، کم رویی و خجالت.

۹. آفت تحصیلی، مشکلات ازدواج.

۱۰. بی میلی به همسر و ناسازگاری خانوادگی. (۴)

۱- (۱) . مستدرک الوسائل، حسین نوری، ج ۱۴، ص ۳۵۶

۲- (۲) . میزان الحکمه، ری شهری، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲، ج ۹، ص ۱۵۰

۳- (۳) . همان

۴- (۴) . ر. ک: علی قائمی، خانواده و مسائل جنسی کودکان، انتشارات انجمن اولیا و مربیان و ر.ک: فتنه نفس، صدری، سبط النبی، قم.

کیفیت درمان چشم چرانی و خود ارضایی:

ایستادگی در برابر شهوت و کشش های انحرافی درونی، تنها با تکیه به ایمان و قدرت اراده، امکان پذیر است هر چه ایمان و اراده قوی تر باشد، مقاومت او در برابر جاذبه های جنسی بیشتر و عفت او افزوده می گردد.

برخی از عواملی که سبب دوری از چشم چرانی و خود ارضایی می گردد؛ به شرح زیر است:

۱. عفت چشم: از پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) حکایت شده است: «هر مسلمانی بی اختیار چشمش به زیبایی های زنی بیفتد و چشم فرو نهد، خداوند به او توفیق عبادتی می دهد که شیرینی آن را احساس می کند.» (۱)

۲. حیاء: حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند: حیا سبب عفت و عفت ثمره ی حیاست. (۲) شرم مانع کار زشت است. (۳)

۳. روزه: از پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) حکایت شده است که فرمودند: «جوان ها، ازدواج کنید، اگر نمی توانید، حتماً روزه بگیرید که روزه غریزه ی جنسی را کنترل می کند.» (۴) و همچنین فرمودند: «راه کنترل غریزه ی جنسی، روزه است.» (۵)

۴. توجّه به زیان های چشم چرانی و خود ارضایی که در صدر بحث بیان شد.

۵. ازدواج: در اوّلین فرصت ازدواج کنید.

۶. سعی کنید در مکان های خلوت و تنها نمانید، چون تنهایی، خود عامل مهمی برای تحریک خودارضایی و زمینه ساز ارتکاب این عمل است.

ص:۱۵۷

۱- (۱) . میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۷۸

۲- (۲) . غررالحکم، حدیث ۵۵۲۷

۳- (۳) . همان، حدیث ۴۶۱۲

۴- (۴) . وسائل الشیعه، حر عاملی، موسسه آل البیت، بیروت، ج ۱۰، ص ۴۱۰

۵- (۵) . همان.

۷. تلاش برای تقویت اراده از گام های مهم در امر بهبود است، نگوییم اراده از ما سلب شده است، زیرا ممکن است اراده ی انسان ضعیف شود، ولی هیچ گاه از بین نمی رود، برای تقویت اراده راه های زیادی پیشنهاد شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف. تلقین به خود: همواره به خود بگوییم من می توانم این عمل را ترک کنم.

ب. به پایان رساندن کارهای نیمه تمام نیز در تقویت اراده موثر است. سعی کنید هیچ کار نیمه تمامی را از خود به جای نگذارید.

ج. تمرکز بخشیدن به فعالیت های گوناگون و پراکنده: تلاش شود از کارهای متعدد و متنوع پرهیز شود، چون موجب پراکندگی و به هم ریختگی انسجام فکر می شوند.

د. نماز، سحر خیزی، کم خوری، دوری از گناه، از عوامل مهم تقویت اراده است.

۸. افکار جنسی را که به ذهن خطور می کند بلافاصله با ذکر خدا و یاد آسیب های معنوی، جسمی، روانی، و اجتماعی این عمل زشت، از خود دور نمایید.

۹. تنبیه: راه دیگر مقابله با این تحریکات تنبیه خود است، مثلاًـ با خود شرط کنیم اگر یک بار چنین گناهی را مرتکب شوم مثلاً یک یا چند روز، روزه می گیرم یا مبلغی را صدقه می دهم.

۱۰. اوقات فراغت خود را با مطالعه، ورزش، زیارت و دعا پر کنید.

۱۱. راه دیگر خنثی نمودن تحریکات، گرفتن دوش آب سرد، البته اگر از سلامت جسمی برخوردارید، یا شستن اعضا با آب سرد است و هیچ گاه در حمام کاملا عریان نشوید و به اندام جنسی خود نگاه نکنید.

۱۲. از نگاه کردن به مواضع جنسی و برجستگی های بدن دیگران (حتی از روی لباس) پرهیز شود.

۱۳. به هنگام خواب سعی شود شکم بیش از معمول پر نباشد، و هرگز به رو نخوابید.

۱۴. ایمان مذهبی خود را روز به روز تقویت کنیم و توسل به ائمه(علیه السلام) را فراموش نکنیم و امیدوار به رحمت الهی باشیم و هیچ گاه مأیوس نشویم.

ص:۱۵۸

۱۵. از پوشیدن لباس های تنگ و چسبان اجتناب شود.

۱۶. از نگاه کردن به تصاویر و فیلم های تحریک کننده و لباس جنس مخالف، جداً پرهیز شود.

۱۷. از فکر کردن و تصور و تخیل در مورد جنس مخالف و مسائل جنسی خودداری شود.

۱۸. از معاشرت و سخن گفتن و نگاه به جنس مخالف - حتی کودکان جذاب و خوش سیما - خودداری ورزیم و از دوستی با آنان اجتناب کنیم.

۱۹. به بدی گناه و عواقب آن توجه کنیم.

۲۰. از مشاهده ی اعمال، رفتار و گفتار زوج های جوان جداً خودداری کنید.

نتیجه:

حاصل سخن اینکه چشم چرانی پایه و اساس انحرافات جنسی است. لازم است با تقویت اراده و ایمان و عفت و حیا و شرم، چشم ها را از نامحرم بپوشانیم و خودارضایی که خود یک عمل زنا با خود است؛ علاوه بر مضرات جسمی و روحی و روانی که بر فرد می گذارد اثرات نامطلوب اجتماعی و خانوادگی نیز دارد که باید با تقویت اراده و توکّل به خدا از کمند این عمل زشت رهایی یابیم.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه شود:

۱. گناهان کبیره، آیت الله دستغیب، ج ۲، کانون اندیشه های اسلامی، ۱۳۶۱.

۲. فتنه نفس، نوروز، صوری، سبط النبی، ۱۳۸۲، قم.

۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین، ص ۳۹۱.

۴. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، عطرآگین، ص ۸۲.

۵. جشن تکلیف، ری شهری، دارالحدیث، ۱۳۷۸.

۶. دنیای نوجوان، محمدرضا شرفی، انتشارات تربیت، ۱۳۷۰.

ص:۱۵۹

پرسش:

چرا قرآن بعضی غذاها را حرام و برخی را حلال کرده است ؟ آیا اسرار و فواید پزشکی داشته است ؟

پاسخ:

خداونـد متعـال به عنوان خالق بشـر و کل کائنات و عالم به مسائل مختلف حیات و جهان در قرآن کریم نیک و بـدها، پاک و ناپـاک هـا و مطلوب و نامطلوب هایی را که تأمین کننـده یا تهدیـد کننـده ی سـلامت جسم و جان انسان است با رهنمودهایی مشخص نموده است.

بـا بیـان مفـاهیمی مثل حلال و حرام و طیّب و خبیث برخورداری انسان را از غـذاهای معین مجاز و آزاد گذاشـته و از مصـرف مواد غذایی مشخص دیگر نهی کرده است.

چیزهای پاکیزه ای که طبع انسان سالم آنها را بپـذیرد و بلع و هضم و جذب و دفعش مناسب، و در جهت سـلامت انسان باشـد را تجویز و چیزهایی که طبع سالم انسان از آن متنفر و استفاده اش مضر یا مشمئز کننده باشد را منع کرده است.

با گذشت ۱۴ قرن از این مرزبنـدی قرآن، اگر اندیشـمندانه و بـا انصـاف حکمت هـای این حلال و حرام های الهی را بررسـی کنیم، می بینیم که تمام این دستورات توجیه علمی داشته که می توان در بررسی علمی به برخی از آن حکمت ها دست یافت.

قرآن در مورد تغـذیه، از جهـتی انسـان را به خوردن غـذاهای پـاکیزه] طیب [توصـیه می کنـد و به کیفیت اسـتفاده از آن هم عنایت دارد و از طرفی از خوردن

غذاهای غیربهداشتی] خبیث [منع می کند؛ این دستورات را می توان به سه تقسیم کرد:

۱. دستور به اعتدال در خوردن غذا.

۲. ممنوعیت چیزهای ناپسند (تحریم خبائث).

۳. سفارش در مورد چیزهای پاک و پاکیزه (توصیه به طیّبات).

اول: قاعده اعتدال در خوردن غذا:

قرآن یک قاعده و چهارچوب کلی و اساسی برای تغذیه ارائه می دهد و می فرماید:

«کُلُوا وَاشْرَبُوا وَلاَ تُسْرِفُوا إِنَّهُ لاَیُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ؛ (۱)وبخورید و بیاشامید، [ولی] زیاده روی نکنید؛ که او اسرافکاران را دوست نمی دارد.»

«اسراف» کلمه ی جامعی است که هر گونه زیاده روی در کمیّت و کیفیت و بیهوده گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می شود. اسراف مصادیق گوناگونی دارد مانند: زیاد خوردن و آشامیدن، فرو دادن سریع غذا بدون جویدن کامل، زیاده روی در خوردن یک نوع غذا، و تجاوز از خوردن خوراکی های حلال و روی آوردن به حرام و... (۲)

پیامدهای اسراف در غذا:

صاحب نظران برای اسراف در تغذیه ضررهایی را بر شمرده اند که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. سوء هاضمه و فراخ شدن معده و بزرگی شکم؛

۲. پیچ خوردن معده؛

۱- (۱) . اعراف / ۳۱

۲- (۲) . طب در قرآن، ص ۱۳۸ - ۱۴۰.

۳. حمله خُنّاق سینه یا سوزش قلب؛

۴. دچار شدن به وبا و تیفوئید و... ؛

۵. چاقی که خود یک بیماری خطرناک است؛

۶. پوسیدگی دندان؛

۷. بالا رفتن غلظت خون (تصلب شرائین)؛

۸. بیماری های مفصلی و سنگ کلیه (اسراف در خوردن یک نوع غذا)؛

۹. آثار روانی، مثل کودنی و تنبلی و افزایش شهوت جنسی.

دوم: ممنوع کردن چیزهای ناپسند (خبائث):

پس از بررسی آیاتی که غذاهای مضر را «خبائث» نامیده است در می یابیم خداوند هر چه را تحریم فرموده براساس حکمت و برای پیشگیری از زیان های مترتب بر آن بوده است و نیز روشن می گردد به رغم تمام پیشرفت های علمی، باز انسان نیازمند هدایت از جانب کسی است که علم او مافوق تمام دستآوردهای بشری باشد.

قرآن کریم در برخی آیات به صورت کلّی می فرماید:

«وَیُحِلُّ لَهُمُ الطَّیِّبَاتِ وَیُحَرِّمُ عَلَیْهِمُ الْخَبَائِثَ؛ (۱)و برایشان [خوارکی های] پاکیزه را حلال می شمرد، و پلیدی ها را بر آنان حرام می کند.»

خبائث به چیزهایی گفته می شود که پلید است، یعنی امور پست و فاسد و متعفن، به طوری که طبع انسان آنها را نمی پسندد. (۲)

و قرآن کریم در برخی آیات به طور مشخص از خوردن برخی غذاها منع می کند و می فرماید:

۱- (۱) . اعراف / ۱۵۷

۲- (۲) . مفردات راغب اصفهانی، مادهٔ (خبث).

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ؛ (۱)گوشت مردار و خون و گوشت خوک و حیواناتی که به غیرنام خدا ذبح شوند و حیوانات خفه شده ... بر شما حرام شده است.»

صاحب نظران در بررسی حکمت اینگونه غذاها به نتایجی رسیده اند که برخی از آنها را یادآور می شویم:

۱. مردار: در اصطلاح فقهی مردار به جانوری اطلاق می شود که از طریق ذبح شرعی، جان نداده باشد.

برای ذبح شرعی نیز حکمت هایی بیان شده که خود نیز دارای تاثیراتی بهداشتی است از جمله اینکه چون خون پس از مرگ جانور به محل مناسبی برای رشد میکروب ها تبدیل خواهد شد، ذبح شرعی با بریده شدن رگ ها و شریان های بزرگ گردن، باعث خروج تمام خون بدن حیوان خواهد شد و دست و پا زدن حیوان ذبح شده نیز به این امر کمک خواهد کرد. (۲)

ممنوعیت خوردن گوشت مردار در سوره های انعام، نحل، بقره و مائده (با الفاظ مختلف تکرار شده) بیانگر خطرات جسمی و روحی استفاده از آن و آلودگی مردم آن روزگار به این مسئله است. (۳)

استفاده از گوشت مردار از نگاه روایات:

در روایات نیز به برخی از مضرات استفاده از گوشت مردار اشاره شده است به عنوان مثال از امام صادق(علیه السلام) حکایت شده:

۱- (۱) . مائده / ۳

۲- (۲) . طب در قرآن، ص ۱۴۱

۳- (۳) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۳.

«هیچ کس مردار نمی خورد مگر اینکه بدنش ضعیف و رنجور می شود. نیروی او را می کاهد و نسل او را قطع می کند و آن کس که به این کار ادامه دهد با مرگ ناگهانی (مثل سکته) از دنیا می رود.» (۱)

ضررهای دیگری برای خوردن گوشت مردار در روایات برشمرده اند که عبارتند از: بدبویی بدن، ایجاد صفراء، بد اخلاقی، عصبانیت، قساوت قلب و از بین رفتن مهر و عطوفت، منجمد شدن خون و غیره. (۲)

یادآوری: از این روایات روشن می گردد استفاده از مردار علاوه بر ضررهای جسمی، دارای ضررهای روانی و اخلاقی هم می باشد. و در روایت آمده است به قدری گوشت مردار مهر و محبت را می برد که شخص حتی از کشتن فرزند و پدر خویش ایمنی نخواهد داشت.» (۳)

دستگاه گوارش نمی تواند از مردار، خون سالم و زنده بسازد و به علاوه مردار کانونی از انواع میکروب ها است. (۴) صاحب نظران و پزشکان به ضررهای دیگر خوردن مردار در کتب خویش اشاره کرده اند. (۵)

۲. خون: حرمت خوردن خون در چهار سوره ی قرآن کریم با الفاظ مختلف تکرار شده است. (۶)

موضوع خوردن خون در میان اقوام و ملل جهان سابقه ای طولانی داشته است و در دوران جاهلیت نیز از آن استفاده می کردند. متخصصان علوم پزشکی و

۱- (۱) . وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۱۰ به نقل از همان

۲- (۲) . بحارلانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۵

۳- (۳) . بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲

۴- (۴) . تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۵۸۵، به نقل پژوهشی ص ۲۱۶

۵- (۵) . ر.ک: طب در قرآن، ص ۱۴۱ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۶. فلسفه احکام، اهتمام، ص ۱۵۱؛ اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج ۸، ص ۲۱۰ و..

۶- (۶) . «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ...» (نحل / ۱۱۵،بقره / ۱۷۳،مائده / ۳، انعام / ۱۴۵)

غذایی اسرار علمی و فلسفه های مختلفی در مورد حرام بودن خوردن خون برشمرده و گفته اند: خون محیط مناسبی برای رشد انواع میکروب ها می باشد و در آزمایشگاه های طبی از خون برای کشت انواع باکتری ها به منظور مطالعه ی آنها استفاده می کنند و خون در معده بسیار سخت هضم می گردد. (۱)

در روایات نیز به برخی از ضررهای آن اشاراتی شده است از جمله:

امام صادق(علیه السلام) می فرمایند: خوردن خون باعث قساوت قلب و رفتن مهر و عاطفه و موجب تعفن بدن و تغییر رنگ چهره می شود. (۲)

ادیان الهی خوردن خون را از لیست غذاهای بشری حذف کرده اند، که نشان می دهد که تمدّن فعلی بشر تا چه حد مرهون زحمات انبیا است.

۳. گوشت خوک: خوردن گوشت این حیوان از نظر اسلام در لیست غذاهای ممنوع قرار گرفته است. «إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخِنْزِيرِ...» (بقره / ۱۷۳، مائده / ۳، انعام / ۱۴۵، نحل / ۱۱۵)

مصرف گوشت خوک هم ضررهای جسمی دارد و هم ضررهای معنوی و اخلاقی، مانند:

خوک غیرت ناموسی ندارد و جفت خود را در معرض استفاده ی خوک های نر دیگر قرار می دهد و لذت می برد و این خوی بی غیرتی در گوشتش تاثیراتی دارد. پس تغذیه از این گوشت باعث انتقال این صفت رذیله به انسان می گردد. (۳)

بیماری هایی که توسط مصرف گوشت خوک به انسان منتقل می گردد به طور خلاصه عبارتند از:

ص:۱۶۵

۱- (۱) . طب در قرآن، ص ۱۴۴

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۶۵، ص ۱۶۲

۳- (۳) . فلسفه احکام، ص ۱۶۲.

الف. کرم کدوی خوک که موجب نارسایی هایی در دستگاه گوارش می گردد.

ب. مرض لادردی که در مناطق مسیحی نشین زیاد یافت می گردد اما در میان مسلمانان یافت نمی شود.

ج. تری شینوز که اثرش التهاب جداره امعا: پیدایش جوش ها و دمل های پراکنده در تمام بدن و...

د. بیماری «بوتولیسم» که بر اثر ثقیل الهضم بودن گوشت خوک ایجاد می گردد.

گوشت خوک در بیماری هایی مثل: اسهال خونی، یرقان عفونی، اسهال آسیبی، بیماری شبه باد سرخ و تصلب شرائین و دردهای مفصلی و مسمومیت ها موثر است. خوک از خوردن چیزهای پلید و کثافت حتی مدفوع خود باک ندارد و از این رو معده اش لانه ی انواع میکروب ها و امراض است. (۱)

۴. ممنوعیّت نوشیدن شراب (خمر):

خدای متعال در قرآن کریم در چهار مرحله با مسئله ی شراب برخورد می کند در ابتدا مسلمانان را برای پذیرش این حکم آماده می کند و به تدریج اجتماع مسلمانان آن روز را از این خوی پلید پاک می کند.

قبل از ظهور اسلام، شراب خواری در بین بسیاری از ملت ها یک عادت و رسمی بود که این عادت هنوز هم در بسیاری از کشورهای غیرمسلمان رواج دارد.

حرمت و نجاست شراب و مسکرات از چند جهت قابل بررسی است و در روایات اهل بیت(علیه السلام) و سخنان متخصصان علوم پزشکی مطالب مختلفی در مورد ضررهای معنوی، اجتماعی و بهداشتی شراب آمده است که به اختصار بدانها اشاره می کنیم: (۲)

۱- (۱) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۱۵ - ۳۲۴

۲- (۲) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۳۱.

الف. شراب عقل را زایل و انسان را از حوزه ی انسانیت خارج و تبدیل به یک حیوان می کند تا آنجا که حتّی کشتن خانواده و فرزندان برایش عادی جلوه می نمایند.

ب. ابتلا به زخم معده ی حاد که ممکن است به مرگ منجر شود.

ج. اعتیاد مزمن به الکل به دستگاه عصبی آسیب وارد می کند و منجر به بیماری های عصبی در زمینه های مختلف می شود.

د. استفاده ی الکل به دستگاه گوارش صدمه وارد کرده و باعث بیماری های گوارشی مثل سرطان مری، التهاب حاد معده و ... می گردد.

م. نوشیدن الکل رابطه ی نزدیکی با بسیاری از بیماری های قلبی از جمله: ضعف ماهیچه های قلب و... دارد.

ه- . نوشیدن شراب باعث نارسایی های خونی مثل کاهش آهن خون و کاهش اسید کولیک در خون و ... می شود.

و. مصرف الکل تاثیر زیادی روی فعالیت های جنسی دارد، از جمله میل جنسی را افزایش می دهد ولی توان انجام فعالیت های جنسی را کم می کند و...

ز. الکل یکی از علل پنجگانه ی اصلی ابتلا به سرطان مغز است.

همچنین استفاده از شراب و مشروبات الکلی عوارض روحی و ذهنی بسیاری دارد که صاحب نظران و پزشکان در مورد ضررهای آن به طور مفصّل در کتاب های مختلف به آن پرداخته اند.

سوم: توصیه به غذاهای حلال و پاک (طیّب):

قرآن کریم توجّه خود را فقط معطوف به تحریم خبائث ننموده بلکه مردم را به غذاهایی مفید و مؤثر در سلامتی، راهنمایی کرده است و در این راستا می فرماید:

«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ؛ از تو می پرسند: چه چیزهایی برای شان حلال شده است؟ بگو:] همه ی [پاکیزه ها برای شما حلال گردیده.» (مائده / ۴، اعراف/ ۳۳، مائده / ۸۷ و ۸۸، نحل / ۵)

البته معنای کلمه ی «طیّب» در منفعت و ارزش غـذایی محـدود نمی گردد بلکه فواید روانی غذا را نیز در بر می گیرد و غذایی طیب باید حلال هم باشد:

«وَکُلُوا مِمَّا رَزَقَکُمُ اللّهُ حَلاَلاً ـ طَیِّباً» (۱)زیرا هنگامی که شـخص از دسترنـج خود غذا می خورد ضـمن دستیابی به یک لذّت و نشئه خاص، احساس سعادت و بزرگی نیز به وی دست می دهد. (۲)

انواع طیبات از دیدگاه قرآن:

۱. گوشت چهارپایان: (نحل / ۵) شـکی نیست که اگر گوشت را از رژیم غذایی انسان حذف کنیم، قادر به ادامه یک زندگی بهداشتی و طبیعی نخواهد بود؛ زیرا گوشت از هر غذای دیگری بیشتر پروتئین دارد.

کمبود پروتئین بـدن در دراز مـدت باعث اختلال در رشد طبیعی بدن، ضـعف عضـلات، کم خونی، کودنی و کم عقلی... می گردد.

۲. صید دریا: قرآن کریم می فرماید:

«وَهُوَ الَّذِی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْکُلُوا مِنْهُ لَحْماً طَرِیّاً؛ (۳)و او کسی است که دریا را رام ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید.»

نعمت های دریا شـگفت انگیز و بیشـمارند که از جمله ی آن، ماهی را می توان نام برد. گوشت ماهی دارای پروتئین زیادی با کیفیت خوب است و مقـدار زیادی ویتامین از جمله ویتامین A و ویتامین D دارد که ویتامین A ضد شب کوری و برای رشد بافت های پوست ضروری است و ویتامین D برای رشد و نمو استخوان بسیار مفید است.

۱- (۱) . مائده / ۸۸

۲- (۲) . طب در قرآن، ص ۱۶۲

۳- (۳) . نحل / ۱۴.

ماهی حاوی کلسیم است و دیگر امتیاز ماهی و محصولات غذایی دریایی غنی بودن آنها از نظر یُد است که عنصری ضروری و مورد نیاز برای غدهٔ تیروئید است. (۱)

۳. شیر چهارپایان: (نحل / ۶۶) شیر به تنهایی غذایی خالص، خوش طعم و کامل که خداوند به انسان ها ارزانی داشته است. شیر مملو از کلسیم است، کلسیم نمک مخصوصی برای استحکام استخوان های بدن، ناخن ها و موها است بدون کلسیم استخوان ها سست می شوند. دندان ها می پوسند، ناخن ها می شکنند و موها می ریزند.

۴. زیتون: (انعام / ۹۹ و مومنون / ۲۰) زیتون یک ماده ی غذایی بسیار ارزشمند است که مقدار زیادی چربی، پروتئین، کلسیم آهن و فسفات را در خود دارد و از نظر ویتامین های A و D و B کمپلکس بسیار غنی است قرآن با قسم خوردن به این میوه (والتین و الزیتون) توجه و حس کنجاوی بشر را به این میوه جلب کرده است و صاحب نظران فوائد بسیار فراوانی را برای این میوه برشمرده اند. (۲)

۵. خرما (نحل / ۱۱ و عبس / ۲۹): درصد بسیاری از ترکیبات خرما را مواد قندی تشکیل می دهند و از این نظر غنی تر از سایر میوه هاست. همچنین خرما بر هضم غذا موثر است و خاصیت ضد گرسنگی دارد و مناطقی که از خرما بیشتر مصرف می کنند کمتر مبتلاـ به سرطان می شوند خرما برای جوش و غرور جوانی مفید است، بیماران دیابتی به جای قند می توانند از خرما استفاده کنند. متخصصین فواید بسیاری برای خرما برشمرده اند که به ذکر همین مقدار اکتفا می کنیم. (۳)

۱- (۱) . همان

۲- (۲) . ر.ک: سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی، ص ۴۴۱

۳- (۳) . ر.ک: آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، ص ۷۳.

در روایات نیز اشاراتی به خواص پر اهمیت خرما شده است. (۱)

۶. انجیر (تین ۱ - ۴): خداونـد از یک طرف به انجیر قسم یاد می کند و از طرف دیگر بحث قوام انسان را مطرح می کند پس بین انجیر و قوام انسان ارتباط وجود دارد (والتین... لقد خلقنا لانسان فی احسن تقویم) دانشمندان بعد از تحقیقات در انجیر، به این نتیجه رسیده اند که انجیر تاثیر مستقیم در قوام و قدرت انسان و سلامتی بدن دارد و فوائد دیگری نیز برای انجیر برشمرده اند. (۲)

و در روایات اهل بیت نیز فوائد فراوانی برای انجیر حکایت شده است.

۷. عسل: قرآن عسل را مایه ی شفا معرفی می کند و می فرماید:

«يَخْرُجُ مِن بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ؛ (۳)از شکم هایشان نوشیدنی (عسل) بیرون می آید که رنگ هایش متفاوت [و] در آن برای مردم درمانی است.»

بسیاری از صاحب نظران، مفسّران و پزشکان در مورد اهمیت غذایی و دارویی (شفا بخش) عسل سخن گفته و به قرآن آفرین گفته اند که آن را «شفا» خوانده است.

اینک به طور خلاصه اشاراتی به آنها می کنیم:

الف. عسل دارای بیش از ۷۰ ماده ی مختلف است که برای بدن بسیار مفید است.

ب. عسل خاصیت ضد میکروبی و ضد عفونی دارد و میکروب ها قادر به حیات در عسل نیستند.

ج. عسل برای کودکان، هم یک ماده ی غذایی، و هم یک داروی ارزشمند است.

د. عسل در پیشگیری از عوارض تابش انواع اشعه و سرطان نقش بسزایی دارد.

۱- (۱) سفینه، ج ۱، ص ۱۲۴ و بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۴۱
۲- (۲) . آموزه های تندرستی در قرآن، ص ۷۷
۳- (۳) . نحل / ۶۱ و ۶۲.

کاربرد درمانی عسل:

۱. عسل در درمان بیماری های پوستی بویژه جوش های چرکی و زخم های کهنه و عفونی موثر است.

۲. عسل تاثیرات نیکویی بر بیماری های گوارشی دارد.

۳. عسل در درمان بیماری های تنفسی مثل بیماری سل، سیاه سرفه و التهاب ریه نقش موثر دارد.

۴. عسل از قدیم الایام در درمان بیماری های چشم به کار برده می شد.

همچنین عسل در بیماری های زنان و زایمان و بیماری های گوش، حلق و بینی و بیماری های قلبی و کلیه و دستگاه عصبی موثر است که صاحب نظران به طور مفصل به تشریح آنها پرداخته اند. (۱)

بنابراین:

۱. قرآن چیزهای را که طبع سالم انسان از آن متنفر و استفاده از آن برای او ناراحتی و بیماری های جسمی و روحی ایجاد می نماید حرام کرده است.

۲. علت و فلسفه ی حرمت برخی از امور، برای بشر با توجه به پیشرفت علم، روشن شده و ممکن است علت حرمت اینگونه غذاها منحصر به این امور نباشد و علت های دیگری هم در حرمت این غذا دخیل باشد که هنوز بشر پی به آن نبرده است. (۲)

۳. ممکن است در آینده حکم و اسرار و علل بهتری از آنچه تا حال کشف شده برای بشر آشکار گردد زیرا علم بشر خیلی محدود و به تصدیق دانشمندان

۱- (۱) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۴۰۶ - ۴۱۷

۲- (۲) . فلسفه احکام، ص ۲۳ با تصرف.

این عصر نسبت معلومات بشر به مجهولات او اندک است، و هر چه معلومات تازه برای بشر پیدا می شود مجهولات او زیادتر می گردد. (۱)

۴. فلسفه و علت برخی از احکام و قوانین اسلام هنوز روشن نشده است که به این موارد احکام تعبّدی می گویند و باید هر مسلمان بدانها عمل کند. و مسلّماً عقل و علم آنها را می پذیرد و ممکن است در آینده حکمت های آنها برای ما روشن شود چرا که این قوانین از طرف خدای حکیم وضع شده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی.

۲. تغذیه در قرآن، دکتر محمدرضا نوری.

۳. فلسفهٔ احکام، آیت الله احمد اهتمام.

۴. اسلام وبهداشت روان، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران.

۱- (۱) . همان.

پرسش:

رابطه ی وضو و غسل با بهداشت جسمانی چیست ؟

پاسخ:

در اسلام عباداتی وجود دارد که دارای دو جنبه است: یکی بُعد عبادی، که موجب تقرب انسان به خدا و کمال معنوی او می شود و دوم بُعد بهداشتی و درمانی، که برای محیط اجتماعی یا شخصی انسان آثار مفیدی دارد و سلامت انسان را تأمین می کند. مانند: نماز، وضو، غسل و روزه از این قبیل عبادات هستند. (۱)

وضو:

در قرآن مجید علت و فلسفه ی برخی احکام را، نظافت و پاکیزگی نشان می دهد برای مثال: در آیه ی وضو و تیمم می فرماید:

«مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُم مِنْ حَرَجٍ وَلكِن يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ (۲)یعنی خدا نمی خواهد، تا بر شما هیچ تنگ بگیرد، و لیکن می خواهد، تا شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ تا شاید شما سپاسگزاری کنید.»

البته ناگفته نماند که وضو و غسل نیز مثل سایر عبادات فلسفه ی آن بالاتر از فوائد مادی و نتایج جسمانی است؛ بلکه حکمت آن معنوی و روحانی و وصول به

۱- (۱) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ، ص ۳۴۸

۲- (۲) . مائده / ۶.

مقام قرب به مبدأ است و اشاره به همین معنا است حدیث «الوضوء نور و الوضوء علی الوضو نورٌ علی نور» که سر او از نور در فائده ی وضوء، صفا و قلب و حصول قرب می باشد و چراغی است که مؤمن را از ظلمات و مادیات نجات می دهد و به معنویات و ورود به ساحت قدس خداوند متعال رهبری می نماید. (۱)

اما اگر بخواهیم از دریچه ی بهداشت به مقوله ی وضو و غسل نگاه کنیم، جنبه های زیادی در این زمینه نمایان خواهد شد که اندیشمندان و پزشکان به آن اشاره کرده اند و در این زمینه کتاب هایی نیز نوشته اند و در روایات هم به جنبه ی بهداشتی آن اشاراتی شده است از جمله از امام رضا(علیه السلام) حکایت شده که در مورد حکمت وضو می فرمایند:

«و [وضو] برای این است که بنده در مقابل پروردگار خود پاکیزه باشد و قابل مذاکره و مکالمه گردد و اطاعت امر مولی نموده، از کثافات و نجاسات پاک گردد – و کسالت تن او بر طرف شود – و خواب از چشم او بیرون رود. تا این معارف به پاکی قلب او در مقابل عظمت خالق منتهی شود – و سبب وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پاها، آن است که این اعضا در نماز بیشتر به کار می آید زیرا نمازگزار با صورت سجده و خضوع می کند. و با دست خود حاجات خویش را عرضه می دارد و با سر خویش جهت قبله را حفظ می نماید و با پاهایش قیام و قعود نماز را انجام می دهد.» (۲)

برخی از صاحب نظران در مورد وضو حکمت هایی بیان کرده اند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

ص:۱۷۵

۱- (۱) . فلسفه احکام، ص ۱۸۶

۲- (۲) . اسرار الصلوۀ، به نقل از فلسفه احکام، ص ۲۵۱ (با تصرف مختصر در عبارت) و شیخ صدوق در علل الشرایع، ص ۲۷۹ – ۲۸۱ به برخی علل بهداشتی وضو اشاره کرده است.

۱. دست و صورت که غالباً در معرض میکروب های مختلفند بایـد هر روز چنـد مرتبه با عنوان وضو شسته شود به طوری که آب به پوست برسد و چربی و کثیفی ها را رفع نماید.

زیرا غیر از اعضای وضو (که زیر لباس است) کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می شود. (۱)

۲. پیش از این گمان می کردنـد ورود میکروب به داخل بـدن منحصـر به سوراخ های بـدن (مثل دهان) است؛ ولی اخیراً ثابت شـده است که ممکن است میکروب از سـطح پـوست نیز وارد بـدن شود و چون دست و صورت بیشـتر در معرض آلودگی ها واقع می شود دستور به شستن داده شد و در پا و سر به مسح اکتفاء شده تا موجب سختی نشود. (۲)

۳. در مسـح سـر و پا اگر مانعی باشد لازم است برای صـحت وضوء، آن موانع را برطرف نماییم در نتیجه نظافت محل سـر و پا هم تحقق می یابد و این خود یک نکته ی بهداشتی است، (۳) و یا حداقل احتمال آن را دارد.

۴. ماسـاژ دادن به روش هـای مختلف خاصـیت و فوائـد فراوانی برای بـدن دارد که وضو نیز همـان خاصـیت ماساژ را دارا می باشد، زیرا وقتی سطح اعضای وضو، آب سرد رسید و محل آن سرد شد برای حفظ درجه حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته ی اعضای وضو، دسـتگاه گردش خون به فعالیت سـریع مشغول می شود تا درجه حرارت بدن متعادل شود. و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه گردش خون که مهم ترین عنصر بدن است بوجود آید و بهداشت بدن را تأمین می نماید. (۴)

ص:۱۷۶

۱- (۱) . فلسفه احکام، ص ۱۸۸

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . همان

۴- (۴) . همان، ص ۱۹۰.

۵. در مورد نوع آب وضو (سرد بودن و پاک و مطلق بودن) و استنشاق (آب در بینی کردن) و مضمضمه (آب در دهان کردن) و مسواک قبل از وضو، مطالب بهداشتی جالبی است که در روایات و سخنان صاحب نظران و پزشکان بدان اشاره شده است. (۱)

غسل:

غسل، همانند وضو دارای دو بعد عبادی و بهداشتی می باشد. ما در اسلام غسل های متعددی داریم که برخی از آنها مستحب و برخی واجب است: مثل غسل جنابت - حیض - نفاس - استحاضه - مس میت - میت و ...

غسل علاوه بر اینکه باعث نورانیت باطنی انسان می شود و حالت معنوی در انسان ایجاد می کند و روح را طهارت و نشاط می بخشد؛ فواید بهداشتی و جسمانی نیز برای بدن دارد. که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

هر کدام از غسل ها فلسفه و علت خاصی دارد، مثلاً: در مورد غسل جمعه و غسل عیدهای مختلف، یکی از علت ها این است که چون در روزهای جمعه و أعیاد اسلامی برخی اجتماعات برپا می شود؛ مثل نماز جمعه و نماز عید و... و مردم از جاهای دور و نزدیک در یک جا دورهم جمع می شوند؛ بنابراین غسل موجب پاکیزگی می شود و بهداشت جسم و محیط را تأمین می کند و از طرفی بوی عرق و ... را از بین می برد و انس بین افراد بیشتر می گردد. (۲) برخی از پزشکان و صاحب نظران در مورد غسل جنابت فوایدی ذکر کرده اند، از جمله:

۱. غسل باعث نشاط بخشیدن به بدن و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه های عصبی موجود در پوست می گردد.

۲. غسل موجب احتقان خون در پوست و دستگاه تناسلی و دفع خون های جمع شده در این قسمت ها به سایر قسمت های بدن به ویژه قلب و مغز می شود.

۱- (۱) . فلسفۀ احکام، ص ۲ - ۲۴۱ و ۲۴۶

۲- (۲) . فلسفه احکام (اهتمام)، ص ۲۰۹.

۳. عمـل غسـل یک فعالیت عضـلانی است که موجب نشاط قلب و حس جریان خون در بـدن، و ورزش عضـلات ارادی بـدن است.

۴. غسـل، سـلامتی پوست را تأمین می کنـد تا بهتر به وظایف متعـدد خود عمل نمایـد که از مهم ترین آنها انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی است.

۵. زدودن سلول های مرده، مواد چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی ها از پوست از دیگر فوائد غسل می باشد. (۱)

۶. در روایت آمده که در زمان جنابت، منی از تمام بدن بیرون می آید و از این رو لازم است، تمام بدن شسته شود. (۲)

دانشـمندان امروز به این نتیجه رسـیده انـد که خارج شـدن منی از انسان، یک عمل موضـعی نیست (ماننـد بول و سایر زواید)؛ بـدلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشـکار می گردد و تمام سـلول های تن به دنبال خروج آن در یک حالت سـستی مخصوص فرو می روند. (۳)

۷. برخی در مورد ترتیب غسـل (سـر و گردن، سـمت راست و سـمت چپ) نیز نکات بهـداشتی و جسـمانی ذکر کرده انـد، از جمله:

وقتی انسـان بـا آب سـرد مشـغول به شسـتن یک عضو شـد درجه حرارت در اعضای بـدن مختلف می گردد؛ در نتیجه گردش خون به آن سمت شدید می شود و به دنبال آن عمل حیاتی دوران خون شدت پیدا می کند. همانطور که در وضو صورت می گیرد حتی اگر با آب گرم هم انجام شود باز این فرایند جریان پیدا می کند. (۴)

۱- (۱) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۵۸

۲- (۲) . بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۱ و همان

۳- (۳) . نمونه، ج ۴، ص ۲۸۴ و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۵۸

۴- (۴) . فلسفه احکام، ص ۲۰۶.

۸. پوست انسان هم دارای تنفس است و قریب ۲ میلیون منافذ جلدی روی پوست وجود دارد که در اثر برخی رسوب ها این منفذها مسدود می گردد؛ و تنفس پوست که از لوازم سلامتی و حیات است قطع و یا کم می شود؛ و در اثر غسل این روزنه ها باز و حیات و نشاط به آن بر می گردد، و فایده های بهداشتی دیگر که در کتب مربوطه به آن اشاره کرده اند.

یادآوری:

در پایان چند نکته لازم به ذکر است که:

وضو و غسل یک عبادت است که مقدمه ی نماز قرار می گیرد و پایین آوردن آن در حد یک عمل بهداشتی صحیح به نظر نمی رسد، هر چند که آثار بهداشتی این دستور الهی بر کسی پوشیده نیست.

آثار و فوایدی که برای وضو و غسل شمرده شد علت منحصر و تامه برای وضو و غسل نیست. بلکه ممکن است مصالح و مفاسد دیگری مثل مسائل معنوی و اجتماعی هم مورد نظر شارع بوده است. و آیندگان نکات علمی و دقیق تری از این عمل عبادی کشف کنند.

برخی از این آثار بهداشتی که از شستشوی بدن حاصل می شود، با شستشوی ساده بدن (بدون نیت و شرایط غسل) نیز حاصل می شود، پس معلوم می شود که این آثار، هدف اصلی شارع مقدس اسلام نبوده است، بلکه حداکثر می توان گفت: در دستور غسل و وضو برخی از این آثار نیز لحاظ شده است. (۱)

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات کتاب مبین.

۲. فلسفه احکام، احمد اهتمام.

۱- (۱) . ر.ک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۱.

پرسش:

دستورات بهداشتی قرآن چیست ؟

پاسخ:

دستورات بهداشتی قرآن را می توان در چهار محور خلاصه کرد:

۱. بهداشت تغذیه؛

۲. بهداشت جسم؛

۳. بهداشت مسائل جنسی؛

۴. بهداشت روح و روان.

در اینجا لازم است هر کدام از این موارد به صورت جداگانه پرداخته شود:

۱. بهداشت تغذیه:

توضیح آن در پاسخ پرسش های قبلی گذشت.

۲. بهداشت جسم:

در برخی از آیات قرآن اشارتی به بهداشت جسم شده است که علاوه بر جنبه ی تقرّب و پاکی و لطافت روح، حاوی نکات بهداشتی فراوانی نیز می باشد. اشارات بهداشتی قرآن عبارتند از: وضو، غسل، طهارت لباس و پاکیزگی محیط زیست و...

وضو: (۱) (مائده / ۶) نماز در اسلام جایگاه ویژه ای دارد که مقدمات آن از جمله، وضو گرفتن یا غسل کردن (مثل: غسل جنابت) و پاک کردن بدن و لباس از نجاسات و همچنین پاکی مکان نمازگزار و... موجب رعایت بهداشت شخصی می شود.

۱- (۱) . در مورد وضو و غسل در پاسخ به پرسش های قبلی مطالب مبسوطی بیان شد.

وضو از نظر بهداشتی و شستن صورت و دست ها در وضوء، پنج بار و یا حداقل سه بار در شبانه روز اثر قابل ملاحظه ای در نظافت بدن دارد. (۱) که البته صاحب نظران فواید بهداشتی دیگری نیز برای آن برشمرده اند. (۲)

غسل: (۳) (مائده / ۶) غسل همانند وضو، دارای دو جنبه ی (بهداشتی و عبادی) است. در مورد غسل جنابت روایتی از امام رضا(علیه السلام) وارد شده است که حضرت فرمودند:

«علّت غسل جنابت نظافت است و آدمی خود را از کثافات که به او رسیده پاکیزه کند و سایر بدن را پاک گرداند؛ زیرا منی از تمام بدن بیرون می آید از این رو لازم است تمام بدن را پاکیزه کند.» (۴)

متخصصان علوم پزشکی هم به این نتیجه رسیده اند که خارج شدن منی، یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زواید که لازم باشد فقط همان موضع شستشو شود)

به دلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می گردد و تمام سلول های بدن به دنبال خروج آن، در یک حالت سستی مخصوص فرو می روند. (۵) البته غسل حاوی برخی مطالب بهداشتی دیگر نیز هست که صاحب نظران به آن اشاره کرده اند. (۶)

۳. طهارت لباس: قرآن می فرماید: «وثیابک فطهر» (۷) پاکیزگی لباس یکی از خواسته های طبیعی انسان است که اسلام نیز بر آن تاکید کرده است. البته در

ص:۱۸۱

۱- (۱) . تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۱
۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۴۸،فلسفهٔ احکام، ص ۲۳۲ و ۲۳۵
۳- (۳) . در مورد وضو و غسل در پاسخ به پرسش های قبلی مطالب مبسوطی بیان شد
۴- (۴) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۶۰ و فلسفه احکام، ص ۲۵۹
۵- (۵) . تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۹۲ - ۲۹۴
۶- (۶) . فلسفهٔ احکام، ص ۲۶۰
۷- (۷) . مدثر / ۴.

مورد اینکه مقصود از آیه ی فوق (طهـارت لباس) چیست؟ نظریه های مختلفی مطرح است که پرداختن به آن ها ما را از بحث خارج می کند.

۴. پاکیزگی و بهداشت محیط زیست: قرآن درباره بهداشت محیط زیست می فرماید:

«وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛ و خـانه مرا برای طواف کننـدگان و (به نمـاز) ایستادگان و رکوع کننـدگان سجده گر پاک و پاکیزه کن.»

این آیه بر لزوم پاکیزگی محیط زیست به ویژه مساجد اشاره و تأکید دارد و یکی از شـروط صحت نماز، اقامه ی آن در محلی پاکیزه و دور از نجاسات است. (۱)

۳. بهداشت مسایل جنسی:

یکی دیگر از دستورات بهداشتی قرآن، بهداشت مسایل جنسی است.

قرآن در زمینه ی بهداشت مسایل جنسی، موضوعات علمی را مطرح می نماید، از جمله:

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه؛

۲. ممنوعیت زنا؛

۳. ممنوعیت هم جنس بازی (لواط)؛

۴. ممنوعیت خودارضایی (استمناء)؛

در اینجا به اشاراتی در مورد این مسائل اکتفا و بحث های مفصل تر را به مطالعه ی منابع پیشنهادی واگذار می کنیم.

۱- (۱) . طب در قرآن، ص ۱۳۱.

۱. ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه:

قرآن کریم می فرماید:

«یَسْأَلُونَکَ عَنِ المَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذیً فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِی الْمَحِیضِ وَلاَ تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّی یَطْهُرْنَ»؛ (۱)

«و از تو، در باره ی عادت ماهانه [زنان] می پرسند، بگو: آن رنجی است؛ از این رو در عادت ماهانه، از زنان کناره گیری کنید، و با آنان نزدیکی ننمایید، تا پاک شوند.»

یکی از حکمت های این دستور الهی، مصون ماندن از بیماری هاست که پزشکان مطالب زیادی در این زمینه نوشته اند. (۲)

۲. ممنوعیت زنا:

قرآن کریم از آن به عنوان «فاحشه» عمل زشت یاد می کند و برای پیشگیری از این عمل دستور به ازدواج می دهد و همچنین زنان را به رعایت حجاب و مردان را به کوتاه کردن نگاه فرامی خواند. قرآن می فرماید:

«وَلاَ تَقْرَبُوا الزِّنَی إِنَّهُ کَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِیلاً»؛ (۳)

«و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری است، و بد راهی است.»

که در مورد بیماری های مختلف آمیزش، صاحب نظران به طور مفصل بحث کرده اند. (۴)

۱- (۱) . بقره / ۲۲۲

۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۷۰ - ۳۷۱ و..

۳- (۳) . اسراء / ۳۲، فرقان / ۶۸، ممتحنه / ۱۲، نور ۲ - ۳ که با عبارات مختلف از زنا نهی می کند

۴- (۴) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۷۹.

۳. ممنوعیت هم جنس بازی (لواط):

قرآن دراین مورد در آیات ۱۶۵ و ۱۶۶ سوره ی شعراء و ۸۱ سوره ی اعراف و ۲۹ سوره ی عنکبوت مطالبی را در قالب، داستان قوم لوط بیان کرده و در ضمن آن این عمل را سرزنش و ممنوع و حرام کرده است.

این عمل عوارض و ضررهای بهداشتی متعددی (از جمله: سیفلیس، سوزاک، آتشک، گرانولوم آمیزشی و سست شدن عضلات مقعد و...) دارد. (۱)

۴. ممنوعیت استمناء:

استمناء، یعنی اینکه کسی کاری کند که از خودش منی بیرون آید این عمل در اسلام ممنوع و حرام شمرده شده و قرآن در سوره های (مومنون / ۵ - ۷ و مُعارج / ۲۹ - ۳۱) به آن پرداخته است.

متخصصان علوم پزشکی و صاحب نظران در مورد آثار زیانبار فراوان این عمل زشت سخن گفته و اثرات سوء آن را در حوزه های مختلف روانی و اخلاقی - اجتماعی - جسمی و ... بررسی کرده اند. (۲)

۴. بهداشت روح و روان:

محور دیگری که قرآن کریم در مورد آن دارای دستورات بهداشتی ارزشمندی است؛ محور بهداشت روان می باشد:

در این زمینه نیز صاحب نظران و اندیشمندان علوم قرآنی قلم فرسایی نموده و از دید قرآن و تاثیر شفابخشی آن سخن رانده اند که برای طولانی نشدن مطلب اشاراتی در این زمینه می نماییم.

۱- (۱) . همان، ص ۳۸۹

۲- (۲) . پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۳۹۲.

اضطراب و دلهره و دلواپسی و احساس ناتوانی و بی کفایتی فرد برای تعبیر و تفسیر حوادث موضوع نگران کننده و مهمی است که براساس تحقیقات جدید اختلالات اضطرابی از شایع ترین اختلالات روانپزشکی است. (۱)

در اینجا به ذکر برخی از راهکارهای قرآن در به وجود آمدن آرامش درونی و باز دارنده ی اختلالات خفیف روانی می پردازیم:

۱. توکل: توکل عبارت است از اعتماد به خدا در انجام کار و واگذاری امور به او؛ به طوری که فعالیت شخصی و تعادل روانی را افزایش می دهد و از اضطراب نرسیدن به هدف باز می دارد. این اعتقاد حالتی را در شخص به وجود می آورد که موجب می شود فرد در تمام حالات و رفتار خویش حضور پروردگار را در نظر بگیرد و در این حضور احساس قدرت و توانمندی کند (۲) که قرآن هم بر این مسئله در آیات مختلف تاکید می کند. (۳) از جمله:

«فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ الْمُتَوَکِّلِینَ؛ پس بر خدا توکّل کن؛ چرا که خدا توکّل کنندگان را دوست می دارد.»

۲. ایمان: از آثار مطلوب ایمان به خدا، آرامش است؛ آرامشی که موجب سکون نفس، ثبات قلب و ثبات عزم و اراده شده و مانع راهیابی هرگونه اضطراب در انسان می شود. (۴)

قرآن کریم می فرماید:

«هُوَ الَّذِی أَنزَلَ السَّکِینَهَ فِی قُلُوبِ الْمُؤْمِنِینَ»؛ (۵)

او کسی است که آرامش را در دل های مؤمنان فرو فرستاد.

۱- (۱) . اسلام و بهداشت روان، ج ۲، ص ۲۱۳

۲- (۲) . همان، ص ۱۳۲

۳- (۳) . ر.ک: المعجم المفهرس، واژه ی (وکل)

۴- (۴) . اسلام و بهداشت روان، ج ۲، ص ۲۱۷

۵- (۵) . فتح / ۴.

۳. ذکر و یاد خدا: قرآن کریم می فرماید:

«أَلاَ بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ (۱)

آگاه باشید، که تنها با یاد خدا دل ها آرامش می یابد!

که البته منظور از ذکر خدا ذکر زبانی و فکر و قلبی و ترک گناه و... می باشد که یاد خداوند در آرامش و بهداشت روان بسیار موثر است.

۴. صبر: یکی از اساسی ترین روش های مقابله با استرس و عوارض ناشی از آن، صبر است. قرآن کریم می فرماید:

«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَعِینُوا بِالصَبْرِ وَالصَّلاَةِ إِنَّ اللّهَ مَعَ الصَّابِرِینَ»؛ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! بوسیله شکیبایی و نماز، یاری جویید؛ [چرا] که خدا با شکیبایان است.

۵. توبه و استغفار: یکی از عوامل اضطراب زا احساس گناه است که تا حد زیادی تعادل روان انسان را به هم می زند. قرآن در برخورد با این مسئله توبه و توجه به رحمت وسیع پروردگار را توصیه می کند.

قرآن کریم می فرماید:

«إِلَّا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحاً فَأُولئِکَ یَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلاَ یُظْلَمُونَ شَیْئاً»؛ (۳)

مگر کسانی که توبه کنند، و ایمان آورند، و [کار] شایسته انجام دهند؛ پس اینان داخل بهشت می شوند، و هیچ ستمی بر آنان نخواهد شد.

راهکارهایی که قرآن درباره بهدشت روان فرا سوی بشر قرار می دهد؛ بسیار زیاد است که ذکر همه ی آنها در این مجال نمی گنجد.

ص:۱۸۶

۱- (۱) . رعد / ۲۸

۲- (۲) . بقره / ۱۵۳

۳- (۳) . مریم / ۶۰.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین، رشت.

۲. تغذیه در قرآن، دکتر محمدرضا نوری.

۳. فلسفۀ احکام، آیت الله احمد اهتمام.

۴. اسلام وبهداشت روان، مجموعه مقالات، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه علوم پزشکی ایران، نشر معارف.

ص:۱۸۷

فصل چهارم: قرآن و غذاشناسی

اشاره

ص:۱۸۸

پرسش:

چرا قرآن به زیتون و انجیر قسم یاد کرده است ؟

آیا به خاطر فواید غذایی آنهاست؟

پاسخ:

پرسش را در دو بخش بررسی می کنیم:

اول: حکمت و فلسفه ی سوگند در قرآن؛

دوم: سوگند قرآن به انجیر و زیتون و حکمت آن.

اول: چرا خداوند سوگند یاد کرده است؟

مفسّران و صاحب نظران علوم قرآنی دلایل متعددی را برای قسم های قرآن بر شمرده اند که با بررسی آنها مطلب روشن می گردد:

۱. برخی قائلند سوگندهای قرآن به خاطر نشان دادن عظمت و تأکید بر مطلبی است که بعد از قسم می آید. یعنی این مطلبی که دنباله ی آیات معمولاً بیان می کند؛ مطلب مهمی است. (۱)

۲. حکمت دوم قسم های قرآن این است که گاهی خداوند می خواهد عظمت آن مطلبی را که به آن سوگند یاد کرده، نشان دهد. (۲)

همچنین سوگندهای قرآن فکر و عقل انسان را توسعه می دهد؛ در واقع تمام هستی را جولانگاه فکر بشر قرار می دهد و وی را در عالم محسوسات و مادی و

۱- (۱) . تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ج ۲۷، ص ۳۹

۲- (۲) . تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۳۹.

عالم غیب به پرواز در می آورد زمین و خورشید و ستارگان و کهکشان ها و حتی انجیر و زیتون را در برابر فکر او عرضه می کند تا همه و همه را مورد مطالعه قرار دهد و با تحقیق و دقّت آنها را بررسی کند. (۱)

۳. احتمال دارد که در سوگندهای قرآن «رَب» در تقدیر است، یعنی «والفجر» در اصل «رب الفجر» بوده، یعنی سوگند به پروردگار سپیده دم و اصولاً هر جا خداوند به امور مادی قسم می خورد یک «رب» در تقدیر است. مثلاً سوگند به پروردگار خورشید، سوگند به پروردگار ماه و ...

در نتیجه می توان این سه احتمال را با هم جمع کرد، زیرا با هم منافاتی ندارند، به هر حال سوگندهای قرآن هم اشاره به عظمت مطلبی که به آن قسم یاد شده و هم عظمت مطلبی که برایش قسم خورده دارد و هم بر عظمت خالق آنها ناظر است. بنابراین قسم ها و سوگندهای قرآن برای اثبات راستگویی خداوند تبارك و تعالی نیست؛ بلکه برای نشان دادن عظمت اینگونه مطالب و اهمیت آنهاست.

دوم: چرا خداوند به انجیر و زیتون قسم خورده است؟

یکی از قسم های قرآن، قسم به انجیر و زیتون است که مفسرین احتمالاتی در مورد این دو قسم ذکر کرده اند، مانند:

الف. مراد از «تین»، کوهستانی است که «دمشق» بر بلندی آن واقع شده؛ و منظور از «زیتون» کوهستانی است که «بیت المقدس» بر بالای یکی از کوه هایش بنا شده است. و اطلاق نام دو میوه ی «انجیر» و «زیتون» بر این دو کوه، شاید برای این بوده که این دو میوه در این دو منطقه می روید و سوگند خوردن به این دو منطقه هم شاید به خاطر این بوده که عده ی بسیاری از انبیا در این دو منطقه مبعوث شده اند.

۱- (۱) . سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی، ص ۴۵.

ب: برخی «تین» و «زیتون» را اشاره به دو دوران حضرت آدم و حضرت نوح(علیه السلام) می دانند؛ چرا که لباسی که آدم و حوا در بهشت پوشیدند از برگ درختان انجیر بود و در پایان طوفان نوح، شاخه ی زیتونی از آب بیرون آمد که نوح فهمید طوفان پایان یافته است.

ج. در روایتی وارد شده که «تین» مدینه و «زیتون» بیت المقدس است. (۱) البته احتمالات دیگری در این باره ذکر شده است. (۲)

د: مقصود دو میوه ی معروف می باشد. اگر این دو قسم را بر معنای ابتدایی آنها حمل کنیم یعنی «انجیر» و «زیتون» دو میوه ی معروف؛ باز سوگند با معنایی است. زیرا انجیر و زیتون دارای ارزش غذایی فراوانی است که غذاشناسان و پزشکان فوائد بسیاری را برای آنها بر شمرده اند که برخی از آنها را در اینجا مطرح می کنیم:

زیتون:

بی شک تمامی میوه هایی که خداوند منان آفریده، ارزشمند است، ولی نباید تردید کرد که برخی از آنها از لحاظ ارزش و خاصیت غذایی، به نوعی بر دیگری برتری دارند؛ در این میان «زیتون» از جمله میوه هایی است که هم دارای خاصیت غذایی، و هم ارزش دارویی و هم منبعی برای سوخت و ایجاد روشنایی است، از برگ و هسته ی آن نیز استفاده می شود. (۳)

به گفته ی برخی متخصصین زیتون معجزه گراست و برای درمان بسیاری از بیماری ها از جمله درمان نقرس، تصلب شرائیین، فشار خون و دردهای عصبی موثر است.

۱- (۱) . تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۶۰۶، حدیث ۴، به نقل از همان

۲- (۲) . ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۱۴۰

۳- (۳) . از معدود میوه هائی است که قرآن از آن نام برده است. نحل / ۱۱، مومنون / ۲۰.

نکته ی قابل توجه اینکه در میان مواد غـذایی چه نباتی و چه حیوانی، هیـچ ماده ی غـذایی به انـدازه ی زیتون دارای «پتاسـیم» نیست، و اگر بـدانیم «پتاسـیم» چیست؟ و چه نقشـی در حفظ حیات ما دارد؟! خواهیم فهمید چرا باید زیتون را مورد توجّه قرار داد.

به طور خلاصه، «پتاسـیم» در سازندگی عضـلات بدن و انرژی بدن موثر است و در ساختمان ترشحات غدد داخلی بدن به کار رفته است که در حفظ نیروی فعال و نشاط زندگی لازم است.

و از طرفی کمبود «پتاسیم» در بدن، رشد را متوقف می سازد پلکها متورم می شود و دستگاه تنفس دچار اختلال می شود.

«پتاسـیم» در فعالیت و قـدرت تصـفیه و شسـتشوی سـلول های کبدی، مؤثر است، و موجب می گردد کبد مواد سـمی و اوره و اسیداوریک را بهتر و بیشتر از خون گرفته خارج نماید.

«پتاسـیم» در قدرت دفعی کلیه ها نقش اساسـی دارد و موجب فعالیت بیشتر کلیه ها و دفع مواد سمی از خون می گردد و بدین لحاظ «پتاسیم» را، از داروها و درمان کننده ی بیماری های کلیه می دانند.

«پتاسیم» حتی در ساختمان گلبول های قرمز خون وجود دارد و در فعالیت و سازندگی و حفظ آن اثر دارد.

غیر از پتاسـیم - که وجودش برای ادامه ی حیات و حفظ تندرستی ما ضروری است - مواد معدنی دیگری چون فسفر، کلسیم، منیزیم، آهن در زیتون وجود دارد که هر کدام نقش شگرف و سازنده ای در زندگی ما دارند. (۱)

ص:۱۹۳

۱- (۱) . قسم های قرآن، ابوالقاسم رزاقی، ص ۴۴۱.

انجیر:

«انجیر» نیز میوه ای است که جنبه ی دارویی فراوانی دارد و چیز زائدی ندارد و تمامش خورده می شود غذای لطیف و سریع الهضم است و لینت طبع می آورد، بلغم را تحلیل می دهد و کلیه ها را پاک و سنگ مثانه را از بین می برد و راه کبد و سپرز را باز می کند و بدن را فربه می سازد. (۱)

«انجیر» دارای مواد و ترکیبات غذایی و دارویی سبک و خوشخوراک است که تازه و خشک آن، گوشت و هسته و پوستش برای همه و هر سنی قابل استفاده و گواراست. (۲)

و در روایتی از امام رضا(علیه السلام) آمده است: «انجیر بوی دهان را می برد، لثه ها و استخوان ها را محکم می کند، مو را می رویاند، درد را بر طرف می سازد، و با وجود آن نیاز به دارو نیست، و همچنین می فرماید: انجیر شبیه ترین میوه به میوه ی بهشتی است.» (۳)

انجیر حاوی مقدار زیادی «فسفر» می باشد که در تقویت هوش و حافظه بسیار موثر است نیز سرشار از «پتاسیم» که برای سلامتی کودکان ضعیف و کم خون و بی اشتها مفید می باشد، مقدار قابل توجهی، کلسیم دارد، که هم سازنده ی خون و استخوان و هم در ایجاد عضلات بدن و نیروی اعصاب و افزایش قدرت جسمانی مؤثر است.

۱- (۱) . سفینه البحار، ج ۱، ص ۱۲۸، به نقل از سوگندهای قرآن، ص ۴۴۶

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . کافی، ج ۶، ص ۲۵۸ و همچنین علامه مجلسی در بحارالانوار، ج ۶۶، ص ۱۸۴ روایات متعددی در مورد انجیر آورده است.

امروزه کارخانجات بزرگ داروسازی، از مواد موجود در انجیر و خواص حیاتی آن برای ساخت داروهای لازم جهت درمان و دفع سموم بدن استفاده می کنند. (۱)

بنابراین:

با در نظر گرفتن کلام مفسرین و صاحب نظران و توجه به فوائد غذایی سرشار «زیتون» و «انجیر» می توان گفت: قرآن با سوگند به این دو میوه توجه و حس کنجکاوی انسان را نسبت به این دو غذا جلب کرده است و شاید یکی از حکمت های مهم سوگند قرآن به این دو میوه به اهمیت و ارزش غذایی آن باشد.

منابع جهت مطالعه:

۱. قسم های قرآن، آیت الله مکارم شیرازی.

۲. سوگندهای قرآن، ابوالقاسم رزاقی.

۳. تحلیلی بر سوگندهای قرآن، محمد فاکر میبدی.

۴. گیاهان در قرآن، دکتر محمد اقتدار حسین فاروتی.

۱- (۱) . مکتب اسلام، سال ۱۱، ش ۹، ص ۶۰ و ۶۱ به قلم دکتر محمدحسین حاجبی، به نقل از سوگندهای قرآن رزاقی، ص ۴۴۸.

پرسش:

چرا هنگام غذا خوردن توصیه شده که نمک بخورید؟

پاسخ:

پاسخ را در دو بخش ارائه می دهم:

بخش اول: «نمک» در آیینه ی روایات.

بخش دوم: «نمک» از دریچه علم.

اما بخش اول: با بررسی روایاتی که در مورد نمک آمده، می توان آن ها را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. دسته ای از روایات فقط فواید عام خوردن نمک را بیان می کنند.

از حضرت علی(علیه السلام) در این مورد حکایت شده که می فرماید:

«ابدوا بالملح فی اوّل طعامکم فلو یعلم الناس ما فی الملح لاختاروه علی التریاق المجرب؛ (۱) با نمک خوردن در اول غذا، غذا خوردن را شروع کنید، که اگر مردم بدانند چه خاصیتی در نمک است، هر آیینه بر تریاق] بهترین دوای موثر [تجربه شده آن را بر می گزیدند.»

۲. دسته ای دیگر علاوه بر بیان فواید عام نمک، فواید خاص استعمال نمک را نیز بیان می کنند که نمونه های آن به شرح زیر است.

۱- (۱) . کتاب کافی، مرحوم کلینی، ج ۶، ص ۳۲۵ و کتاب المحاسن، احمد خالد برقی، ج ۲، ص ۵۹۰ و... که در این دو کتاب و سایر کتب مثل المقنع شیخ صدوق و بحارالانوار علامهٔ مجلسی، ج ۶۳، ص ۳۹۰ به بعد، روایات درباره نمک به طور مفصل آورده شده است.

۱. عن الصادق(علیه السلام): قال رسول الله(صلی الله علیه و آله) لعلی(علیه السلام): «یا علی افتتح بالملح و اختم به فانه من افتتح بالملح و ختم به عوفی من اثنین و سبعون نوعاً من انواع البلاء منها الجنون و الجُذام و البرص؛ از امام صادق(علیه السلام) نقل شده که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) به حضرت علی(علیه السلام) فرمود: ای علی! غذا را با نمک آغاز و با آن پایان ده؛ که هر کس چنین کند از ۷۲ نوع از انواع بلا، در امان است، که از آن جمله جُنون و جذام و پیسی می باشد.»

و در ادامه ی روایتی دیگر، مشابه همین روایت از پیامبر(صلی الله علیه و آله) نقل شده است: (۱)

«از آن جمله پیسی و دردهای گلو و دندان ها و دردهای شکم می باشد.» (۲)

و نیز از امام صادق(علیه السلام) نقل شده است:

«هر کس اوّل و آخر غذا نمک بخورد، لکه های سیاه و سفید صورتش برطرف خواهد شد.» (۳)

بخش دوم: «نمک» از دریچه ی علم.

همانطورکه می دانید نمک به خاطر داشتن «اسید»، بهترین داروی ضد عفونی کننده است، چرا که هیچ نوع میکروبی نمی تواند درنمک رشد و نمو یا زندگی کند.

دانشمند محترم دکتر تومانیانس در کتاب خود به نام « Hygienic ruler in Islam » فوائد استعمال نمک پیش از غذا را، چنین می نگارد:

۱. براساس علوم پزشکی، دهان محل جمع شدن انواع و اقسام میکروب ها می باشد، که در اثر استعمال نمک پیش از غذا آنها بر طرف می شوند.

۱- (۱) . به نقل از کتاب قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان، چاپ بیستم، ۱۳۶۲

۲- (۲) . همان

۳- (۳) . کتاب کافی، ج ۶، ص ۳۲۵.

۲. آب دهـان (بزاق) از چشـمه هایی به نام غُـدد بزاقی ناشـی و جاری می باشـند، که هر چه زیادتر با غـذا مخلوط شونـد غـذا زودتر از گلو پایین می رود و زودتر هضم می شود.

بـا وارد شـدن نمـک در دهـان، غـدد اطراف دهان تحریک می شود و ترشـح آنها زودتر می گردد، و از این رو غـذا را زودتر هضم و حل می سازد، و برای بلع و هضم حاضر می نماید.

۳. نمک وقتی وارد معـده ی خالی از غذا می گردد، غدد معده را هم تحریک می کند و ترشـحات زیادتری بوجود می آورد. پس «اسفیورت» نمک سبب زود بلعیدن و زود هضم شدن غذا می شود.

۴. از آنجا که نمک پیش از غذا تحریک کننده ی غدد هاضـمه است. در اثر تحریک غدد هاضـمه، انسان به غذا خوردن میل پیدا می کند، و سبب زیاد شدن اشتهاء می گردد.

۵. چنـانچه مواد شـیمیایی بیش از مقـدار معمول در معـده ترشـح شود موجب سوء هاضـمه می گردد و نمـک پیش از طعام به خاطر اثر اسیدی که دارد آن را خنثی و بی اثر می کند و سوء هاضمه را بر طرف می نماید.

۶. در بـدن و خون و ساختمـان جسم مقـدار معینی نمـک وجود دارد که اگر از آن کم شود موجب امراض مختلفی در اعضاء بدن می گردد، در این صورت وقتی نمک پیش از طعام وارد معده شد مقدار مورد نیاز را برای کمبود در خود نگه می دارد و در حقیقت مقدار از دست رفته را جبران می کند.

۷. بـدن انسـان برای برطرف کردن نمـک، احتیـاج به آب دارد و اسـتعمال نمـک پیش از خـوراک، انسـان را به نوشـیدن آب مجبور می نماید و این خود سبب ازدیاد «ادرار» و شستشوی کلیه و مثانه می شود.

۸. نمک، زیاد کننده ی ترشحات غدد امعاء مخصوصاً در قسمت هضم و جذب می باشد از این رو استعمال آن پیش از صرف طعام بهترین وسیله برای زود هضم شدن و هضم گردیدن مواد غذایی است.

۹. در اثر نمـک خوردن، مقـداری از آب هـا از روزنه های پوست بـدن بیرون می آیـد، در نتیجه سوراخ های تنفسـی پوستی، پاک و پاکیزه می شوند.

۱۰. اسـتعمال نمک بعد از صـرف غذا، غدد بزاقی را تحریک می کند و باعث زیاد شدن، آب دهان می گردد و انسان ناگزیر به فرو بردن و یا بیرون کردن آن از دهان می شود که در هر دو صورت چربی یا غذای باقی مانده در دهان و بین دندان ها، به همراه آب دهان برطرف می شود.

۱۱. اگر انسان طعامی را بخورد و نمک آن کم باشـد، و یا در معـده ترشـحات مواد نمکی نباشـد، باعث دیر هضم شـدن یعنی سوء هاضمه می گردد، پس در این صورت اگر پیش از غذا نمک خورده شود این دو ضرر را جبران می نماید.

یادآوری:

بـدیهی است که این فوائـد، برای اسـتعمال مقـدار منـاسب نمک می باشـد، و اگر در مصـرف نمک افراط و تفریط شود باعث تحریک قلب و امراض گوناگون نیز خواهد گردید.

در ضـمن فوایـد نمـک برای انسـان هـای سـالم و متعادل و به صورت غالبی است، ولی برای افراد بیمار، یا گاهی برای افرادی خاص، ممکن است برخی داروها نیز ضرر داشته باشد که باید مصرف آن را پزشکان تجویز کنند.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. قرآن و علوم روز، سید جواد افتخاریان.

۲. اصول کافی، کلینی، ج ۶، ص ۳۲۵ به بعد.

ص:۱۹۹

پرسش:

مقصود از شفا بودن عسل چیست ؟

قرآن خوردن عسل را شفا می داند، لطفاً فواید علمی و پزشکی آن را بیان کنید؟

پاسخ:

عسل غذای لذیذی است که زنبور عسل آن را تولید می کند و قرآن نیز بدان توصیه کرده است:

«فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ؛ (۱) خوردن عسل برای مردم شفاء است»

پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله) فرمودند: «لم یستشف المریض بمثل شربهٔ العسل؛ (۲) هیچ مریضی، به مانند نوشیدن عسل شفاء پیدا نمی کند.»

واژه ی «شفاء» در قرآن، درباره ی خوردنی ها به کار نرفته و فقط عسل را شفا دانسته است. و نام یک سوره از قرآن، به نحل (زنبور عسل) اختصاص داده شده است و قرآن درباره ی وحی به زنبور عسل می فرماید:

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه ها و درختان و داربست هایی که (مردم) می سازند، خانه هایی برگزین و تمام ثمرات (و شیره ی گلها) بخور (خوردن در اینجا مجاز است منظور نوشیدن خاص است) و

۱- (۱) . نحل / ۶۹

۲- (۲) . بحارالانوار، علامه مجلسی، موسسه الوفاء، بیروت، ج ۶۶، ص ۲۹۲.

راه هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است براحتی بپیما... و از شکم هایشان شرابی با رنگ های مختلف خارج می شود که در آن برای مردم شفا است بیقین در این امر نشانه ی روشنی است برای جمعیّتی که می اندیشیدند.» (۱)

فواید عسل:

دانشمندان با تحقیقات خود، فواید زیادی برای عسل ارائه داده اند. ما در اینجا به طور خلاصه به آن ها اشاره می کنیم:

مواد معدنی: پتاسیم، آهن، فسفر، ید، منیزیم، سرب، منگنز، آلومینیوم، مس، سولفور، کرومیوم، لیتیوم، نیکل، روی، اسمیوم، تینانیم، سدیم، و مواد آلی، مانیت ها، ضمغ، پولن، اسید لاکتیک، اسید فرمیک (که ترکیب عسل با آن از فساد عسل جلوگیری می کند و ضد رماتیسم است)، اسید مالیک، اسید تارتاریم، اسید اگزالیک، اسید سیتریک، رنگ ها، روغن های معطر، ازته و از مواد معدنی عسل به شمار می آیند.

مواد تخمیری: انورتاز، آمیلاز، کاتالاز که در هضم غذا مفید است.

عناصر دیگر عسل: گلوکز، لولز، ساکارز، دکسترین، مواد البرمینوئید، سولفات ها، انورتین، آب...

عسل دارای ویتامین های شش گانه ی (A,B,C,D,K,E) و برخی هم گفته اند که ویتامین « PP » دارد. (۲)

* حدود ۷۰ مواد معدنی (۳) تخمیری و ویتامین ها در عسل وجود دارد، و برای درمان یا تقویت یا پیشگیری امراض پوستی، (دمل ها، جوش ها ترمیم

ص:۲۰۱

۱- (۱) . نحل / ۶۹ - ۶۸

۲- (۲) . اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دکتر پاک نژاد، کتابفروشی اسلامی، ج ۵، ص ۱۲۹

۳- (۳) . نفحات من اعجاز طبی قرآن، ص ۶۰.

ضایعات بافت ها و ...) گوارشی، قلب و دندان، تقویت رشد طفل، سرطان، تنفس، کبد، صفرا، چشم و گوش، بینی، مرض زنان و برای تقویت نسل و بچه و ... مؤثر است. (۱)

* عسل از مهم ترین مواد قندی طبیعی است و تاکنون ۱۵ نوع قند در آن کشف شده است. مانند: فرکتوز ۴۰٪، گلوکز ۳۰٪، نیشکر ۴۰٪.

* یک کیلوگرم عسل، حاوی ۳۲۵۰ کالری حرارت است.

* عسل، پادزهر افیون خوردگی و نیش حشرات است.

* عسل آب پز، برای ریزش بول تأثیر بسزائی دارد.» (۲)

* عسل از جمله بیماری های: اعصاب، بی خوابی، درد پهلو، سیاتیک، دیفتری، مرض کم خونی، امراض کبد، بیماری های استخوان، ریه، ایجاد رشد و نیرو، کمی و زیادی فشار خون را علاج می کند، و همچنین فوائد زیادی برای درمان «یرقان» دارد.

* خوردن عسل، در حال ناشتا، برای زخم معده و اثنی عشر و کاهش ترش کردن معده مفید است. برای تنظیم قند خون موثر است. ضدعفونی کننده مجاری ادرار و هم چنین در پیشگیری از زکام مفید است. (۳)

* نوشته اند که در مصر، عسلی چندین هزار ساله پیدا شد که فاسد نشده است، (۴) چون دارای اسید فرمیک است و عسل را فاسد نمی کند.

ص:۲۰۲

۱- (۱) . دکترعبدالحمید دیاب و دکتر قرقوز، طب در قرآن، انتشارات حفظی، تهران، ترجمه چراغی، ص ۲۵

۲- (۲) . قانون طب، بوعلی سینا، ص ۲۶۹

۳- (۳) . اسلام پزشک بی دارو، احمد امین شیرازی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۷۳، ص ۱۱۷به نقل از اسرار خوراکی ها، ص ۲۷۴

۴- (۴) . اسرار خوراکی ها، جزایری، ص ۲۸۱.

* عسل دارای عوامل قوی ضد میکروب است. و میکروب هایی که عامل بیماری انسان ها هستند قادر به ادامه حیات در عسل نیستند، از جمله وجود آب اکسیژنه در عسل، موجب از بین رفتن میکروب است و هیچ گونه قارچی در آن رشد نمی کند.

* برای رشد کودکان و نیز برای درآمدن دندان، جلوگیری از اسهال و سوء تغذیه و ... مفید است.

* تحقیقات نشان داده است که زنبور داران کمتر به سرطان مبتلا می شوند.

* عسل برای زخم معده و التهاب معده مفید است، و نقش موثری در تنظیم اسیدهای معده دارد.

* عسل برای بیماری های چشم مانند: التهاب پلک ها، التهابات قرنیه (سل چشم، سیفلیس، تراخم) زخم قرنیه، سوزش چشم، موثر است.

نکته:

با توجه به موارد فوق، عسل غذایی است که مردمان قبل از اسلام و ادیان گذشته بر آن تأکید داشته اند و بیان قرآن به مسئله شفا بودن عسل، یک شگفتی علمی است نه اعجاز علمی، به سبب اینکه قبل از اسلام اهمیّت و فواید آن را یافته بودند و در طب جالینوسی و بقراطی یونانی فواید آن آمده است.

یادآوری:

لازم به ذکر است که عسل زمینه ساز آثار فوق است نه علت تامه. یعنی ممکن است به خاطر وجود موانعی، اثر نکند، یا برای بیماری خاصی اثر منفی داشته باشد. در نتیجه شفا بخشی عسل غالبی است نه در همه ی موارد.

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه فرمایید:

۱. اسلام پزشک بی دارو، احمد امین شیرازی، انتشارات اسلامی، ص ۱۱۷.

۲. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، انتشارات مبین، ص ۴۰۶ – ۴۱۷.

۳. دکتر عبدالحمید دیاب و قرقوز، طب در قرآن، ترجمه چراغی، انتشارات حفظی، ص ۲۵.

پرسش:

منظور از شفاء بودن قرآن چیست ؟

پاسخ:

شفا بودن قرآن در آیات متعددی مطرح شده از جمله در سوره ی اسراء می فرماید:

«وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلاَ يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَاراً؛ (۱) و از قرآن آنچه شفا و رحمت است برای مؤمنان، نازل می کنیم؛ و ستمگران را جز خسران (و زیان) نمی افزاید.»

و در سوره ی یونس می فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم مَوْعِظَةٌ مِن رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدىً وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ (۲) ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است؛ و درمانی برای آنچه در سینه هاست؛ (درمانی برای دل های شما؛) و هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.»

در اینجا لازم است به چند مطلب اشاره شود:

الف: مفهوم شناسی:

واژه ی «شفاء» به معنای صحت و سلامت است (۳) و در مقابل بیماری، عیب و نقص می آید.

۱- (۱) . اسراء / ۸۲

۲- (۲) . یونس / ۵۷ و با تعبیر دیگر فصلت / ۴۴

۳- (۳) . قاموس قرآن، سید علی اکبر قرشی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ذیل ماده شفاء.

ب: بیماری های انسان:

بـا بررسـی ابعـاد مختلف انسـان در می یـابیم نمی توان برای انسـان فقط بیماری جسم را در نظر گرفت و در بهبودی آن تلاش کرد بلکه انسان دارای دو بعـد جسـمی و روحی می باشد که ممکن است هر کدام در معرض بیماری قرار گیرند و بیماری هر کدام موجب اختلال در کارایی ابعاد دیگر انسان شود. از این رو می توان بیماری های انسان را به سه نوع تقسیم کرد:

۱. اعتقادی؛ ۲. روحی - روانی؛ ۳. جسمی.

برای توضیح بیشتر، ضرورت دارد به هر کدام از آنها به صورت جداگانه پرداخته شود.

۱. قرآن و درمان بیماری های اعتقادی:

نزول قرآن در مرحله ی اول برای درمـان بیمـاری هـای اعتقـادی مردم بوده است تـا آنهـا را از شـرک و کفر و تـاریکی هـا به توحید و اسـلام و روشـنایی رهنمون سازد؛ در آیات متعددی به این مسئله پرداخته شده که هدف قرآن این است که شما را از ظلمت جهـل به نور دانش، از کفر به نور ایمـان، از ظلمـات سـتمگری به نور عـدالت،از فسـاد به صـلاح، از گنـاه به نور تقوی رهبری کند. (۱)

امراض اعتقادی و قلبی از امراض جسم شدیدتر است. از این رو قرآن شـفاء و رحمت است؛ یعنی درمان برای امراض اعتقادی مانند کفر، نفاق، شرک، و در نفوذ معرفت و شناخت، توحید و ... در قلب رحمت است.

۲. قرآن و درمان بیماری های روحی:

برای رعایت اختصار به دو بخش از این بیماری ها می پردازیم:

۱- (۱) . ابراهیم / ۵ و ۱؛ مائده / ۱۵ و ۱۴؛ ر.ک: قرآن در قرآن، مهدی احمدی، ۱۳۷۴، اشراق، قم، ص ۲۳۲.

بدون شک بیماری های روحی و اخلاقی انسان، شباهت زیادی با بیماری های جسمی او دارد. هر دو کشنده است. هر دو نیاز به طبیب و درمان و پرهیز دارد. قرآن نسخه ای حیات بخش برای کسانی است که می خواهند با کبر، غرور، حسد و نفاق به مبارزه برخیزند. و همچنین برای برطرف کردن ضعف ها و ترس ها، اختلاف ها و پراکندگی ها و برای کسانی که عشق به دنیا و وابستگی به مادیات و تسلیم بی قید و شرط در برابر شهوت ها می باشند؛ شفا بخش است. (۱)

حضرت علی(علیه السلام) درباره ی شفا بخش بودن قرآن می فرماید:

«از این کتاب بزرگ آسمانی برای بیماری های خود شفا بخواهید و برای حل مشکلاتتان از آن یاری بجویید، زیرا درمان بزرگترین دردها در این کتاب است؛» (۲)

بهترین دلیل برای اثبات این کلام مقایسه وضع عرب جاهلی با تربیت شدگان مکتب پیامبر(صلی الله علیه و آله) در آغاز اسلام است. آن قوم جاهل و نادان که انواع بیماری های اجتماعی و اخلاقی سر تا پای وجودشان را فرا گرفته بود. با استفاده از این نسخه شفا بخش نه تنها درمان یافتند، بلکه آنچنان نیرومند و قوی شدند که هیچ نیرویی نمی توانست در مقابلشان ایستادگی کند. (۳)

ب. بیماری های روانی:

برخی از روانشناسان با تحقیق در آیات قرآن دریافته اند که قرآن تاثیرزیادی بر روان انسان می گذارد و شفابخشی قرآن را با علوم تجربی مقایسه نموده اند. و نتایج حاصل از آن تحت عنوان تاثیر قرائت قرآن بر بهداشت روانی انسان منتشر شده است.

۱- (۱) . تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ج ۱۲، ص ۲۳۹

۲- (۲) . نهج البلاغه، خطبه ی ۱۷۶، و در خطبه ی ۱۵۶ و ۱۵۸ با تعابیر دیگر به شفا بخش بودن قرآن اشاره دارد

۳- (۳) . تفسیر المیزان، علامه طباطبایی، ترجمه از همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه، قم، ج ۱۳، ص ۳۰۶.

دستورات و توصیه های قرآن، تاثیر بسزایی در بهداشت روانی فردی و اجتماعی انسان دارد. تا جایی که می توان گفت: عمل به توصیه های قرآن، بالاترین و بهترین نسخه ی بهداشت روانی است. برای نمونه به برخی از آیات و تاثیرات آن ها اشاره می کنیم:

۱. مداومت بر قرائت قرآن کریم، نقش موثری در مقابله با استرس دارد. همچنین فهم قرآن نیز در مقابله با استرس مؤثر است. (۱)

۲. نتیجه ی تحقیقی که از ۶۰ دختر به دست آمده این است که گروهی که حداقل ۶ ماه روزانه نیم ساعت به قرائت قرآن می پرداختند، میزان اضطراب و افسردگی آنان به طور چشمگیری کمتر از دیگران بوده است. (۲)

۳. دمیدن روح امید، و دوری از یأس و تاثیر آن در کاهش افسردگی. (۳)

۴. دعوت قرآن به صبر و تاثیر آن در کاهش فشارهای روانی. (۴)

۵. دعوت قرآن به توکل به خدا (۵) و نقش آن در آرامش انسان.

۶. یاد خدا و آرامش دل. (۶)

۷. ممنوعیت خودکشی در دین (۷) و پایین آمدن آمار خودکشی در مجامع اسلامی.

۸. احترام و محبت به پدر و مادر (۸) و تاثیر آن در سلامت خانواده.

۹. حجاب برای زنان و سلامتی روانی. (۹)

ص:۲۰۷

۱- (۱) . ر.ك: مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی، آذر ۱۳۷۶، ص ۸۸

۲- (۲) . همان، ص ۷۹

۳- (۳) . یوسف / ۸۷

۴- (۴) . بقره / ۱۵۳ و ۱۵۵ و آل عمران / ۲۰۰

۵- (۵) . احزاب / ۳، آل عمران / ۱۵۹

۶- (۶) . اسراء / ۲۴، بقره / ۸۳

۷- (۷) . نور / ۳۱، احزاب / ۵۹

۸- (۸) . طه / ۱۴

۹- (۹) . نور / ۳۱، احزاب / ۵۹.

۱۰. نماز و آرامش روانی. (۱)

۱۱. ازدواج و تشکیل خانواده و تأمین آرامش فردی و سلامت محیط اجتماع. (۲)

۱۲. ممنوعیت سوء ظن، تجسس و غیبت، و اثرات آن بر سلامتی جامعه و شخصیت افراد. (۳)

به عبارت دیگر می توان گفت: همه ی دستورات الهی به نوعی برای آرامش فردی و اجتماعی و رشد و بالندگی فرد و جامعه آمده است. (۴)

۳. قرآن و درمان بیماری ها جسمی:

قبل از هر چیز، لازم است گفته شود؛ قرآن کتاب بهداشت و درمان و پزشکی نیست؛ بلکه کتاب هدایت و تربیت معنوی افراد و جامعه است.

و اگر به مطالب پزشکی و بهداشتی و علمی اشاره ای کرده است به خاطر این است که:

۱. راه خداشناسی را هموار کند.

۲. حس کنجکاوی بشر را تحریک نماید تا در زمینه ی علوم تجربی رشد نمایند و در پی کشف آن برآیند.

۳. اعجاز علمی قرآن را به اثبات برساند.

۴. علت مهم تر این که به خاطر پیوستگی نیازهای جسمی و روحی با همدیگر و تاثیر آنها بر همدیگر قرآن برخود لازم می داند که به بهداشت جسمی انسان نیز

۱- (۱) . طه / ۱۴

۲- (۲) . روم / ۲۱

۳- (۳) . حجرات / ۱۲ - ۱۱

۴- (۴) . ر.ک: خلاصه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه پزشکی تهران، ۱۳۷۶ آذر ماه.

توجه ویژه کند زیرا در کمال روحی او تاثیر دارد بنابراین قرآن برای تامین سلامتی و بهداشت جسم مطالبی بیان فرموده که اگر در حد اعجاز علمی نباشد قطعاً برخی آنها جزء شگفتی های علمی است. برای مثال:

الف: بهداشت غذایی: مانند: خوردن غذاهای پاک (۱) - ممنوعیت غذاهای غیربهداشتی (۲) - عدم اسراف در غذا (۳) - دوری از گوشت مردار (۴) - دوری از گوشت خوک و خوردن خون (۵) - دوری از شراب. (۶)

ب: بهداشت شخصی (جسمی): مانند: وضو، (۷) غسل، (۸) طهارت لباس، (۹) پاکیزگی محیط زیست (۱۰) و...

ج: بهداشت مسائل جنسی: مانند: ممنوعیت آمیزش با زنان در حالت عادت ماهیانه (۱۱) - دوری از زنا (۱۲) - دوری از لواط (۱۳) - دوری از استمناء. (۱۴)

۱- (۱) . بقره / ۱۷۲

۲- (۲) . اعراف / ۱۷۵

۳- (۳) . اعراف / ۳۱

۴- (۴) . انعام / ۱۴۵

۵- (۵) . بقره / ۱۷۳

۶- (۶) . بقره / ۲۱۹

۷- (۷) . مائده / ۶

۸- (۸) . همان

۹- (۹) . مدثر / ۴

۱۰- (۱۰) . حج / ۲۶

۱۱- (۱۱) . بقره / ۲۲۲

۱۲- (۱۲) . اسراء / ۳۲

۱۳- (۱۳) . اعراف / ۸۱ - ۸۰

۱۴- (۱۴) . مومنون / ۷ - ۵.

د . عسل و درمان بیماری های جسمی. (۱)

ه- . روزه و درمان بیماری های جسمی. (۲)

و. تاثیر آوای قرآن بر کاهش دردهای جسمی بعد از عمل جراحی. (۳)

حاصل سخن اینکه، قرآن برای بیماری های اعتقادی، روحی، روانی، اخلاقی و اجتماعی به صورت مستقیم دستور دارد حتی هدف از نزول خود را نجات انسان ها از بیماری اعتقادی و روحی و اخلاقی می داند.

اما برای بیماری های جسمی و بهداشت فردی و اجتماعی و درمانی آن به صورت کنایه ای و در پرتو دستورات و در قالب باید و نباید (حرام و حلال) و هست و نیست (ارشادی) بیان کرده است.

معرفی کتاب جهت مطالعه بیشتر:

۱. اسلام و بهداشت روان، مجموعه مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، نشر معارف.

۲. استعانت از قرآن کریم، علیرضا نیک بخت، نشر قبله، تهران.

۳. پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، ج ۲، انتشارات مبین.

۴. آموزه های تندرستی در قرآن، حسن رضا رضایی، انتشارات عطر آگین.

۱- (۱) . نحل / ۶۹ - ۶۸

۲- (۲) . احزاب / ۳۵

۳- (۳) . نک: استعانت از قرآن کریم در شفای جسمانی، نشر قبله، علیرضا نیکبخت نصر آبادی، ۱۳۷۸.

۵. طب در قرآن، دکتر عبدالحمید دیاب، دکتر قرقوز، ترجمه چراغی، انتشارات حفظی.

۶. اولین پیامبر آخرین دانشگاه، دکتر پاک نژاد، ج ۴ و ۵ و ۶، کتابفروشی اسلامی.

۷. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، دارالکتب اسلامیه، تهران، ج ۱۲، ص ۲۳۹. ذیل آیات مورد بحث و بررسی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹